

نشریه محراب / سال دوم / شماره سوم

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

معاونت جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد

سر دبیر: محمدصادق منتظری

دبیر تحریریه: مهلی منتظری

دبیران سرویس:

پیشخوان: رضا سادات

موضوع شناسی منابر حسینی: حسین رحیمی

امام مسجد: ابوالفضل میرشکاری

همسرانه: مهلی رزاقی طالقانی

همکاران تحریریه: دکتر فرشاد رومی، دکتر جواد سلیمانی امیری، دکتر

نازنین حقیقت بیان، مرضیه مرغیائی

ویراستار: الهام اشرفی

طراحی و گرافیک: استدیو فارس

نشانی: تهران / خیابان سعدی شمالی / کوچه صفامنش /

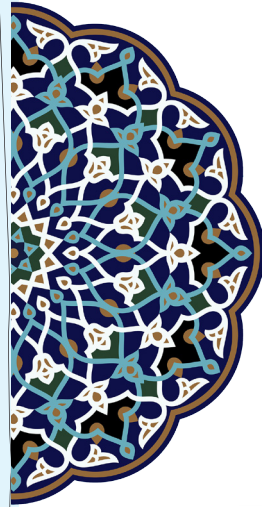
مجتمع فرهنگی آموزشی محراب / طبقه اول

کد پستی: ۵۶۵۱۱۱۴۵۷

تلفن: ۰۲۱۶۶۳۴۶۹۴۱

نمابر: ۰۲۱۶۶۳۴۷۹۳۴

تارنما: amozesh.masjed.ir



یادداشت سردبیر

قرآن و درس حاکمان از نهضت عاشورا

پس از ذکر امر به معروف نهی از منکر می فرماید: «اسیر بسیره جدی و آبی؛ سیره و روش من، همان سیره و روش جد و پدرم است.»

سیدالشهدا علیه السلام در سخنرانی های خویش شرایط امامت و رهبری را ذکر می کند و نیز به اصول قسط و عدل استناد می کند.

■ تکلیف گرایی دینی

آموزه‌ی تکلیف، راهبردی اساسی در مسیر دین داری و حکومت - داری ست. تکلیف، انسان را از افتادن در مسیر شبهات و مصلحت

این است که، بر اساس روابط اجتماعی عادلانه مسیر زندگی و تعالی انسان نظم و ترتیب پیدا کند، و این امر با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان پذیر است.

عاشورا با تمام بنیادهایش زمینه ساز تحقق حکومت اسلامی و معرفی اهداف اسلام ناب است.

امام حسین علیه السلام در برابر طغیان گران به مقابله برمی خیزد و با جهاد و جانبازی بنیان ظلم را متزلزل می کند و بر اساس کتاب و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پدر بزرگوارش گام برمی دارد، لذا امام حسین علیه السلام در وصیت نامه‌ی خود

قرآن و وظیفه‌ی هدایت انسان را دارد و مظاهر حق و باطل را نمایان می سازد؛ پس جریان عاشورا در واقع تفسیر عملی قرآن است، چرا که عاشورا در واقع نقطه‌ی تلاقی حق و باطل است.

در ادامه به چند تبیین از جلوه‌های قرآن کریم در جریان عاشورا اشاره می شود:

■ تحقق حکومت دینی

«و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط.»
به طور کلی هدف از بعثت پیامبران



آیه‌ی قرآنی را که ناظر به عنصر تکلیف‌گرایی دینی است تلاوت می‌کردند: «و من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمن هم من قسی نحبه و من هم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً».

■ آزاده خواهی و عزتمندی

اسارت و بردگی انسان برای انسان‌های دیگر، مایه‌ی ذلت و پستی و کمال‌ناپذیری او می‌شود و چنین ذلتی مورد نهی خداوند متعال و رسول اکرم ﷺ است. رسول اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: «کسی که ذلت خود را با میل و رغبت بپذیرد، از خاندان

هستی مرتبط می‌شود. زندگی حضرت سرشار از عمل به تکلیف است که می‌تواند الگوی مناسبی برای سیاست‌مداران جامعه‌ی اسلامی باشد.

در قیام عاشورا، ملاک مسئولیت و انجام وظیفه بود، چرا که با روی کار آمدن یزید، امام حسین ﷺ قیام علیه ظلم و ستم را وظیفه‌ای می‌داند که بر عهده‌ی همه‌ی مسلمانان گذارده شده است، و خود را موظف به عمل به این تکلیف می‌داند.

امام حسین ﷺ در روز عاشورا هر گاه، هر کدام از یارانش اذن به میدان رفتن می‌طلبیدند، این

سنجی‌های نابجا حفظ می‌کند و سَمْت و سوی الهی به رفتار او می‌دهد.

یکی از سنت‌های مشترک همه‌ی انبیا این است که باید اصول و مبانی دعوت خود را به مردم برسانند و در این مورد در برابر خداوند مسئولند. عمل و رفتار سیاسی و اجتماعی امام حسین ﷺ برآمده از تکلیف‌گرایی واقع‌بینانه‌ی الهی است، که خداوند را ناظر و شاهد بر تمام اعمال و رفتار آدمی میدانند و نیز فرامین او را تنها راه نجات بشریت می‌داند. بر اساس این نگرش هر مشکلی آسان و هر غربت و تنهایی‌ای به هماهنگی با جریان



مانیست.»

در فرهنگ دینی، عزت متعلق به خدا، رسول و مؤمنان است: «و لله العزه و لرسوله و للمؤمنین.» و هیچ کافری بر هیچ مؤمنی ولایت و تقدم ندارد: «ولن يجعل الله للكافرين

على المؤمنین سیلاً.»

خداوند بلندمرتبه‌گی و آزادگی و حریت را برای انسان می‌خواهد و هیچ عبودیت و ذلتی را نزد مستکبران و زیاده‌خواهان نمی‌پذیرد.

سیدالشهدا علیه السلام در کلامی مشهور می‌فرماید: «آگاه باشید که این زیاد مرا میان انتخاب دو چیز قرار داده است؛ میان مرگ و بیعت ذلیلانه؛ ولی ذلت و خواری از ما، خاندان رسول خدا، دور است؛ و نه خداوند

این ذلت را بر ما می‌پذیرد و نه رسولش و نه مؤمنان و نه دامن‌هایی که طیب و طاهرند.»
لذا عاشورا صحنه‌ی ظهور عزت و غیرت و آزادگی است.

■ اخلاق سیاسی

از دیدگاه قرآن سیاست و حکومت، مقوله‌ی خنثی و بی‌بنیادی نیست که هر کسی بتواند عهده‌دار این مهم گردد. بلکه حکومت و سیاست ناظر به کمال و سعادت انسان است، که زمینه‌ها و شرایط بیرونی را برای انسان مهیا می‌کند، تا بتواند به سمت صلاح و تکامل حرکت کند. بنابراین سیاست جدای از اخلاق نیست، بلکه رابطه‌ای نزدیک و غیرقابل انفکاک دارند،

لذا اخلاق سیاسی آن دسته از صفات نفسانی است که باز یگران سیاست در عرصه‌ی تدبیر امور جامعه باید دارا باشند، تا جامعه را به سمت سعادت رهنمون شوند. از جمله اصول اخلاق سیاسی از منظر قرآن استقامت بر حق، خیر خواهی، شجاعت، گذشت، کنترل احساسات و حفظ عقل، پایبندی به عهد و پیمان، صداقت و راستی، نفی حیله و نیرنگ، عدم تمسک به راه‌های باطل و نادرست و اعتدال و ... است.

عاشورا مملو از ظهور و تجلی این صفات برجسته در سیدالشهدا علیه السلام، اصحاب و خاندان ایشان است.

دولت اسلامی چیست که این روزها درباره‌ی آن صحبت‌های بسیاری مطرح می‌شود؟

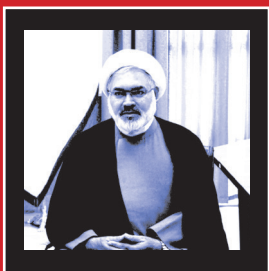
چه چالش‌هایی بر سر راه تحقق آن وجود دارد؟

در سرویس پیشخوان این شماره از نشریه‌ی محراب درباره‌ی دولت اسلامی صحبت خواهیم کرد.

چیستی، چرایی، موانع و چالش‌های تحقق آن را خواهیم شناخت، و نیز با آنچه در این زمینه هنوز

انجام نشده است و لازم است صورت بپذیرد آشنا خواهیم شد.

پیشخوان



داشتن الگو و زنجیره
حکومت اسلامی ...



راه کارهای تحقق
دولت اسلامی



شاخصه‌های تحقق
دولت اسلامی



مقدمه‌ای بر تحقق دولت اسلامی

فرشاد رومی
نویسنده و استاد دانشگاه

۶

نشریه محراب
شماره ۳

اسلامی، کشور ما با چالشها و موانعی روبه‌روست که بخشی از آن ناشی از دشمنی نظام سلطه بوده است و بخشی از نارضایتی‌ها و اختلالات، محصول کژکار کردی مدیریت در کشور بوده است. نوشتار پیشرو عمدتاً بر مشکلات و عوامل داخلی و گله‌مندی‌ها و نارضایتی‌ها متمرکز شده است. به این ترتیب، نوشتار حاضر با معرفی شاخص‌های تحقق دولت اسلامی بر اساس نظرات مقام معظم رهبری به طرح این سؤال پرداخته است که چالش‌ها و موانع تشکیل دولت اسلامی به عنوان یکی از مراحل تحقق تمدن اسلامی در ایران کدام است؟ و نظام اسلامی چگونه و با چه فرآیندی می‌خواهد این آرمان بلند خود را محقق سازد؟

سومین گام از فرآیند تشکیل دولت اسلامی، به معنای اسلامی شدن روش و منش دولتمردان و طراحی سازوکارها و نهادهای نظام براساس معارف اسلامی است. گام چهارم نیز همان تشکیل جامعه‌ی الگو و نمونه‌ی اسلامی است، که از سویی حیات طیبیه را برای مردم ایران رقم می‌زند و از سوی دیگر الگویی برای سایر ملت‌های مسلمان است و به وسیله‌ی الگوسازی خود راه را برای تشکیل تمدن نوین اسلامی هموار می‌کند. اما از نظر حضرت آیت الله خامنه‌ای ما هنوز در مرحله‌ی دولت‌سازی به سر می‌بریم و در حال گذار از دولت پیش‌اسلامی به دولت اسلامی هستیم. بدیهی‌ست در مسیر تحقق دولت

رهبر انقلاب اسلامی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی فرآیندی پنج مرحله‌ای را ترسیم کرده‌اند، که ابتدای آن، پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و انتهای آن نیز تشکیل تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف است. دومین گام این فرآیند از نظر ایشان تشکیل نظام اسلامی است. رهبر انقلاب در این باره می‌گویند: «نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن.» مثل اینکه وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی موروثی برداشته شد و به جای آن، نظام دینی مردمی‌گزینشی جایگزین شد.



شاخص‌ها و تحقق دولت اسلامی

در میانه‌ی تعیین مصداق بر تحقق دولت اسلامی نگاهی انداخته‌ایم به هفت شاخصی که رهبر معظم انقلاب برای محقق ساختن تشکیل دولت اسلامی برشمرده‌اند:



۸

نشریه محراب
شماره ۳۵

همین زمینه، تأکید کردند: «اصول و ارزش‌های انقلاب در سخنان و مواضع امام، متجلی است و اگر عملاً پایبند و دلبسته‌ی آنها باشیم و در مواقع ابهام نیز به آنها رجوع کنیم،

از شاخص‌های برجسته‌ی دولت مطلوب اسلامی، اعتقادات و نگاه صحیح به حقایق جامعه است، که منجر به سلامت عملکرد دولت خواهد شد. رهبر معظم انقلاب در



■ شاخص اول: سلامت
اعتقادی، اخلاقی و عملکردی

به فضل الهی، کارها خوش آینده خواهند بود و به پیش خواهیم رفت.»



■ شاخص دوم: خدمت به خلق و روحیه‌ی خدمت

دومین شاخصی که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید دارند، خدمت به خلق است. ایشان خدمت به مردم را گفتمان اصلی دولت اسلامی و فلسفه‌ی وجودی مسئولان می‌دانند و تأکید دارند: «هیچ مسئله‌ای نباید مسئولان را از خدمت به مردم غافل کند، دیدگاه‌ها و سلاقی متفاوت سیاسی اقتصادی و اجتماعی، حاشیه‌است و خدمت به مردم، متن. اجازه ندهید حاشیه‌ها بر متن اثر بگذارند.»



■ شاخص سوم: عدالت طلبی

ایشان در بیان اهمیت عدالت طلبی و عواقب بی توجهی به آن می‌فرمایند: «ما در پی پیشرفت یا به تعبیر رایج، توسعه هستیم، اما قطعاً این پیشرفت باید با عدالت همراه باشد، و گرنه جامعه مانند کشورهای غربی دچار شکاف و تبعیض و نارضایتی خواهد شد.»



■ شاخص چهارم: سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد

چهارمین شاخص دولت مطلوب از نگاه رهبر معظم انقلاب، سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد است. ایشان «منصب حکومتی را جایگاه وسوسه‌انگیز قدرت و منابع مادی می‌دانند، که مدیران نظام مانند یک چشم بصیر و یک نورافکن قوی و دائم، باید مراقب باشند دستگاه تحت مدیریتشان از وسوسه‌ی فساد، دور و در امان بماند.»

حضرت آیت الله خامنه‌ای فساد را هم چون موربانه می‌دانند: «کارگزاران نظام باید با قاطعیت و تدبیر جلوی رخنه‌ی فساد، پارتی بازی، رشوه و اسراف را بگیرند، تا اصولاً نیازی به ورود دستگاه‌های نظارتی به حیطه‌ی مدیریتی آنها، پیش نیاید.»

«هیچ مسئله‌ای نباید مسئولان را از خدمت به مردم غافل کند، دیدگاه‌ها و سلاقی متفاوت سیاسی اقتصادی و اجتماعی، حاشیه‌است و خدمت به مردم، متن. اجازه ندهید حاشیه‌ها بر متن اثر بگذارند.»



■ شاخص پنجم: حکمت و خردگرایی در امور

رهبر معظم انقلاب با توصیه‌ی مؤکد به دولت‌ها برای استفاده از ظرفیت خوب کارشناسان داخلی در همه‌ی زمینه‌ها و عرصه‌ها معتقدند: «باید قبل از هر اقدام و حتی هر اظهار نظر و موضع‌گیری - ای، مطالعات کارشناسی لازم انجام شود، چرا که هزینه‌ی برطرف کردن تبعات منفی کارهای ناپخته و سخنان ناسنجیده بسیار زیاد است.»



■ شاخص ششم: تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور

رهبر معظم انقلاب کلید حل مشکلات را در ظرفیت‌ها و امکانات داخل کشور می‌داند، که باید با خردمندی از آنها بهره‌گرفت. «این حرف به معنای استفاده نکردن از ظرفیت‌های بیرونی نیست، بلکه نکته‌ی اساسی این است که نباید به خارج امید بست.»

موانع تحقق دولت اسلامی

در حال حاضر ایران با چالش‌ها و موانعی روبه‌روست، که مانع از شکل‌گیری دولت اسلامی به عنوان مرحله‌ی سوم از مراحل پنج‌گانه‌ی تحقق تمدن نوین اسلامی شده است. بدون تردید، برای تحقق دولت اسلامی ابتدا باید مشکلات را شناخت و سپس به ارائه‌ی راه‌حل پرداخت. در ادامه‌ی این نوشتار به بیان موانع داخلی بر سر راه ایجاد دولت اسلامی پرداخته شده است، که به تفکیک در سه حوزه‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی به آنها اشاره خواهد شد. البته بسیاری از این حوزه‌ها با یکدیگر هم‌پوشانی دارند، اما برای تسهیل فهم پژوهش، این تقسیم‌بندی ضروری بود.

۱۰

نشریه محراب
شماره ۳

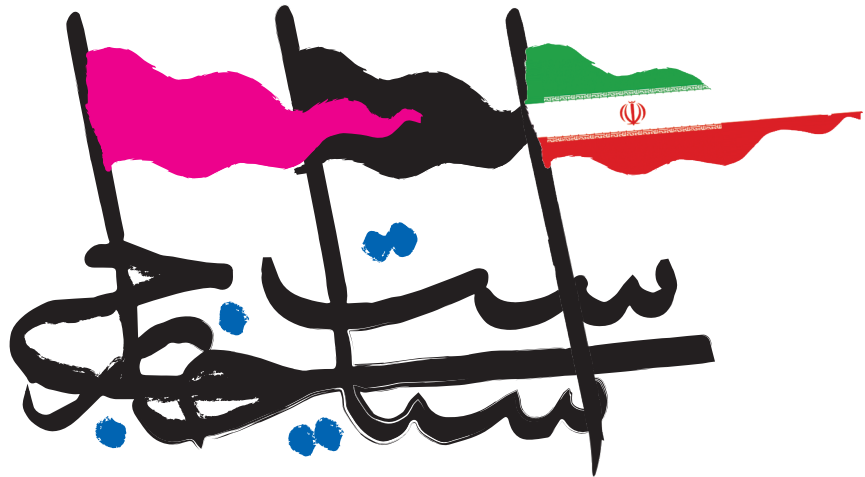
■ زمینه‌های اقتصادی

کشور ما با ابرچالش‌های متعددی در حوزه‌ی اقتصادی و روبه‌روست؛ رکود اقتصادی و بحران واحدهای تولیدی، تورم افسارگسیخته، بیکاری، شکاف طبقاتی و...
-الگوهای توسعه‌ی ایران، از نظر عدالت و برابری ناموفق بوده است. کشور امروز با جدایی اقشار فقیر از سایر اقشار جامعه روبه‌روست. این جدایی را در افزایش فاصله‌ی میان نواحی مختلف و عدم دسترسی

برخی از مناطق به حداقل خدمات آموزشی و بهداشتی می‌توان دید. -اقتصاد تک محصولی ایران همچنان متکی به استخراج و صادرات نفت و گاز بوده است و این خود از چالش‌های عمده در تحقق استقلال اقتصادی کشور است، که از الزامات تحقق یک دولت اسلامی است. در این نوع اقتصاد با هر بار نوسان و کاهش درآمد نفت، مشکلات شدیدی در برنامه‌ها و بودجه‌ی دولت ایجاد می‌شود.

■ زمینه‌های سیاسی

عامل اقتصادی، تنها پوسته‌ی بیرونی وضعیت نابسامانی‌ها در نظام اسلامی است. ناکارآمدی‌ها، فقط مربوط به حوزه‌ی اقتصاد و عملکرد یک دولت نیست، بلکه محصول رویکرد نظام مدیریتی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، امنیتی است. تقریباً هیچ معضل اقتصادی - ای را نمی‌توان یافت که پیوسته در مسائل سیاسی، اجتماعی، قضایی و شیوه‌ی کلان مدیریت دولت نداشته باشد.



فقر، توزیع ثروت، بحران بانکی، رشد اقتصادی، حجم نقدینگی و تورم و رکود، همه با جهت گیری- های دولت در سیاست خارجی، در تعاملند.

- حملات و افشاگری های عجیب مسئولان مملکتی علیه یکدیگر و متهم ساختن دیگری به سوءمدیریت و فساد مالی و خیانت به کشور، طبعاً اعتماد مردم را به مسئولان از میان میبرد و باعث فقدان سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود.

شده است. وقتی فساد اقتصادی گسترده است، دولت نمی‌تواند به وظایفی که در قبال شهروندان دارد به طور شایسته عمل کند. از اینرو، شهروندان متضرر می‌شوند و حقوق آنها به اشکال مختلف به جیب رده‌های گوناگون مفسدان اقتصادی می‌رود.

- سیاست خارجی کشور، قطعاً در «سامان» یا «تابسامانی» اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مملکت مؤثر است. شاخص‌ها و آمار بیکاری،

- در جامعه با تقدم مناسبات سیاسی روبه‌رو هستیم. الگوی توزیع قدرت سیاسی در ساختار سیاسی ما روند تولید در اقتصاد ایران را تضعیف کرده است. در واقع اهداف سیاسی بر اهداف ملی و منافع اقتصادی کشور تقدم دارد.

- از جمله حقوق شهروندی، حق برخورداری از حکمرانی کارآمد است. حق حکمرانی خوب به علت فساد گسترده و سیستماتیک در بدنه‌ی دولت‌ها از مردم سلب

هنگامی که آسیب‌های اجتماعی
خاصیت سلسله‌ای، پیوسته و
شتاب‌زا به خود بگیرند و به گونه‌ای
فراگیر شوند که کلیت جامعه
را در بر بگیرند و خود به موتور
محرکه‌ی تولید آسیب‌های دیگر
تبدیل شوند، آنگاه می‌توان گفت
جامعه وارد مرحله‌ای از «شکست
اخلاقی» شده است

■ زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی

سالهای اخیر، ارزش‌های اخلاقی در جامعه‌ی ما به شدت تضعیف شده است. و این شبهه برای مردم به وجود آمده است (شبهه‌هایی که بی‌علت هم نیست) که اگر دست به رفتار اخلاقی بزنند، سرشان بی‌کلاه می‌ماند و به این دلیل به رفتارهای غیر اخلاقی گرایش پیدا کرده‌اند. رواج چنین نگرشی بسیار خطرناک است، زیرا روشن است جامعه‌ی بی‌اخلاق نمی‌تواند دوام پیدا کند.

- بروز رفتارهای غیر اخلاقی از طرف شهروندان هر جامعه‌ای کمابیش وجود دارد. نمی‌توان جامعه‌ای را یافت که از آسیب‌های اجتماعی همچون سرقت، زورگیری، قتل، تجاوز، طلاق و ... مبرا باشد. در عین حال شیوع معضلات و آسیب‌های اجتماعی در کشورها و حتی مناطق مختلف، گوناگونند و علل خاص خود را دارد. هنگامی که آسیب‌های اجتماعی خاصیت سلسله‌ای، پیوسته و شتاب‌زا به خود بگیرند و به گونه‌ای فراگیر شوند که کلیت جامعه را در بر بگیرند و خود به موتور محرکه‌ی تولید آسیب‌های دیگر تبدیل شوند، آنگاه می‌توان گفت جامعه وارد مرحله‌ای از «شکست اخلاقی» شده است، که از آن به فروپاشی اخلاقی تعبیر می‌شود. متأسفانه، در

- در مجموع کاهش اعتماد عمومی به دلایل گوناگون، از جمله: ضعف کارآمدی سازمانها و نهادها در پاسخ‌گویی به شرایط کنونی جامعه، نارضایتی ناشی از منازعات و مدیریت ناصحیح افکار عمومی، افزایش مطالبات و انتظارات چه در رقابتهای انتخاباتی و چه در رقابت‌های سیاسی بدون توجه به منابع و امکانات کشور و در نتیجه انباشت انتظارات تحقق نیافته و شیوع و پیوس بدبینی در جامعه را می‌توان از عوامل اساسی نارضایتی مردمی برشمرد. بنابراین، علاوه بر کاستی‌های اقتصادی، در سال‌های اخیر برخی مشکلات سیاسی روانی، زندگی روزمره‌ی شهروندان را تحت تأیید قرار داده است و بر آستانه‌ی تحمل مردم تأثیر منفی داشته است.

راه کار تحقق دولت اسلامی

مقدمه‌ای بر اهمیت کارآمدی

در ایدئولوژی اسلامی، دین اسلام منبع نهایی مشروعیت تعریف می‌شود و حاکمیت، حقی الهی است که تفویض آن به بشر در انحصار خداوند است. حقانیت در تفکر اسلامی، مبنای اصلی و کلیدی مشروعیت شناخته می‌شود. از دیگر منابع مشروعیت، مقبولیت حکومت است. گرچه مقبولیت یا عدم مقبولیت، نافی «بر حق بودن» یک حکومت نیست، اما مقبولیت، تضمین‌کننده‌ی مشروعیت نظام است. از اینرو، حقانیت را می‌توان مشروعیت اولیه و مقبولیت را مشروعیت ثانویه نامید.

در حکومت‌هایی که مبنای مشروعیتشان، معیارهای الهی است، کارآمدی یا ناکارآمدی گرچه تأثیری بر مشروعیت اولیه نمی‌گذارد، ولی در مشروعیت ثانویه و قوام و دوام حکومت تأثیرگذار است.

در واقع مشروعیت اولیه (حقانیت)، نوعی صلاحیت ذاتی است که اقبال مردمی تأثیری در آن ندارد، اما این صلاحیت ذاتی باید با کفایت و صلاحیت‌های اکتسابی دیگر تکمیل شود تا به غایت خود برسد.

اگر نظام سیاسی از کارایی برخوردار نباشد و نتواند پاسخگوی خواسته‌های مردم باشد، پشتیبانی توده‌ها از نظام کاهش می‌یابد و سلب می‌شود. بدون حمایت مردم هم، مشروعیت حکومت با چالش روبه‌رو خواهد شد. از اینرو، کارایی و پویایی نظام سیاسی بستگی به پاسخگویی نظام به خواسته‌هایی دارد که از سوی افراد و گروه‌های اجتماعی مطرح می‌شود.

با این توضیحات باید گفت؛ با توجه به آفتهای درونی و موانع موجود در کشور اولین شرط تحقق دولت اسلامی، افزایش کارآمدی و کارایی نظام سیاسی است.





■ پیش شرط‌های تحقق دولت اسلامی

برای تحقق شکل‌گیری دولت اسلامی لازم است؛ همه‌ی نهادها و سازمانهای حاکمیتی به صورت منسجم نسبت به افزایش کارآمدی خود و پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم اقدام

اگر نظام سیاسی از کارایی برخوردار نباشد و نتواند پاسخگویی خواسته‌های مردم باشد، پشتیبانی توده‌ها از نظام کاهش می‌یابد و سلب می‌شود

کنند. تقویت احزاب و انتخاب افراد کارآمد و مستقل برای ورود به مراکز تصمیم‌سازی می‌تواند اثرگذار باشد. «بحران ناکارآمدی» بسیار خطرناک است، اما ترکیب آن با بحران بی‌اعتمادی انفجار در پی دارد.

رفع مشکل ضعف پاسخگویی روندهای اداری در بخش‌های مختلف سازمان‌ها و نهادهای مسئول در قبال امور جاری مردم، و نیز رفع مشکل‌زا بودن فرآیندهای غیر ضروری و بوروکراسی موجود اداری و قوانین و مقررات انباشت شده.

چنانچه فرآیند انجام امور و اصلاح مدیریت کشور در دستور کار قرار نگیرد، نمی‌توان انتظار داشت که

نارضایتی از ساختار اداری کاهش یابد.

رسیدگی به اعتراضات مردم، اعتراضات مردم در سال‌های اخیر به واضح‌ترین شکل ممکن تخاصمات طبقاتی و اجتماعی را نشان داده است و ثابت کرد پیوند آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی ضرورت امروز جامعه ما است.

توجه به پیوند میان گروه‌های سیاسی؛ فرهنگ سیاسی جدیدی در جامعه‌ی ایران بروز کرده است، که تفاوتی بین دیدگاه‌ها و سیاست‌های جریان اصلاح طلب و جریان محافظه - کار قائل نیست. جوانان و نسل - های نو منتقد وضعیت موجودند



اسلامی برخوردار است. تقویت ارتباط دولت با مردم به تصمیمات واقع بینانه و منطبق با مشکلات مردم منجر می شود. از آن طرف فاصله گرفتن دولتمردان از مردم، موجب خطا در نوع تحلیل دولت از نیازهای واقعی جامعه خواهد شد. «حضور وزرا و دولتمردان در جامعه و بین مردم و شنیدن بی واسطه‌ی دردها و مشکلات مردم به کاهش

جنگل‌ها و مراتع، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها گرفته شود و استفاده‌ی بهینه از انرژی و کاهش پخش مواد آلوده کننده و بر پایه‌ی استانداردهای زیست محیطی تشویق و برنامه‌ریزی گردد.

شرط تحقق نخست: ■ کارآمدی سیاسی

در ادامه با عنایت به فرمایشات و توصیه‌های مقام معظم رهبری و برای مقابله با چالش‌های موجود بر سر راه تحقق دولت اسلامی راهکارهایی ارائه شده است: افزایش نقدپذیری، تحمل مخالف، برقراری ارتباط قوی تر با مردم و تقویت روحیه‌ی مردمی از اهمیت بسزایی در راه تحقق دولت

و خواستار اجرای اصول و مبانی سیستم حکمرانی خوب هستند. آنها خواهان سیستمی اند که در آن همه‌ی نهادهای کشور مورد بازخواست و نظارت قرار بگیرد و مردم سهم بیشتری در تصمیم گیری‌ها داشته باشند، تا بتوانند صدای خود را به گوش مسئولان برسانند و مسئولان هم رفتار مثبت و سازنده‌ای در ارتباط با مطالبات مردمی داشته باشند.

رسیدگی به مشکلات محیط زیست؛ وضعیت محیط زیست در کشور ما به شدت وخیم و بحران خشکسالی و کم‌آبی فاجعه بار شده است. لازم است با تدوین مقررات لازم و انجام اقدامات ضروری جلوی آلودگی هوا، نابودی

برای تحقق شکل گیری دولت اسلامی لازم است؛ همه‌ی نهادها و سازمان‌های حاکمیتی به صورت منسجم نسبت به افزایش کارآمدی خود و پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های مردم اقدام کنند.



فاصله‌ی دولتمردان و مردم کمک می‌کند و از اینکه وزرا صرفاً تحت تأثیر یکسری از اطرافیان و مشاوران خاص، اطلاعات حوزه‌ی کاری خود را دریافت کنند جلوگیری می‌کند، وزرا از این طریق می‌توانند تصمیمات واقع‌بینانه و دقیق‌تری اتخاذ کنند.»

شرط تحقق دوم: اقتصاد به سامان

در خصوص مسائل اقتصادی و با توجه به زیرساخت‌های کشور، ایجاد ثبات و آرامش ذهنی در مردم و بازار، کاهش تورم، تأمین نیازهای اساسی مردم و تحرک بخشیدن به تولید ملی باید در دستور کار فوری قرار گیرد.

وقف سازوکارهای سلب مالکیت از توده‌ها که مشخصاً اشاره به سیاست‌های ذیل است:

□ توقف سیاست خصوصی‌سازی. در تمام دنیا حتی در کشورهای پیشرفته در مواجهه با بحران، پدیده‌ی ملی‌سازی برای امنیت شرایط مورد توجه قرار می‌گیرد. جنبش واگذاری در اوج بحران، هیچ نسبتی با منافع ملی ندارد. اگر شرایط بحرانی باشد به نفع افراد سودجوست، چون این واگذاری به شکل ارزان‌تری برای آنها تمام می‌شود.

□ تغییر الگوی توزیع مخارج دولت به نفع خدمات اجتماعی و به زیان سازوکارهای حکمرانی، تغییر الگوی عوارض‌گیری به زیان نیروهای نامولد و به نفع نیروهای مولد و طبقات فرودست‌تر اجتماعی.

□ توقف انواع زمین‌خواریها و تصحیح مقررات حاکم بر تغییر

کاربری اراضی با هدف صیانت از محیط زیست، کالایی‌زدایی از خدمات اجتماعی دولت با هدف توقف سازوکارهای سلب مالکیت از توده‌ها.

□ انحلال بخش غیرمتشکل بازار پولی که زیر نظر بانک مرکزی نیست و در خلق نقدینگی و ایجاد تورم بسیار مؤثرند. حرکت به سمت ملی‌سازی بانک‌ها و سایر نهادهای پولی، مبارزه با فساد اقتصادی در بدنه‌ی دولت، تغییر الگوی توزیع تسهیلات در شبکه‌ی بانکی به نفع نیروهای مولد و نیز به نفع نیازهای اجتماعی طبقات فرودستر، تغییر الگوی مالیات‌ستانی از رهگذر حذف مالیات بر مصرف و بسط مالیات بر ثروت و مالیات بر درآمد و لغو معافیت‌های مالیاتی بخشهای شبه دولتی.



□ دائمی سازی قراردادهای کاری در زمینه‌ی مشاغلی که ماهیت دائمی دارند، انحلال شرکتهای پیمانکاری تأمین نیروی انسانی که به زیان کارفرمایان مستقیم عمل می‌کنند و هم به زیان نیروهای کار، شمولیت مجدد قانون کار برای تمام نیروهای کار که تابعیت ملی یا حق اجاره‌ی کار در واحد ملی دارند. □ با توجه به نشانه‌های مختلف از کاهش اعتماد به نظام سیاسی کشور، رسیدگی سریع قوه‌ی قضاییه به پرونده‌های مختلف رانت-خواری و فساد در کشور، قطعاً در میان مدت و درازمدت پایه‌های اعتماد مردم به این نهاد و متعاقباً به کل نظام را استوارتر خواهد ساخت.

شرط تحقق سوم:

■ رسانه‌ی به روز و کارآمد

□ فضای مجازی و به ویژه ابزارهایی مانند تلگرام و اینستاگرام نقش قابل توجهی در تحولات سیاسی کشور دارند. بخشی از اقبال مردم به این رسانه‌ها و قابلیت تأثیرگذاری فضای مجازی به دلیل ضعف ابزارهای داخلی ست. اغلب رسانه‌های موجود در کشور به دلیل دولتی بودن، سیاست‌زدگی محض و یا به دلیل عطش مخاطبان آنها به بدگویی از جناح‌های رقیب و محدودیت‌های مختلف رسانه‌ها، نقش محدودی در تحولات کشور دارند. اگر رسانه‌های دولتی به ویژه صداوسیما رویه‌ی خود را با تحولات جدید در عصر ارتباطات اصلاح نکنند، تأثیرگذاری ویرانگر شبکه‌های اجتماعی در آینده‌ی بیشتر

خواهد شد. دوری از سیاست‌زدگی و استقلال رسانه ملی از جناحهای سیاسی و حتی دولت مستقر و داشتن رقیب در عرصه‌ی داخلی در این زمینه مفید خواهد بود.

□ مبارزه‌ی واقعی علیه رانت خواری و فساد نیازمند شفاف سازی فعالیت‌های اقتصادی، رسانه‌های آزاد و فراهم آوردن امکان نظارت رسانه‌ها و اتحادیه‌ها، مجامع صنفی و سازمان‌های غیردولتی بر فعالیت‌های اقتصادی حکومت و مسئولان آن است. از اینرو، اصلاح و پاکسازی محیط داخلی، شرط ضروری بقای نظام و جلب اعتماد ملی و کاهش شکافهاست. نباید از بیان واقعیت ترسید و به خودسانسوری در گزارش‌های رسمی روی آورد.

داشتن الگو و زنجیره‌ی حکمرانی اسلامی زمینه ساز تحقق دولت اسلامی است!

در گفت و گویا: حجت الاسلام والمسلمین دکتر نجف لکزایی

۱۸

نشریه محراب
شماره ۳

اشاره:

دولت اسلامی، یک رؤیای محقق شده نیست و برای رسیدن به آن باید اقدامات بسیاری صورت پذیرد. جامعه‌ی اسلامی امروز ما در این زمینه ضعف‌هایی که دارد که البته قابل اصلاح و برنامه‌ریزی است.

با حجت الاسلام والمسلمین نجف لکزایی، پژوهشگر علوم دینی و سیاسی، معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم و رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پیرامون دولت اسلامی و چالش‌های مسیر تحقق دولت اسلامی گفت و گویی انجام داده‌ایم، که خوانش این موضوعات را برای مخاطب نشریه‌ی محراب بنیادی‌تر و شفاف‌تر خواهد کرد.

♦ جناب لکزایی برای خوانندگان نشریه‌ی محراب بفرمایید که پیشینه‌ی تئوریک مسیر انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی مبتنی بر کدام بخش از اندیشه‌ی دینی است؟ همانطور که مستحضرید بحث دولت گره می‌خورد به نیازهای

باید قدر تمند باشیم، باید توانمند باشیم. منتها فرض این است که اگر همه به دنبال این باشند که قدرت خودشان را زیاد بکنند، یک هرج و مرجی پیش می‌آید. یعنی هر کسی که قدرت بیشتری دارد طبیعتاً بر آن کسانی که قدرتشان ضعیف‌تر است، زور خواهد گفت.

خدای متعال در آیه‌ی ۲۱۳، سوره‌ی بقره این وضعیت را برای ما تصویر کرده و می‌فرماید:

«عَوِذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ
التَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ
مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ
النَّاسِ فِيمَا اُخْتَلَفُوا فِيهِ...»

می‌گوید: اول آدم‌ها با هم بودند، تعدادشان کم بود، بعداً که تعداد زیاد شد بین این‌ها اختلاف پیش آمد، ما انبیا را با قانونی در دست، با کتابی در دست که اینجا کتاب کنایه از قانون است، فرستادیم «لیحکم بین الناس فی ما اختلفوا فیهِ»، تا اینکه بین مردم بر اساس آن قانون الهی داوری بکنند و نزاع‌ها و ناامنی‌ها فصل بکنند، به سرانجام برسانند، بر اساس عدالت. بر همین اساس است که در واقع تکوین دولت به لحاظ رویکرد قرآنی



مطرح می‌شود. آبرویی که داریم نمی‌خواهیم از بین برود. اینجا بحث امنیت اجتماعی...

و به همین سیاق امنیت روان‌شناختی، امنیت اخلاقی و امنیت فرهنگی و دیگر انواع امنیت‌ها مطرح می‌شود.

بشر به صورت فطری متوجه شد که: خب، این نیازها اگر بخواید برطرف بشوند و این‌ها از سوی دیگران وجودشان تهدید نشوند، احتیاج به یک ابزاری دارد که از آن به عنوان قدرت و توانایی یاد می‌شود. یعنی برای اینکه امنیت من تأمین بشود

اساسی انسان. ضروری‌ترین نیاز انسان نیاز به امنیت است. امنیت هم در پایه‌ای‌ترین معنا به معنای نیاز به بقاست، یعنی ما آنچه را که داریم، می‌خواهیم حفظ کنیم، تداوم داشته باشد و کسی این را از ما سلب نکند. ما جانمان را دوست داریم و نمی‌خواهیم کسی جان ما را بگیرد. خب اینجا بحث امنیت جانی مطرح می‌شود. اموالی را که در اختیار داریم می‌خواهیم این‌ها را داشته باشیم و از آن بهره‌مند بشویم و کسی این‌ها را از ما تصاحب نکند. اینجا بحث امنیت اقتصادی

بزرگ‌ترین چالش ما، آنگونه
که من از فرمایشات مقام
معظم رهبری استفاده کردم
مربوط می‌شود به چالش
جامعه‌سازی و دولت‌سازی
که این باید ان شاء الله
مورد توجه قرار بگیرد.

مرحله‌ی اول، انقلاب اسلامی بود که خب در کشور ما این در سال ۱۳۵۷ انجام شد. مرحله‌ی دوم، تأسیس نظام اسلامی مبتنی بر رهبری الهی بود که خب الحمدلله اینهم انجام شد. مرحله‌ی سوم، ایجاد دولت اسلامی ست به عنوان بازوی اجرایی نظام اسلامی. یعنی اینجا آن بحث سامانه‌ی اداره‌ی جامعه است. که درباره‌اش حالا توضیح خواهم داد.

مرحله‌ی چهارم، تشکیل جامعه‌ی اسلامی است.

مرحله‌ی پنجم، نیل به تمدن نوین اسلامی و امت اسلامی است.

خب، چالش‌هایی که اینجا وجود در مرحله‌ی سوم، چهارم و پنجم است که ما می‌توانیم از تعبیر حکمرانی اسلامی برایش استفاده کنیم، که مربوط می‌شود به حوزه‌ی

دولت نمرود، امپراطوری رُم...، به عنوان دولت‌های نامطلوب از آن‌ها یاد شده است. اما از دولت حضرت یوسف، حضرت داود، حضرت سلیمان و دولت جناب طالوت که تحت امر یک پیامبر الهی تشکیل شده بود و نیز دولت ذوالقرنین به عنوان دولت‌های مطلوب و خوب یاد شده است. بنابراین دولت، محصول نیاز طبیعی و فطری انسان‌هاست که با کمک انبیای الهی شکل گرفته است.

♦ امروز به نظر جناب عالی بزرگ‌ترین چالش‌های این مسیر کدامند و مادر چه وضعیتی در این مسیر تحقق قرار داریم؟

مقام معظم رهبری فرمودند که برای تحقق اهداف اسلامی ما باید پنج مرحله را طی بکنیم:

می‌توانیم بگوییم به انبیای الهی برمی‌گردد. با توجه به اینکه شروع سکونت آدمیان در زمین با یک پیامبر همراه است که در قرآن کریم با عنوان حضرت آدم از او یاد شده است، وقتی که نسل انسان از آدم گسترش پیدا می‌کند، اختلافاتی پیش می‌آید که در قرآن کریم اولین اختلاف را هم می‌گوید که بین هابیل و قابیل افتاد، به هر حال سرانجام می‌رسد به تأسیس دولت. البته در قرآن کریم در ماجرای حضرت نوح این بحث اختلاف و نزاع‌های اعتقادی، فرهنگی و دینی پررنگ‌تر شده است. در دوره‌ی حضرت ابراهیم خیلی برجسته‌تر شد. به دوره‌ی حضرت موسی که می‌رسیم دیگر خیلی خیلی پررنگ است. یعنی مادر قرآن کریم از هر دو دولت خوب و بد داریم، دولت‌هایی مثل دولت فرعون،

ممکن است یک متفکر ما بیاید
 بگوید که الگوی مثلاً اقتصاد
 اسلامی ست، الگوی بدون
 ریاست، اما این می شود یک
 حلقه از حلقه های زنجیره ای
 حکمرانی اقتصادی، حلقات
 دیگر آن هم باید طراحی
 بشود.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. یعنی ما بر اساس چه الگویی یا چه الگوهایی قصد داریم قوای سه گانه را شکل دهیم، جامعه سازی کنیم و دولت سازی کنیم تا برسیم انشاءالله به تمدن سازی.

اینجا بحث وجود دارد، چالش ها اینجا ست. به تعبیر دیگر، چالش، چالش کارآمد و کارایی ست. یعنی آیا این مثلاً سیستم قضایی الان کارایی دارد یا ندارد؟ آیا سیستم اجرایی ما کارایی دارد یا ندارد؟ آیا سیستم پارلمانی و قانون گذاری ما کارایی دارد یا ندارد؟

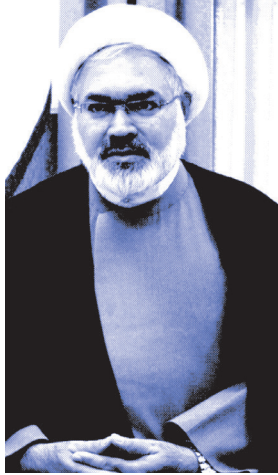
بزرگترین چالش ما، آنگونه که من از فرمایشات مقام معظم رهبری استفاده کردم مربوط می شود به چالش جامعه سازی و دولت سازی که این باید انشاءالله مورد توجه قرار بگیرد. و البته یکی از راهکارهایش هم همین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که امیدواریم

ان شاءالله هر چه زودتر نهایی بشود و برای اجرا ابلاغ بشود.

♦ جناب لکزایی، به طور کلی مراد از الگوی حکمرانی اسلامی چیست؟

الگوی حکمرانی اسلامی، الگویی ست که به ما بگوید چگونه راهبری قدرت بکنیم و چگونه از قدرت قانونی برای جریان پیدا کردن دین در سطح نهادهای اساسی جامعه یعنی نهاد خانواده، نهاد اقتصاد، نهاد تعلیم و تربیت، نهاد بهداشت و نهاد حکومت استفاده بکنیم. به عنوان مثال عرض می کنم خانواده ای اسلامی چه جور خانواده ای ست؟ آیا ما الگوی خانواده ای اسلامی را ارائه کردیم؟ جایگاه خانواده ای اسلامی در جامعه ای اسلامی و دولت اسلامی چیست؟ خانواده به عنوان هسته ای مرکزی جامعه ای اسلامی

است، الان جایگاه آن در دولت اسلامی کجاست؟ یا شما اقتصاد را ببینید؛ مراجع ما، علمای ما و بزرگان ما، همه یا اکثریت از ربوی بودن نظام اقتصادی ناله می کنند، گلایه مند هستند و شکایت دارند. خوب سؤال: الگوی اقتصاد اسلامی ما چیست؟ و حکمرانی اسلامی چگونه می تواند این الگو را اجرا بکند؟ یعنی در الگوی حکمرانی اسلامی ما باید این را بتوانیم به شکل واقعی نشان بدهیم و بگوییم که ما به این شکل می توانیم از قدرت قانونی استفاده بکنیم. برای اینکه این الگوی اقتصادی اسلامی را اجرایی بکنیم. ما الان نسبت به این چرخه و زنجیره توی خیلی از جاها ابهام داریم. یعنی ممکن است یک متفکر ما بیاید بگوید که الگوی مثلاً اقتصاد اسلامی، الگوی بدون ریاست، اما این می شود



یک حلقه از حلقه‌های زنجیره‌ی حکمرانی اقتصادی. حلقات دیگر آن هم باید طراحی بشود. یعنی اگر ما بحث را سیستمی در نظر بگیریم، این باید بیاید مثلاً ده تا زنجیره را برای ما به هم وصل بکند، تا زنجیره‌ی حکمرانی اقتصادی در دولت اسلامی برای ما تعیین تکلیف بشود.

توی این قسمت‌ها الان ما چالش داریم و در این قسمت‌هاست که الان ما می‌توانیم بگوییم که مشکلات عمده‌ای داریم. برای همین است که باید روی الگوی حکمرانی اسلامی بیشتر کار کنیم، چون در الگوی حکمرانی اسلامی عناصر این زنجیره‌ها مشخص خواهد شد، مبدأ و مقصد برای ما مشخص خواهد شد، محرکه‌های معرفتی و انگیزشی برای ما مشخص خواهند شد، یعنی بگوید که این تصمیمی که ما داریم می‌گیریم از چه دانشی برخاسته است؟ از چه

محرک معرفتی‌ای برخاسته است؟ از چه محرک انگیزشی‌ای برخاسته است؟ باید نهادهای مختلف را درگیر کند. اعم از نهادهای دولتی، نهادهای مردم‌نهاد، نهادهای فرهنگی، مذهبی، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، نماز جمعه‌ها و ... یعنی ما اگر این الگوها را ارائه بکنیم می‌توانیم بگوییم بین مدرسه، مسجد، دانشگاه، خانه و دولت یک پیوند و ارتباطی برقرار کردیم، در حالی که الان این طوری نیست.

◆ در چالشی که بیان کردید نقش امام جماعت و مسجد را در این میان چگونه می‌بینید؟

ببینید، پیش‌نماز ما در یک مسجد احساس می‌کند که تنهاست. ما چه الگویی طراحی کردیم که بین مسجد با خانه ارتباط برقرار کند؟ بین مسجد با مدرسه ارتباط برقرار بکند؟ بین مسجد با دانشگاه و حوزه‌ی علمیه ارتباط برقرار

کند؟ بین مسجد با فرمانداری‌ها و استانداری‌ها و بخشداری‌ها و نهادهای اقتصادی و فرهنگی و این‌ها ارتباط برقرار کند؟ حتی بین مسجد با مثلاً ارشاد اسلامی، اداره‌ی ارشاد در هر شهرستان ارتباط برقرار کند؟ ارتباط قانونی منظور من است. یعنی یک الگویی طراحی شده باشد، این را ما بدهیم دست پیش‌نماز مسجدمان و با دست امام مسجد بگوییم این الگوی عمل شماسست، این الگوی اقدام شماسست. بدهیم دست هیئت‌امانی مسجد، بگوییم این الگوی اقدام شماسست.

اساساً خود جایگاه مسجد در حکمرانی اسلامی چیست؟ ما می‌دانیم به شکل ارتکازی که مسجد در صدر اسلام مهم‌ترین پایگاه و نهاد بوده است، از صبح تا شب هم فعال بوده است. مرکز اعزام لشکر بوده، مرکز همه‌ی مسائل جامعه توی مسجد رتق



در آینده‌ی نظام اسلامی خواهد شد؟

ما اگر این چالشها را حل نکنیم، در واقع کارآمدی ما زیر سؤال خواهد رفت. چنان که الان هم زیر سؤال رفته است، هم‌افزایی ما زیر سؤال می‌رود. ببینید الان نیروها به شکل پراکنده خیلی کار می‌کنند، ولی هم‌افزایی‌ها ضعیف است.

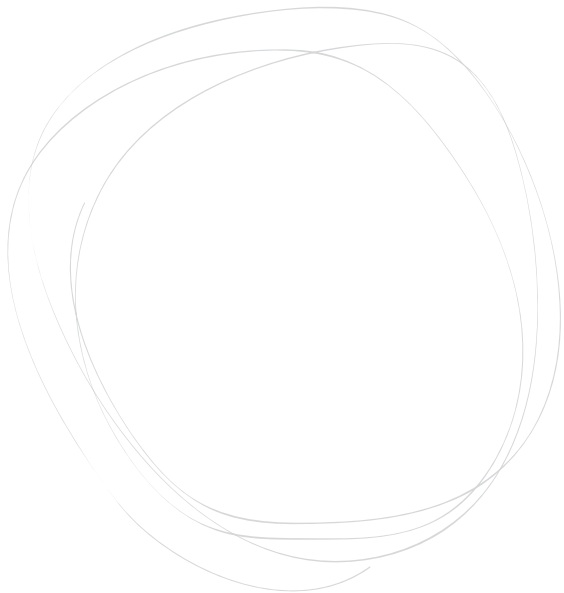
فارابی یک تمثیل خیلی جالبی دارد می‌گوید که، مملکت‌داری مثل معماری ست، معمار چه می‌کند؟ معمار خودش نه گچ کار است، نه آهنگر است، نه دروپنجره‌ساز است، نه برق کار است و نه لوله‌کش، هیچ کدام از این‌ها نیست. اما کسی ست که فعالیت همه‌ی این‌ها را هم هماهنگ می‌کند، هم به موقع برق کار را وارد ساختمان می‌کند، هم به موقع دروپنجره‌ساز را وارد می‌کند و هم به موقع لوله‌کش وارد می‌کند، در آخر شما می‌بینی عجب ساختمان قشنگی شد. یعنی یک

می‌روند، بوستان هم رفته باشند، گردش هم رفته باشند. می‌آمدیم می‌گفتیم که مهد کود کمان را هم باید در کنار مسجد ایجاد بکنیم. مثلاً نمونه‌ی این را الان در لبنان داریم، شما وقتی به لبنان می‌روید، مساجدی که حزب الله ایجاد کرده، فقط مسجد نیست، بلکه به تعبیر ما، برای اینکه به تصور دوستان نزدیک بشود، مجتمع‌های فرهنگی مذهبی است. یعنی یک ساختمان هفت طبقه است که وقتی شما آنجا می‌روی می‌بینی که مسجد هست، ورزشگاه هست و همین‌طور تفریح‌گاه، حتی خیاط‌خانه هست، مرکز آموزش‌های مهارتی به افراد بیکار هست و... خیلی چیزهای دیگر، کتابفروشی هم هست و الی آخر.

♦ فکر می‌کنید نبود الگوی حکمرانی اسلامی و زنجیره‌ی قوا، موجب ایجاد چه چالشی

و فتق می‌شده است. خب الان وضع مساجد ما چگونه است؟ ببینید این‌ها همه چالش‌های ماست که ناشی از ضعف در الگوی حکمرانی اسلامی ست. اگر ما الگوی حکمرانی اسلامی را ارائه بکنیم این ضعف‌ها، این ابهامات، این‌ها باید برطرف بشوند. ما الان از این امکاناتی که داریم به خاطر این ضعف در الگوی حکمرانی اسلامی استفاده نمی‌کنیم، از مسجد درست استفاده نمی‌کنیم. الان مساجد ما باید بشوند محور فرهنگی یک محله، و در سطح شهر، مسجد جامع باید بشود محور فرهنگی یک شهر. خب الان به ارتکار خودمان مراجعه می‌کنیم و می‌بینیم اینگونه نیست دیگر.

فقط می‌خواهم برای روشن شدن اذهان مثال بزنم: می‌گفتیم که قلب هر شهر مسجد است، این مسجد باید قلب هر پارک و بوستان ما باشد. یعنی وقتی مردم مسجد



روندها را عزیزان طراحی نمی کنند و هم افزایی ها هم اتفاق نمی افتد و این مشکلات به وجود می آیند. بعد آن وقت دودش به چشم چه کسی می رود؟ امام جماعت مسجد. یعنی گرانی می شود، مرغ کم می شود امام جماعت باید جواب بدهد، برق قطع می شود امام جماعت، خب چه ربطی به امام جماعت دارد؟ مگر این ها اصلاً حرف امام جماعت را گوش کردند، حرف حرف اسلام را گوش می کردند خب اسلام سوره ی یوسف است دیگر که می گوید دولت باید برنامه ریز باشد.

♦ در پایان اگر نکته خاصی مانده در خدمت شما هستیم؟
محفوظ باشید.

مملکت داری مان چطوری است، یعنی یک دفعه می بینید خب امسال باران نیامد، دچار خشک سالی شدیم، خب شما پار سال چه کار می کردید؟ چرا این روندها بررسی نشده است؟ در روند مملکت داری امروزی با این امکانات علمی، بعضی از کشورها تا پنجاه سال آینده شان را برنامه ریزی کرده اند. بعضی از کشورها حتی تا پانصد سال آینده را در دستور کار قرار داده اند. این تأکیدی که مقام معظم رهبری دارند در بیانیه ی گام دوم، دیگر به اوج خودش رسیده است که پنجاه سال آینده مان را برنامه ریزی نکنیم. خب، این ها باید مورد توجه قرار بگیرند، تا یک مملکت به این بزرگی با این همه استعداد به مشکل کمبود مرغ و تخم مرغ نرسد. این ها همین چالش های کار آمدی است، چالش های مربوط به این است که

معمار خوب، معماری ست که برای کار خودش الگو دارد، هر تخصصی را به موقع وارد می کند. محصول کارش می شود یک محصول بسیار زیبا، یک ساختمان بسیار زیبا. اگر این الگوها نباشد، هم افزایی ای اتفاق نمی افتد. اگر هم افزایی اتفاق نیفتد ما پیشرفت نمی کنیم و این چالش بزرگ پیش روی ماست. الان هم این بحران آب و برقی که داریم، این بحران هایی که داریم مال چیست؟ مال این است که ما به الگوی حضرت یوسف توجه نکردیم.

در قرآن آمده است که حضرت یوسف با یک خواب پیش بینی کرد، بررسی کرد گفت: آقا شما هفت سال آب دارید، بعد هفت سال دچار خشک سالی می شوید، باید از الان برنامه ریزی کنید برای آن هفت سال خشک سالی. ما الان اصلاً نمی دانیم که الگوی

امروزه تبلیغ دین و انتقال مفاهیم معرفتی و تربیتی به عنوان یک تخصص شناخته می‌شود. تخصص در امر تبلیغ دین یعنی برای تربیت و تأثیر گذاری بر جامعه هدف نیازمند فرایندی مهندسی شده می‌باشیم. یکی از ارکان این فرایند، رصد مسئله‌ها و موضوعات تربیتی، معرفتی و فرهنگی مخاطب و در نتیجه پاسخ به نیازهای او است. پرونده پیش رو به صورت ویژه به مبحث موضوع شناسی منابع محرم و صفر و مهارت‌های عزاداری می‌پردازد.

موضوع شناسی منابع حسینی



موضوع شناسی منابع
محرم از منظر تاریخی



بالای منبر
چه بگوییم؟



موضوع شناسی
نقطه آغاز...

موضوع‌شناسی، نقطه‌ی آغاز یک فعالیت تبلیغی

گفت و گو با: حجت الاسلام دکتر سید محمد حسین هاشمیان
پیرامون امام جماعت و موضوع شناسی فرهنگی

۲۶

نشریه محراب
شماره ۳



اشاره:

یکی از مهمترین شاخصه‌ها در تبلیغ دین، میزان اثرگذاری بر مخاطب است؛ بر این اساس رصد موضوعات مورد نیاز جامعه در این حوزه به وضوح احساس می‌شود؛ چرا که موضوع شناسی، حلقه وصل متولیان فرهنگی به خصوص امام جماعت محله با مخاطب است. مصاحبه با حجت الاسلام دکتر سید محمد حسین هاشمیان عضو گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقر العلوم علیه السلام در موضوع موضوع شناسی تبلیغ محرم می‌تواند گره‌های این گزاره تبلیغی را برای ائمه جماعات باز می‌کند



عالی ترین محتوا را و بهترین ابزار و بیان را، در خدمت داشته باشد. چرا که مسئله ی مخاطب چیز دیگریست. ولی من به عنوان امام جماعت به مسئله ی دیگری می پردازم؛ لذا ارتباط سازنده ای که باید بین مبلغ و مخاطب شکل بگیرد اساساً برقرار نخواهد شد. بدین ترتیب، اصلی ترین رکن در یک فعالیت تبلیغی، بحث موضوع شناسی یا به تعبیری مسئله شناسی تبلیغی است. آثار و پیامدهای موضوع شناسی،

نیازسنجی و نیازشناسی است؛ که خودریشه در مخاطب شناسی دارد. یعنی مبلغ باید اولاً، بداند جامعه هدفش کدام دسته از مخاطبان است و ثانیاً، نیاز و مسائل این مخاطب چیست و سپس بر مبنای این شناخت فعالیت تبلیغی خود را ساماندهی کند. بنابراین از نظر من تعریف علمی موضوع شناسی، نیازشناسی و مسئله شناسی جامعه هدف است. اتفاق مهمی که اگر به درستی رقم نخورد، تمام فعالیت تبلیغی بی فایده خواهد بود. حتی اگر مبلغ،

◆ **به نظر شما؛ اساساً یک امام جماعت مسجد چه نیازی به موضوع شناسی دارد؟ و در وهله ی دوم، ضرورت ها و آثار موضوع شناسی برای یک امام جماعت چیست؟**

موضوع شناسی به یک معنا نقطه ی آغاز یک فعالیت تبلیغی قلمداد می شود. به عبارتی دیگر، اگر فعالیت های تبلیغی را از سنخ فعالیت های فرهنگی بدانیم؛ اصلی ترین نقطه ی این فعالیت



ورزشی تأسیس کند و کارهایی از این دست.



حال پرسش مهم این است که این مسئله شناسی مان چگونه باید اتفاق بیفتد؟ آیا می شود این مهم را در یک چهارچوب ثابت پیگیری کرد؟ مثلاً بگوییم نهاد متولی امر تبلیغ موظف باشد ده تا، پنج تا، سه تا مسئله با داده ها و مستندات آماری دقیق و پاسخ های شفاف علمی مبتنی بر آیات و روایات آماده کند، و این ها را توشه ی تبلیغ مبلغان و امامان مساجد کند؟

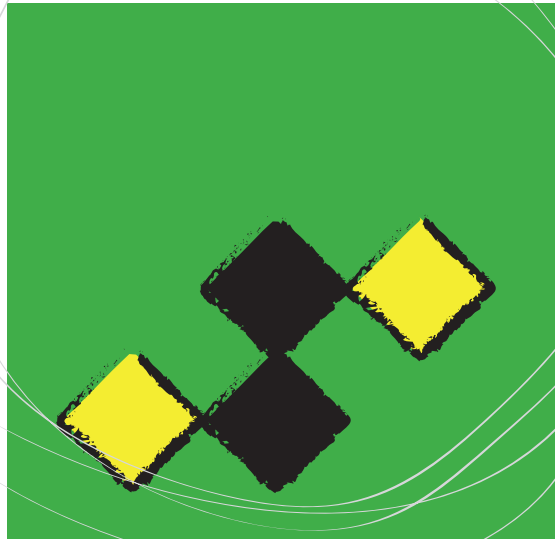
پاسخ این است که، این شیوه ممکن است در رابطه با مسائل کلان

جمعیت، بحران طلاق، بی تفاوتی اجتماعی و...

این خیلی خوب است، اما خوب نمی توان دغدغه های مخاطب را نادیده گرفت؛ مسائلی که شاید در ظاهر سنخشان با مسائل کلان نظام متفاوت باشد، اما در یک نگاه کلان ذیل همان مسائل تعریف شود. بنابراین باید امام جماعت توجه داشته باشد که شاید برای بعضی از مباحث، الزاماً قالب منبر کارایی لازم نداشته باشد.

مثلاً برای موضوعی لازم باشد جوانان را به یک اردو ببرند. یا مثلاً در حل فلان مسئله ی اقتصادی با همراهی هیئت امنای یک صندوق قرض الحسنه تأسیس کند، باشگاه

وقتی خود را نشان می دهند که مبلغ به مسئله ی اصلی جامعه هدفش دست پیدا کرده باشد و می تواند محتوا و نحوه ی ارائه ی خود را ناظر به آن مسئله آماده کند؛ اینکه ببیند ابزار و فناوری مناسب و یا زاویه ی ورود به بحث چه باید باشد خیلی در نتیجه بخش بودن فعالیت تبلیغی حائز اهمیت است، زیرا همانطور که می دانید مخاطبان ما و جامعه هدف مبلغان ما، هم متکثر هستند، هم مسائلشان متنوع و پیچیده است. یعنی این نیست که بگوییم ما تنها با یک مسئله روبه روییم. حالاً ممکن است کسی بگوید من میخواهم مسائل نظام را بیان کنم؛ مسائلی از قبیل



فرهنگی، چشم‌های بینا و رصدگر باشند، نه اینکه ما از بالا فقط بپاییم یکسری مسائل و محتوای کلان ملی را به آن‌ها بگوییم؛ کاری که شاید خیلی وقت‌ها بتوان از طریق تلویزیون، برنامه‌های رسانه‌های جمعی دیگر هم انجام داد و از ساحت منبر برای مسائلی خاص‌تر، (به اقتضای آن فضا و زیست‌بوم فرهنگی اجتماعی آن محله) بهره برد.

بنابراین به نظر می‌رسد که لازم است مبلغان عزیز ما در بحث موضوع‌شناسی و مسئله‌شناسی آموزشی ببینند، و خودشان در این فضا وارد بشوند.

و معضلات فرهنگی در ظاهر یکی است؛ ولی صورت‌بندی‌شان در این شهر با آن شهر، این منطقه با آن منطقه، این محله با آن محله فرق می‌کند. به عنوان مثال مسئله‌ی بدحجابی؛ در منطقه‌ی یک تهران، یکسری زمینه‌ها و علت‌ها دارد و در منطقه‌ی بیست، زمینه‌ها و علت‌های متفاوتی دارد. برای مخاطب دانشجوی ما یک‌طور است، برای مخاطب خانه‌دار ما یک‌طور دیگر. در واقع مسئله یکی‌ست، ولی صورت‌بندی آن متفاوت است. بنابراین نکته‌ی بسیار مهم این است که بتوانیم امامان جماعت‌مان را یک مقدار تقویت کنیم، که خودشان در حوزه‌ی مسائل اجتماعی و

ملی مانند، مسئله‌ی جمعیت یا انتخابات جواب بدهد؛ (مثلاً در ایام انتخابات برای حل مسئله‌ی کاهش مشارکت عمومی، بسته‌ی محتوایی‌ای آماده کرده و به عنوان یک بسته‌ی محتوایی تبلیغی بفرستیم برای امامان جماعت که در فعالیت تبلیغی خود از آن استفاده کنند)، اما در رابطه با مسائل میدانی محله، منطقه یا شهر یا روستا این روش کارآمد نیست. در این دسته مسائل، نهاد عهده‌دار ساماندهی مبلغین باید روش موضوع‌شناسی را به مبلغ خود بیاموزد که خودشان بتوانند به مسائل کف جامعه هدفشان دست پیدا کنند. چرا که خیلی از مسائل

آثار و پیامدهای
موضوع‌شناسی، وقتی خود
را نشان می‌دهند که مبلغ
به مسئله‌ی اصلی جامعه
هدفش دست پیدا کرده باشد

نکته سوم، توجه به بحث آینده‌پژوهی در موضوع‌شناسی است. اگر امام‌جماعت ما فهم آینده‌پژوهانه داشته باشد می‌تواند پیش‌بینی کند که مثلاً با این روندی که دارد اینجا رقم می‌خورد و مثلاً دارد فلان خیابان کشیده می‌شود، فلان پارک زده می‌شود، فلان فرهنگ‌سرا یا سینما تأسیس می‌شود، چه فرصت‌ها و یا تهدیداتی متوجه جامعه هدف خواهد شد و قبل از مواجهه خودش و مخاطب را آماده کند.

با توجه به شناختی که جناب عالی از فضای شهر تهران دارید؛ به نظر شما در شهر تهران برای امام‌جماعت چه موضوعات دست‌اولی وجود دارد که باید به آنها

بهرتر می‌توانیم مسئله را حل کنیم، تا اینکه بخواهیم با معضل به‌طور موقتی برخورد کنیم و باز بعد از مدتی دوباره آن مسئله برگردد؛ چون ریشه‌ی مسئله هنوز به‌قوت خود باقیست.

نکته‌ی دیگری هم که می‌توان در بحث روش به آن اشاره کرد؛ در رابطه با خود مخاطب‌شناسی است. اینکه خود مخاطب را از منظر دینی، مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی تحلیل کنیم و ابعاد شخصیتی، رفتاری و نیز شناخت خوبی نسبت به او پیدا کنیم. واز این جهت متوجه بشویم سمت و سوی حرکت این محله چگونه است. بنابراین مخاطب‌شناسی بحث بسیار مهمی دیگر است که هم در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و هم در حوزه‌ی روان‌شناسی ابعاد مختلفی دارد.

از نظر شما آیا برای موضوع شناسی می‌توان متد و روش خاصی تعریف کرد؟ اگر پاسخ مثبت است؛ نکات اساسی‌ای که در این روش باید مد نظر قرار داد چیست؟

خب، یکی از نکات همین است که موضوع‌شناسی یکی از مباحث تحلیل محیطی است، لذا دیدن زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ارتباطاتی که این زمینه‌ها با یکدیگر دارند یکی از محورهای مهم در موضوع‌شناسی است. اینکه مثلاً جست‌وجو کنیم و ریشه‌ی فقر اقتصادی یک خانواده را پیدا کنیم، که بفهمیم ریشه‌اش در حوزه‌ی اقتصاد جامعه است، یا ریشه در فقر فرهنگی و عدم اطلاعات است؛



بر فعالیت خودش و خانواده‌اش در فضای مجازی به واسطه‌ی آموختن سواد رسانه کنترل داشته باشد. اینگونه نباشد که بچه‌ها مخصوصاً با توجه به این فضای شاد و شبکه‌ی دانش‌آموزی مدارس آزادانه و بدون دانستن راه و چاه و مهارت‌های لازم در این فضا بچرخد و خدایی نکرده به خودش و دیگران آسیب بزند.

با توجه به شناختی که جنابعالی از فضای شهر تهران دارید؛ به نظر شما در شهر تهران برای امام جماعت چه موضوعات دست‌اولی وجود دارد که باید به آن‌ها بپردازد. موضوعاتی که به نوعی مسئله‌ی همه‌ی مردم است.

را نشان می‌دهد) مسئله‌ی ناامیدی اجتماعی (که خصوصاً به دلیل جنگ روانی در فضای مجازی شیوع پیدا کرده است) و ارائه‌ی نقاط امیدبخش و امیدآفرینی است. به نظر من اگر بخواهیم یک برنده را سرلوحه-ی تبلیغ محرم قرار بدهیم؛ امیدآفرینی است که مورد تأکید حضرت آقا در بیانیه‌ی گام دوم بوده است. به عبارتی دیگر مبارزه با این جنگ روانی، جنگ شناختی است. جنگ هیبریدی دشمن در فضای مجازی و ماهواره جامعه‌ی ما را خسته کرده است. چه خوب که ما بتوانیم از ظرفیت امام جماعت برای مبارزه با این جنگ روانی استفاده کنیم.

مسئله‌ی فضای مجازی و سواد رسانه‌ای (اینکه مخاطب بداند باید

بپردازد. موضوعاتی که به نوعی مسئله‌ی همه‌ی مردم است، و امام جماعت باید در موضوع شناسی آنها را در نظر داشته باشد؟

مسائل زیادی از جمله: مسائل خانواده (با تمام مسائل و زیر موضوعاتش اعم از آمار ازدواج و طلاق، الگوی معیوب ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج، ازدواج سفید، تسهیل در ازدواج و...)

مسائل حوزه‌ی مهارت‌های زندگی (با همه‌ی زیر مجموعه‌هایش)

مسائل حوزه‌ی تربیت (که در حوزه‌ی کودک، جمعیت و فرزندآوری بسیار کاربرد دارد)

مسائل حوزه‌ی بحث مشارکت اجتماعی (که یکی از آثارش در بحث بی‌تفاوتی اجتماعی است و در عرصه‌ی انتخابات و این‌ها خودش

با توجه به اینکه ما راجع به محرم داریم صحبت می‌کنیم، همین مسائل بی‌تفاوتی اجتماعی، خانواده، یا مثلاً امید آفرینی، گریزهای محرمی و برش‌های محرمی آن را فرض کنید، سیدالشهدا، چطور باید...

حماسه‌ی کربلای سیدالشهدا تابلویی از فرهنگ و تمدن اسلامی است؛ همان‌طور که می‌دانید در حوزه‌ی فرهنگ و تمدن، خانواده بسیار حائز اهمیت است. لذا شما می‌بینید در واقعه‌ی عاشورا مسئله‌ی خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد، تا جایی که اکثر روضه‌های واقعه‌ی عاشورا حول محور خانواده است، از کودک شیرخوار گرفته تا طفل سه ساله و چهار ساله و زن و دختر و جوان و پیرمرد.

در رابطه با امید هم اساساً پیوند عاشورا با مسئله‌ی مهدویت، پیوندی ناگسستنی است که رکن آن مقوله‌ی ظهور و بحث انتظار است و انتظار سازنده است. چرا که بر اساس احادیث ما، آخرالزمان زمان ابتلای جامعه‌ی شیعه با بلاهای

شدید است. بنابراین کاملاً زمینه‌ی پردازش مسئله از منظر محتوای عاشورایی برای این مسائل وجود دارد.

یا مثلاً در موضوع بی‌تفاوتی اجتماعی می‌توان این‌گونه به مسئله ورود کرد که خب اصلاً حضرت برای چه قیام کردند؟ برای اینکه بی‌تفاوت نباشند.

«أَنْتِي لَمْ أُخْرَجْ أَشْرَأَ وَلَا يَطْرَأُ وَلَا مُفْسِداً وَمَا رِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ ظَالِماً وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلِبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي صَ أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأُبِي» فلسفه‌ی قیام عاشورا امر به معروف، نهی از منکر بوده و این یعنی عدم بی‌تفاوتی اجتماعی.



به عنوان سؤال آخر، با توجه به جو شهر تهران که خودتان واقف هستید، بعد از اینکه مبلغ از موضوع شناسی به - درستی عبور کرد و نیاز مخاطبش را شناخت، باید از چه زاویه‌ای برای بیان و طرح

مسئله ورود کند که هم بتواند حرف‌هایش را خوب بیان کند، هم بتواند خوب مسئله را تحلیل کند و به سمت حل آن پیش برود؟

اولین مرحله همراهی با مخاطب است، یعنی از جایی شروع کنیم که مسئله‌ی اوست. در افق معنایی و ذهنی او وارد بشویم و همدلانه با او پیش برویم تا به یک نقطه‌ی اشتراک برسیم. مثلاً از مسائل اقتصادی، اجتماعی (که در قالب مناطق تهران جزو دغدغه‌های اصلی است) شروع کنیم و همدلانه پیش برویم.

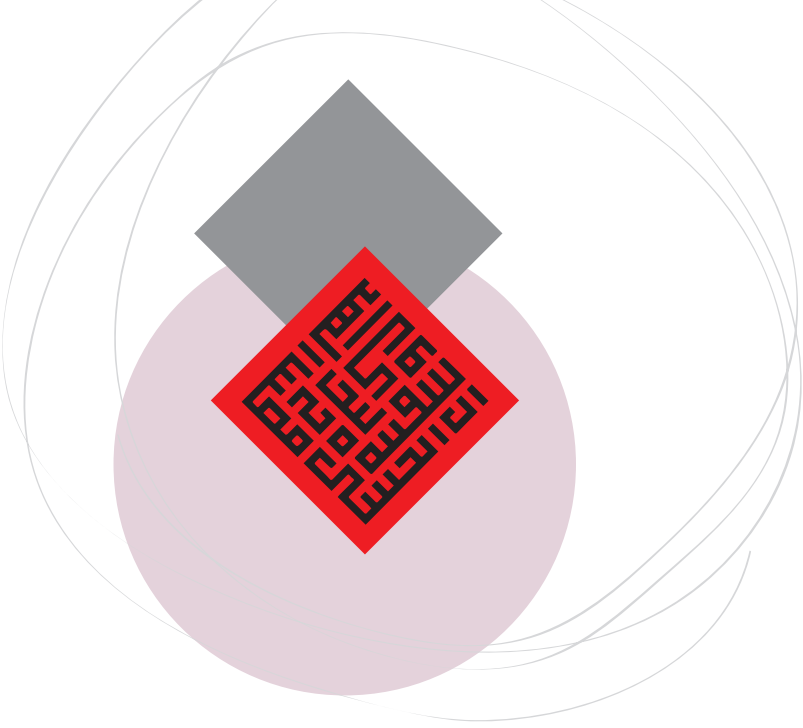
دومین مرحله که بسیار اهمیت دارد این است که سعی کنیم مشکلات را انکار نکنیم. بپذیریم که مشکلات وجود دارند، منتها کمک کنیم که متوجه بشود بخشی از این مسئله واقعیت اجتماعی است، و بخش دیگرش برساختی غیر واقعی است که رسانه‌های بیگانه و فضای مجازی برای تو ساخته‌اند.



بالای منبر چه بگوییم؟ گفتاری در باب موضوع شناسی منابر محرم و صفر

گفتاری از: حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی

عنصر علم در کنار گنجی به نام تجربه، تولید کننده ساختاری هدفمند بر اساس چشم اندازی واقع بینانه در امر تبلیغ دین است. یک روحانی جهت امر ابلاغ دین، نیازمند فراگیری علوم اسلامی و انسانی و همچنین کسب مهارت های تبلیغی مورد نیاز است. این علوم و مهارت ها گاهی در فضای تدریس و تدریس فرا گرفته می شود و گاهی تجربه همچون چراغ راه مسیر استفاده از آموخته ها را بیش از پیش فراهم می آورد. برای این اساس با محور چگونگی موضوع شناسی در منابر محرم و صفر از تجربیات حجج اسلام دکتر ناصر رفیعی و سید حسین حسینی قمی بهره می بریم.



■ عناصر اساسی منبر

چهار عنصر اساسی در بحث منبر وجود دارد:

- ۱- مخاطب‌شناسی
- ۲- موضوع‌شناسی
- ۳- محتواسازی
- ۴- محتوا

اگر مخاطب‌شناسی کردیم، به دنبال آن نیازسنجی هم به وجود می‌آید. مخاطب را که بشناسیم، خود به خود نیاز او دیده می‌شود. مخاطب را این‌گونه می‌توان دسته‌بندی کرد:

مخاطب تشنه، مخاطب بی تفاوت، مخاطب نوظلم، مخاطب داوطلب، مخاطب مجبور، مخاطب بدبین و مخاطب خوش‌بین.

■ راه‌های شناسایی نیاز مخاطب

چگونه نیاز مخاطب را بشناسیم؟ یکی از راه‌های شناسایی نیاز مخاطب منطقه شناسی است.

خاطره‌ی اول:

برای تبلیغ به دُبی رفته بودم. شب اول رفتم منبر، شب دوم یک آقای می‌آمد گفت: «این حرف‌ها را اینجا نزن. اینجا زنا می‌کنند، شراب می‌خورند، دوست‌دختر دارند، اینجا که صحبت می‌کنی تقوا و نماز شب را بگذار کنار، اینجا بگو شراب می‌خورید مسجد نیاید.»

خاطره‌ی دوم:

بنده در شهر ارومیه بالای منبر

رفته بودم، یک شبهه‌ای را مطرح کردم و آمدم پایین. آقای آمد و گفت: «آنچه مطرح کردید شبهه و مسئله‌ی مردم این منطقه نیست.» گفتم: «آقا، تهران این شبهه...» گفت: «این بچه‌ها بکر و یک‌دست هستند، این‌ها خبر از این شبهات ندارند.»

لذا یک آقای رفته بود کرج، می‌گفت: «عصری آمده بودم توی کوچه و خیابان قدم می‌زدم برای تبلیغ، ببینم نیاز مردم این منطقه چیست.»

یکی دیگر از راه‌های شناخت نیاز مخاطب، از طریق سؤال مطرح کردن است. مثلاً سؤال کنید سال قبل منبری چه کسی بوده است؟

جایی صحبت کرده بود، بعد از پنج جلسه یکی آمد گفت آقا کی راجع به خوب‌ها صحبت می‌کنید؟ این‌ها چه می‌دانند بدها چه، بدها یک مسئله‌ی اعتقادی سنگینه، شما چرا وارد بحث قضاو قدر شدی برای این مخاطب؟»
«لاتحدثوا الجهال بالحکمه» این‌ها مخاطب‌شناسی است.

مثال چهارم:

پیغمبر گرامی اسلام، کاروان را فرستاد حبشه، تا وارد شدند جناب نجاشی گفت که قرآن بخوانید ببینم قرآن چه می‌گوید. چه سوره‌ای را خواند؟ سوره‌ی مریم. این مخاطب‌شناسی است. برای نجاشی که نمی‌آیند بخوانند «الزانی و الزانیة فاجلدوهما» نمی‌آیند بخوانند که «السارق و السارقة فاقطعوا...» نه. گفت «ذکر رحمت ربك عبده زكريا» اصلاً آشک از چشم‌ها جاری شد. عجب قشنگ است، قرآن چه زیبا عیسی بن مریم را توصیف کرده است. این مخاطب‌شناسی است، فهمید چه چیزی را کجا بخواند.

ندارد. شما توی قرآن هر چه در این مورد می‌خوانید اینهاست: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ...»، «يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ».

ایشان وقتی می‌خواهد بچه‌اش را نصیحت کند می‌گوید: «يَا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ...» آقا شما توی دانشگاه برای بچه‌ها خمس رامی‌گویی؟ این‌ها گورشان کجا بود که کفنشان باشد.

مثال دوم:

توی روایات داریم به زن‌ها سوره‌ی نور را یاد بدهید: «علموهن سوره نور»، چرا؟ چون عفاف توی آن هست، حجاب توی آن هست، غیرت توی آن هست و نیز حساسیت روی مسئله‌ی روابط جنسی.

در واقع سوره‌ی نور، سوره‌ی عفاف، سوره‌ی حجاب و سوره‌ی زندگی باعفت است.

مثال سوم:

روایت داریم: «لاتحدثوا الجهال بالحکمه»؛ توی مجلس جهال حکمت نگویند.

آقای فرحزاد تعریف می‌کرد: «یک کسی رفته بود راجع به بدها در یک

مبلغ چه گفته است؟ مطالب چه بوده‌اند؟

مورد دیگر از راه‌های شناخت، نیاز مخاطب مناسبت و مکان و زمان است. یک سال کنار قبر حجر بن عدی بودیم، یک کاروانی آمده بود، من دیدم روحانی کاروان دارد احکام شکایات می‌گوید. گفتیم: «بابا این‌ها آمده‌اند قبر حجر، می‌خواهند ببینند حجر کیه؟» مگر می‌شود من شب شهادت امام عسگری اصلاً هیچ اشاره‌ای نکنم و رد بشوم؟ می‌شود مثلاً من مناسبت نیمه‌ی شعبان از امام زمان نگویم؟

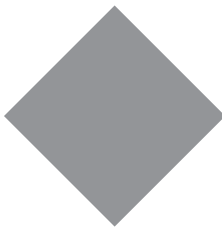
یکی دیگر از راه‌های نیازسنجی مخاطب این است که آدم با دو سه تا مخاطب ارتباط برقرار کند. یک کاغذ بدهند دست مردم که: «آقا چه بحثی بکنیم؟ چه نیازی هست؟ چه نکاتی وجود دارد؟»

■ راه‌های شناسایی نیاز مخاطب

(مثال‌های مخاطب‌شناسی در قرآن و روایات)

مثال اول:

لقمان می‌خواهد پسرش را نصیحت کند، پسرش که مال ندارد، ثروت



نگران انتخاب موضوع باش!

کفتاری از: حجت الاسلام والمسلمین سید حسین حسینی قمی

۳۶

نشریه محراب
شماره ۳

■ پیدا کردن نیاز مخاطب

ما گاهی خیلی منبرهای خوبی می‌رویم، ولی مخاطب ما به این منبر نیازی ندارد. مثلاً می‌رویم در یک منطقه یا شهری که گرفتاری مردم رباخواری است، ولی ما ناآگاهانه راجع به شراب‌خواری صحبت می‌کنیم.

پس در این صورت، ما به عنوان یک فرد که چشم‌عده‌ای به دهان اوست، نیاز مخاطب را چگونه پیدا کنیم؟

از خود مخاطب؛ مثلاً اعلام کنید هر کسی هر موضوعی به نظرش می‌رسد، پیشنهاد بدهد. من گاهی حتی جایزه می‌گذارم. یک جایی که

می‌روم سخنرانی (برای ده شب، دو هفته یا یک ماه)، می‌گویم هر کسی زیباترین موضوع و یا بهترین نیازهای مردم را به ما منتقل کند که من در موردش صحبت کنم، به او جایزه می‌دهیم.

من حتی الان هم این کار را می‌کنم، حتی اگر برای سه شب یک جا بروم برای سخنرانی، می‌گویم یک تابلو بزنند و یک شماره‌ی همراه هم اعلام کنند و یا اگر می‌شود سامانه‌های گسترده‌ی پیام‌رسانی قرار دهند. اعلام می‌کنیم: «ببیندگان عزیز، شرکت کنندگان عزیز، مردم عزیز، هر کسی راجع به سخنرانی

ما سؤالی، پیشنهادی و یا انتقادی دارد به این شماره پیامک بکند.» اگر ارتباط با مردم را زیاد کردیم، نیاز مردم را پیدا کردیم، حتماً در سخنرانی مان و تأثیرش بر مخاطب مان بیشتر موفق می‌شویم. رمز موفقیت یک منبر خوب ارتباط خیلی صمیمی با مخاطب است.

■ انتخاب موضوع منبر

بعضی‌ها نمی‌دانند موضوع منبر را چگونه انتخاب کنند، و همیشه نگران انتخاب موضوع هستند. در آغاز راه این نگرانی‌ها طبیعی‌ست، اوائل از منبری‌هایی که نوع و لحن صحبت‌هایشان را



یک جور نقل کرده، یک آقای دیگر یک جور دیگر نقل کرده است. برای حل این مشکل ما طرائف داریم. ما کتاب‌هایی داریم به نام «طرائف» و «حدیث‌های نو». هم جذاب‌تر است و هم حتماً مؤثرتر است. گفت: «نو آَر، که نوراً حلاوتی دگر است.»

■ بیان مطالب نو در منبر

از بیان کردن مطالب تکراری در سخنرانی‌ها باید اجتناب کنیم. برخورد داشته‌ام که؛ متأسفانه آقای رفته منبر، داستانی را می‌گوید که مستمع او قبل از اینکه این آقای داستان را ادامه بدهد، برای بغل دستی‌اش ادامه‌ی داستان را تعریف می‌کند.

حتی گاهی اختلاف نسخه‌اش را هم می‌گوید. مثلاً این منبری

می‌پسندید، موضوع را انتخاب کنید. حتی اگر لازم شد بروید اول سبک را پیدا کنید. شما سبک چه کسی را می‌پسندید؟ آقای انصاریان، آقای رفیعی، آقای عالی، آقای نقویان یا آقای پناهیان؟ چه کسی را می‌پسندید؟ اینکه اول کار از سبک آنها پیروی کنید اشکالی ندارد. اوائل سبک را از آن‌ها بگیرید و تا وقتی که راه افتادید ادامه بدهید.

این کار را برای همیشه ادامه ندهید، ولی اوائل ببینند شخص مورد نظر تان از چه موضوعی صحبت کرده است، بعد کم‌کم راه خودتان را پیدا می‌کنید.

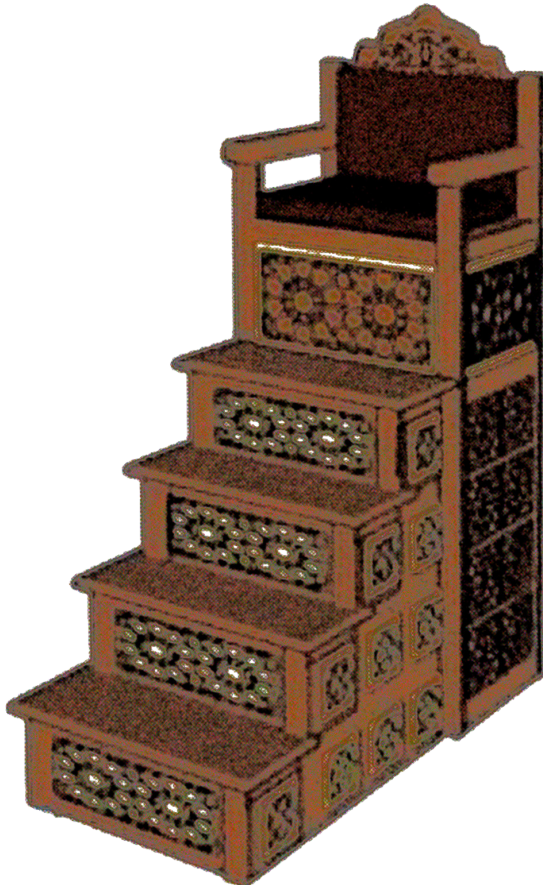


منبر کمتر، مطلب عمیق تر

مروری بر بیانات مقام معظم رهبری در باب مخاطب‌شناسی و موضوع‌شناسی

■ ویژگی‌های مجالس حسینی

اولین ویژگی باید این باشد که چنین مجالسی، محبت به اهل بیت علیهم‌السلام را زیاد کنند. چون رابطه عاطفی، یک رابطه بسیار ذی‌قیمت است. شما، روحانیون، باید کاری کنید که محبت شرکت‌کنندگان در مجالس مذکور، روز به روز نسبت به حسین بن علی علیه‌السلام، خاندان پیغمبر و مناشیء معرفت الهی، بیشتر شود. اگر شما خدای ناکرده، در مجالس مذکور وضعی را به وجود آورید که مستمع یا فرد بیرون از آن فضا، از لحاظ عاطفی به اهل بیت علیهم‌السلام نزدیک نشد، بلکه



در خم‌های باصفای - در روضه‌های خابلی

۳۹

نشریه محراب
شماره ۲

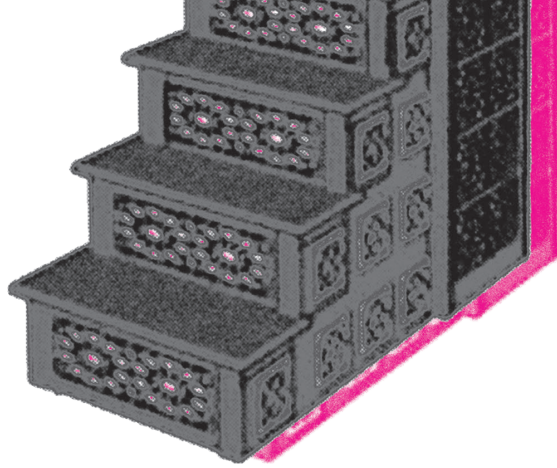
حادثه عاشورا معرفتی در افراد
به وجود آید ...

سومین ویژگی لازم در این مجالس، افزایش ایمان و معرفت دینی در مردم است. در چنین مجالسی باید از دین، نکاتی عنوان شود که موجب ایمان و معرفت بیشتر در مستمع و مخاطب گردد. یعنی سخنرانان و منبری‌ها، یک موعظه درست، یک حدیث صحیح، بخشی از تاریخ آموزنده درست، تفسیر آیه‌ای از قرآن یا مطلبی از یک عالم و دانشمند بزرگ اسلامی را در بیانات خود بگنجانند و به سمع شرکت‌کنندگان در این مجالس برسانند. این طور نباشد

مجلس حسین بن علی علیه‌السلام، به منبر برویم یا سخنرانی کنیم، اما موضوع سخنرانی، حَضار آن مجلس، اعم از جوان و غیر جوان و زن و مرد اهل فکر و تأمل را - که امروز در جامعه ما بسیارند و این از برکات انقلاب است - به این فکر فرو برد که «ما به این مجلس آمدیم و گریه‌ای هم کردیم؛ اما برای چه؟ قضیه چه بود؟ چرا باید برای امام حسین علیه‌السلام گریه کرد؟ اصلاً چرا امام حسین علیه‌السلام به کربلا آمد و عاشورا را به وجود آورد؟» بنابراین، به عنوان منبری یا سخنران، باید به موضوعاتی بپردازید که جواب‌گویی چنین سؤالاتی باشد. باید نسبت به اصل

احساس دوری و بی‌زاری کرد، نه فقط چنین مجالسی فاقد یکی از بزرگ‌ترین فواید خود شده، بلکه به یک معنا، مَضَر هم بوده است. حال شما که مؤسس یا گوینده چنین مجالسی هستید، ببینید چه کاری می‌توانید بکنید که عواطف مردم، بر اثر حضور در این مجالس، نسبت به حسین بن علی علیه‌السلام و اهل بیت پیغمبر علیهم‌الفضل صلوات‌الله روز به روز بیشتر شود.

دومین ویژگی‌ای که باید در این مجالس به وجود آید، این است که مردم نسبت به اصل حادثه عاشورا، معرفت روشن‌تر و واضح‌تری پیدا کنند. این طور نباشد که مادر



واقعۀ خوانی، تا حدّ ممکن، باید متقن باشد. مثلاً در حدود «لهوف» ابن طاووس و «ارشاد» مفید و امثال اینها - نه چیزهای من در آوردی - واقعۀ خوانی و روضه خوانی شود. در خلال روضه خوانی، سخنرانی، مدّاحی، شعرهای مصیبت، خواندن نوحه سینه‌زنی و در خلال سخنرانی‌های آموزنده، ماجرا و هدف امام حسین علیه‌الصّلاه و السّلام. یعنی همان هدفی که در کلمات خود آن بزرگوار هست که: «وانی لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا ظالماً و لا مفسدأ، و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی» (۱)، بیان شود. این، یک سرفصل است. عباراتی از قبیل «ایها الناس، انّ رسول الله، صلی الله علیه و آله و سلّم، قال: من رأی سلطاناً جائراً، مستحلاً لحرم الله، ناکثاً لعهد الله... فلم یغیّر علیه بفعل و لا قول، کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله» (۲) و «من کان بادیلاً فینا مهمجته و موطناً علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا» (۳)، هر کدام یک درس و سرفصلند. این‌ها باید بیان شود. این‌ها هدف‌های امام حسین است. اینها خلاصه‌گیری‌ها و جمع‌بندی‌های نهضت حسینی است.

شود. بهترین گفته‌ها و آخرین گفته‌های جدید درباره مسائل اسلامی، باید دانسته شود. البته ممکن است چهار منبر کمتر برویم؛ اشکال ندارد. انسانی که خوب بخواهد بگوید، ناچار است کمتر بگوید: «لاف از سخن چو در توان زد - آن خشت بود که پر توان زد.» اگر دُرّش را بخواهیم پیدا کنیم، البته باید زحمت بکشیم؛ چاره‌ای نیست. آن کس که فرضاً در دانشگاه‌ها مشغول تبلیغ و کار مخصوص روحانی است یا در ارتش و یا در سپاه مشغول تلاش روحانی است، باید نیاز فکری آن مجموعه و مخاطبین خودش را هوشمندانه و زیرکانه بشناسد. باید ببیند مخاطب او چه عقده و ابهام و سوّالی در ذهن دارد؛ ولو به زبان نیاورد. باید عالمانه آن مشکل را حل کند. اگر میتواند، خودش حل کند و اگر نمی‌تواند پیش عالم‌تر از خودش برود و مشکل را حل کند. این گونه است که سطح علم بالا می‌رود.

■ **واقعۀ خوانی، نه چیزهای من در آوردی**

که وقتی بالای منبر می‌رویم، یک مقدار لفاظی کنیم و حرف بزنیم و اگر احیاناً مطلبی هم ذکر می‌کنیم، مطلب سستی باشد که نه فقط ایمان‌ها را زیاد نمی‌کند، بلکه به تضعیف ایمان مستمعین می‌پردازد.

■ **برنامه‌ریزی برای نیازشناسی**

ما این را همیشه سفارش می‌کنیم به مبلغین، به طلاب، به فضلا که نیازسنجی کنید و بر طبق نیاز مخاطب و استفهام مخاطب، حرف بزنید؛ اما این کار یک فرد نیست. افراد ممکن است در این شناخت و ارزیابی هم بعضاً اشتباه بکنند. این، کار یک جمع متمرکز و یک برنامه‌ریزی است، که ان‌شاءالله باید انجام بگیرد.

■ **عالمانه مشکلات را حل کنیم**

گفته‌ها و گفتارها باید عالمانه باشد. از سخن سست باید پرهیز شود. از منبر بی‌مطالعۀ باید اجتناب

روزآمد، منطبق بر قرآن، منطبق بر عاشورا

موضوع‌شناسی منابع محرم از منظر تاریخی

حجت‌الاسلام دکتر جواد سلیمانی امیری،
عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

۴۱

نشریه محراب
شماره ۲

امام حسین علیه السلام باشد و از نهضت امام حسین علیه السلام مثال متناظر داشته باشد.

بررسی نمونه موضوعات قابل طرح:

۱- موضوع جاهلیت مدرن: یکی از مشکلات اصلی که جامعه ایرانی و اسلامی ما را درگیر خود کرده فرهنگ غرب و نظام مدرنیته است. نظام مدرنیته دین ساختگی بشری را جایگزین ادیان آسمانی کرده و انسان مداری را به جای خدا محوری در جامعه مطرح کرده است

هم زمان داشته باشد.

ویژگی اول:

این است که مبتنی بر معارف قرآن و سنت باشد یعنی مبتنی بر آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام باشد.

ویژگی دوم:

این است که باید روز آمد باشد و گره‌ای از مسائل روز را باز بکند و ناظر به مسائل و مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ما باشد.

ویژگی سوم:

این است که باید منطبق بر نهضت

حماسه عاشورا تاثیر گذارترین و در عین حال ماندگارترین برهه از تاریخ است. حماسه عاشورا را از ابعاد مختلف می‌توان مورد تحلیل و بررسی قرار داد. آنچه در ادامه خواهید خواند، بررسی موضوعات قابل پرداخت برای مخاطبین ائمه جماعات، ناظر بر واقعه عاشورا و از منظر تاریخی به همراه معرفی کتاب جهت مطالعه بیشتر است.

■ ویژگی‌های موضوع

موضوعاتی که در محرم مطرح می‌شود باید سه تا ویژگی به صورت



شاهد مثال ۴:

أَنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى
الْأَنْفُسُ: قانون گذاری براساس
هواهای نفسانی

شاخصه‌های جامعه جاهلی چیست؟

شاهد مثال ۱:

«وَلَا تَبْرَحْنَ تَبْرُحَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»
(احزاب/۲۲)

شاهد مثال ۲:

«يُظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ
الْجَاهِلِيَّةِ» (آل عمران/۱۵۴)

شاهد مثال ۳:

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ
الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ (فتح/۲۶)

حمیت جاهلیت یعنی تعصب‌های ناروا و غیر معقول مثل همیتی که امروز در ناسیونالیست عرب هست، یا حمیت و تعصبات عدیده‌ای که در کشور ما هست، تعصبات قومی و قبیله‌ای، تعصبات بالا شهری و پایین شهری و ...

و به جنگ احکام الهی رفته است. در زمانه ما، سید قطب در کتاب خود، اسم آن را گذاشت جاهلیت مدرن، جاهلیت قرن بیستم که مقام معظم رهبری این کتاب را ترجمه کرده‌اند. سردمدار جاهلیت دنیای مدرن، غرب و در رأس آن آمریکا است.



در زیارت اربعین وقتی که صفوان بن مهران جمال رفت از امام صادق علیه السلام خواست که می‌خواهد برود زیارت اربعین چه بخواند، آن‌جا امام صادق علیه السلام فرمودند در زیارت این طور بگو «بَدَّلْ مَهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَهُ الضَّلَالَةَ» حسین بن علی، خون داخل قلبش را داد تا انسان‌ها را از جاهلیت نجات بدهد، از حیرت و گمراهی نجات بدهد.

امام حسین علیه السلام و مبارزه با جاهلیت:

نوع مبارزه امام حسین در ظاهر یک فرهنگی نبود یعنی کلاس درس برگزار نکرد، امام حسین علیه السلام از بیعت با یزید سر باز زد و قیام کرد. این نوع قیام در دالانی از مظلومیت و عقلانیت و حماسه رخ داد. لذا امام حسین علیه السلام هم چنین که در وصیت‌نامه‌اش دارد که می‌فرماید: «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا، وَلَا مُفْسِدًا، وَلَا ظَالِمًا، وَإِنَّمَا خَرَجْتُ أَطْلُبُ الْإِصْلَاحَ فِي أُمَّةٍ جَدَى» قصد اصلاح دارد. اما اصلاح دو راه داشت؛ یک: پیروزی نظامی و تشکیل حکومت. دو: غلبه



جدید می‌شود توسط نشر معارف، کسانی که نشر معارف که مال نهاد رهبری هست روی سایت آن بروند می‌توانند آدرس این کتاب را بگیرند و با مطالعه این کتاب می‌توانند قشنگ به جوانب این بحث واقف بشوند. کتاب دیگر به نام تاریخ تحلیلی اسلام که توی آن کتاب هم مقدمه‌اش شاخصه‌های جامعه جاهلی آمده بعد دلایل بازگشت آن آمده و در قسمت آخر هم مواضع تک تک اهل بیت در مقابل این جاهلیت نویی که زمانش برگشت این جا آمده که مفصل تر است. کتاب دیگر راز بازگشت جاهلیت در عصر عاشورا است که نشر معارف چاپ کرده است.

۲- موضوع جریان شناسی فکری سیاسی حاکم بر عصر عاشورا

جریان‌های فکری سیاسی عصر امام حسین علیه السلام که برخی از این‌ها با امام حسین همراه بودند، برخی با او تقابل و کمک کردند به

انقلاب اسلامی آمده با بازآفرینی اسلام ناب با ادبیات و گفتمان امام خمینی و با ساختار دولتی به نظام ولایت فقیه و با همان فرهنگ جهاد و شهادت روبروی این جاهلیت بایستد.

معرفی کتاب:

برای این موضوع می‌توانید به کتاب امام حسین علیه السلام و جاهلیت نو، این کتاب چند بار چاپ شده الان هم دارد چاپ

خون بر شمشیر. این دومی اتفاق افتاد. هم چنان که در زمان رسول خدا با جاهلیت اولی، رسول خدا با شکل خاص مبارزه کرد در زمان امام حسین علیه السلام امام حسین علیه السلام شیوه‌اش را عوض کرد، شیوه‌اش را کرد فتح خون یعنی مبارزه در قالب جهاد و شهادت. با فرهنگ جهاد و شهادت آمد در برابر این جاهلیت دوم ایستاد. در زمان انقلاب اسلامی شیوه‌های مبارزه سردمداران جاهلیت قرن بیست و یکم پیچیده‌تر شده. این جاست که



سپاه عمر سعد، معرفی افکار این‌ها و رفتارهای این‌ها می‌تواند یک شاقولی باشد، یک میزانی باشد برای سنجش اعتبار صدق و کذب این جریان‌هایی که در زمان ما هستند توی جامعه ما



جریانهای فعال عصر امام حسین علیه السلام:

الف - جریان رهروان بابصیرت: مصداقش شهدای کربلا هستند، و امروزه شهدای جنگ تحمیلی و مدافعین حرم هستند. این‌ها هم شناخت صحیحی از ولایت دارند، هم شناخت صحیحی از دشمنان ولایت دارند، هم اهل استقامت هستند. در آیات قرآن داریم «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/۲۹) و آیاتی از این

دست، در روایت هم امام علی علیه السلام در اواخر حکومتش فرمود: «إِنَّ عَمَّارًا وَ إِيْنَ ابْنَ التَّيْهَانِ وَ إِيْنَ دُو الشَّهَادَتَيْنِ» کجایند آن‌هایی که قرآن را تلاوت می‌کردند، به آن عمل می‌کردند و اهتمام می‌ورزیدند به انجام واجبات الهی و بپا داشتن احکام الله در جامعه و احیای سنت‌های الهی و در برابر امام‌شان مخالفت نمی‌کردند و حرف امام‌شان را گوش می‌کردند که این‌ها این جریان رهروان با بصیرت هستند.

ب - جریان زر سالار برانداز:

در عصر امویان همان فرماندهان جبهه عمر سعد هستند که در رأسش یزید است و عبیدالله است و شمر است و عمر سعد و این‌ها و آن جبهه‌ای که با این‌ها همراهی کردند و آمدند در میدان نبرد.

انحصار طلب هستند، زیاده‌خواه هستند، بر نام‌ریز هستند، اهل پیگیری هستند توی مسائل و همیشه نقشه می‌چینند بر علیه حکومت اسلامی. در مورد جریان زر سالار برانداز آیاتی در قرآن مجید وجود دارد مانند آیاتی که در سوره بقره در مورد کفار هست، یکی از مصادیق بارز آن بنی‌امیه هستند. و رسول خدا هم در روایتی فرموده که «إِذَا بَلَغَ بَنُو أَبِي الْعَاصِ ثَلَاثِينَ رَجُلًا اتَّخَذُوا دِينَ اللَّهِ دَعْلًا وَ عِبَادَ اللَّهِ خَوْلًا وَ مَالَ اللَّهِ دَوْلًا» در نهج البلاغه می‌فرماید «سَيَرُوا إِلَى بَقِيَّةِ الْأَحْزَابِ قَتْلَهُ» بروید به جنگ کسانی که باقیمانده جنگ احزاب هستند همین‌ها را می‌گوید.

ج - جریان اعتدال:

در حالی که اعتدال در اسلام به معنای حرکت بین افراط و تفریط

است ما در تعریف خود جریان اعتدال را در حقیقت اعتدال نمی دانیم و اعتدال واقعی نمی دانیم. آنها کسانی هستند که کناره گیری می کنند و می گویند ما نه با امام حسین علیه السلام هستیم نه با عمر سعد و به امام حسین علیه السلام یک نوع خیر خواهی می کنند می گویند شما نرو کشته می شوی. شاخصه های این جریان این است که سعی می کند با احتیاط دینی و محافظه کاری خودش را حفظ کند و موقعیت و رفاه خودش را حفظ کند و یک دینداری آسانی را به جامعه ارائه می دهد. و به نوعی القاء می کند که کار سید الشهداء علیه السلام یک کار کم ثمری است و اساساً زمانه ما زمانه ای است که باید یک کاری بکنیم که جنگ نشود، جنگ با اهل فتنه و این جور چیزها دیگه زمانه اش گذشته، باید با تعامل و بده و بستان و کوتاه آمدن ها و این ها مشکلات را با دشمن و استکبار حل کرد. اما در خصوص جریان اعتدال

روایتی داریم از سلمان فارسی، از رسول خدا صلی الله علیه و سلم نقل می کند که رسول خدا فرمودند که بعد از من، امت من سه فرقه می شوند یک فرقه بر حق هستند، مَثَل من و اهل بیت من را دوست دارند، مثلشان مثل طلاست که هر چه در داخل کوره این را داغ کنی بر خلوصش اضافه می شود و یک قسم دیگر بر باطل هستند، آن ها من و اهل بیت ام را دشمن می دارند، مثل شان مثل آهن سیاه است که هر چه حرارت بدهی بر سیاهی اش اضافه می شود و جریان سوم جریان اعتدال است. چون توی این روایت دارد این ها متزلزل هستند، بعد آن جا حضرت می فرماید مَثَل این ها مثل سامری است در زمان بنی اسرائیل که آمد گفت نه خدای موسی، نه فرعون، بیایید این گوساله را بپرستید. این ها برای جامعه بشری هر روز یک گوساله ای را توی صحنه می آورند. این جابود که رسول خدا فرمود رهبر این فرقه عبدالله بن قیس اشعری است، یعنی ابوموسی

اشعری است که این ها بین حق و باطل یک خط سوومی را ترسیم می کنند. در قرآن آیاتی داریم که دعوت می کند به عدل و از اعتدال واقعی میگوید، عدل در مسائل فرهنگی به چه معناست، مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی به چه معناست.

د- جریان خواص تجدیدنظر طلب:

قبل از عاشورا بعد از رحلت رسول خدا یک عده ای از خواص اهل تجدید نظر شدند گفتند:

۱. اسلام حق است ولی در برخی اموری را که رسول خدا به نام اسلام به ما معرفی کرد باید تجدید نظر بشود.

۲. قبول داریم امام علی و اولادش باتقواتر، عالم تر، سابقه شان در میان اصحاب بیشتر است اما قبول نداریم رأی ایشان مثل رأی رسول خدا و یک رهبر آسمانی حجت و نظرشان مقدس است. قداست زدایی از ولایت و راه انداختن مردم سالاری صرف و اینکه هر کسی که اصحاب باو بیعت کردند همان رأی اکثریت

را آورد او خلیفه می‌شود. این همان خمیرمایه مردم‌سالاری هست که در این دوران نظام دموکراسی غرب آن را ترویج می‌کند ولی ما قائل به مردم‌سالاری دینی هستیم که مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری در دایره دین و ولایت خدا و ولی الهی است که در عصر حضور؛ پیامبران و امامان و در عصر غیبت ولی فقیه است.

در خصوص خواص تجدید نظرطلب، در قرآن مجید آیاتی داریم که در مورد مسلمانان ضعیف الایمان است، در سوره منافقون و سوره بقره به آیاتی درباره این جریان اشاره شده است.

امروز زمان ما خواص تجدید نظرطلبی هستند که می‌گویند امام شعار مرگ بر آمریکا را می‌خواست بردارد، چه کسی گفته هرچه ولی فقیه می‌گوید باید بگوییم چشم؟ کی گفته رأی ولایت فقیه قداست دارد؟ اصلاً ولایت فقیه را باید برداریم و...

پیشنهاد کتاب:

در این زمینه می‌توان به کتاب جریان‌شناسی فکری سیاسی صدر اسلام مراجعه کرد. در آن کتاب جریانات فکری سیاسی صدر اسلام و سران آنها شاخصه‌های فکری

و رفتاری‌شان بیان و جمع‌بندی شده است.



۳- موضوع فلسفه تاریخ و سنت‌های الهی در عاشورا.

اساساً تحولات تاریخی و اجتماعی براساس سنت‌های الهی پیش می‌رود. از جمله آیه شریفه هست که می‌فرماید «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (غافر/۴۳)

این سنت‌های الهی که بر تاریخ حاکم است تغییری نمی‌کند و بر آن امتی که باید نازل می‌شود و جای آن را عوض نمی‌کند.

مخاطبان سنت:

۱. سنت‌ها مربوط به اهل حق هستند،
۲. سنت‌های مربوط به اهل باطل
۳. سنت‌های مربوط به هر دو دسته

انواع سنت‌ها:

- ۱- یاری خداوند برای استقامت و رزان،
- ۲- سنت استدراج
- ۳- سنت آزمایش

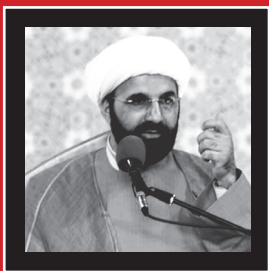
پیشنهاد کتاب:

کتاب فلسفه تاریخ نشر المصطفی. آیت‌الله علامه مصباح یزدی رضوان الله علیه هم یک کتابی دارد تحت عنوان جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن.



بسترهای تربیتی به خودی خود نمی توانند موجب تربیت شوند. از کلیدهای تربیت مکان، زمان، تربیت کننده، نقشه راه، شناخت ظرفیت های موثر در فرایند تربیت و نگاه تشکیلی و سیستمی در جهت استفاده از همه این ظرفیت ها است. پرونده پیش رو نگاهی به مدیریت امام جماعت در مسجد، با توجه به ایام محرم و صفر و مروری بر نگاه تشکیلی می باشد.

امام مسجد



تشکل باید متعلق به
مسجد باشد



تعطیل نبودن عزاداری
امام حسین علیه السلام



کرونا، فرصتی برای
حضور مسجد در محله

کرونا، فرصتی برای حضور مسجد در محله

حجت الاسلام مهدی منصوری / امام جماعت محله بلوار ابودر

■ ضرورت های برگزاری مراسم محرم

در ایام بیماری کرونا زمان مراسم محرم بسیار کوتاه تر شده است. قبلاً در مساجد با در نظر گرفتن سخنرانی و مداحی و روضه خوانی و سینه زنی و حتی پذیرایی و پخش غذا، مراسم دو ساعت، حتی بیشتر طول می کشید، اما در این ایام چون مساجد کوچکند، این امکان را ندارند که در فضای بسته با فاصله گذاری بهداشتی مراسم را برگزار کنند و چون اغلب مساجد امکان تهویه ی هوای مناسب را ندارند، زمان برگزاری مراسم نهایتاً یک ساعت یا یک ساعت و ربع شده است. به همین جهت سخنران باید تبحر و توانایی ارائه ی مطلب را با لطایف و ظرایفی که خودش بلد است، داشته باشد و بتواند جان مطلب را مثلاً در پانزده دقیقه، بیست دقیقه با روضه خوانی جمع بندی کند و حرفش را در

سخنرانی سلسله ای ده جلسه ای محرم بزنند. بنا به دلایلی که قبل تر ذکر شد، همین نکته در مورد مداحی و سینه زنی و شور آفرینی و ایجاد آن فضای هیئت گونه و سینه زنی نیز وجود دارد. در نتیجه مسئولین بهتر است بیشتر به روضه خوانی توجه کنند. با توجه به تجربه ی سال گذشته باید برنامه ی عزاداری مسجد طوری اجرا شود، تا برای افرادی که از پنجره و بالکن خانه هایشان نگاه می کنند هم قابل استفاده باشد. یعنی تنظیم صوت طوری باشد که اولاً آزار دهنده نباشد، ثانیاً برای آن کسی که مثلاً توی طبقه چهارم و پنجم منزلش است و در بالکن خانه اش می خواهد استفاده کند، قابل استفاده باشد.

■ فرصت هایی که کرونا برای مسجد و امام جماعت به وجود آورد

از وقتی که بیماری کرونا همه گیر شد سبک زندگی ها عوض شد؛ ماسک زدیم، فاصله گذاری کردیم، با هم دست نمی دهیم، دیدوباز دیده ها محدود شد، حضور در فضاهای بسته کمتر شد، حضور در مساجد کمتر شد و در نتیجه یک سری از برنامه های جمعی مساجد مثل عزاداری ها، مولودی ها که احتیاج به ارتباط چهره به چهره دارند تحت الشعاع قرار گرفتند. این اتفاق موجب شد مسجدی که محور محله است و باید برای همه ی مردم برنامه داشته باشد برای برگزاری مراسم خود مجبور شود که برود بیرون و در فضای باز مراسم اجرا کند. به نظرم مهم ترین فرصتی که به وجود آمد این بود که مسجد محله پس از سالها توانست برنامه های خودش را برای همه ی مردم محله برگزار کند. طبق تجربه، کرونا برخی مواقع



مجازی، کانال‌ها و گروه‌های مجازی و شبکه‌ها و برنامه‌های لایو در اختیار پیام‌رسانی مساجد قرار گرفتند. این اهمیت و لزوم آن برای ارائه‌ی برنامه‌ها توی آن فضا هم خیلی خیلی مشهود بود، در واقع فضای مجازی فرصتی به وجود آورد که ما بتوانیم از این فضا استفاده کنیم برای تبلیغ مسجد، توی ابعاد مختلف، مانند جمع کردن نذورات و مشارکت بیشتر مردم در خدمات مسجد.

■ امام‌جماعت و مدیریت بهداشت و سلامت

اول

باید خود امام‌جماعت فائل باشد به رعایت دستورالعمل‌ها، در نتیجه خودبه‌خود زیرمجموعه هم این مسائل را رعایت می‌کنند. امام‌جماعت بعد از رعایت شخصی، باید دستورالعمل‌ها را هر چند وقت یک بار در سخنرانی‌هایش تذکر بدهد.

دوم

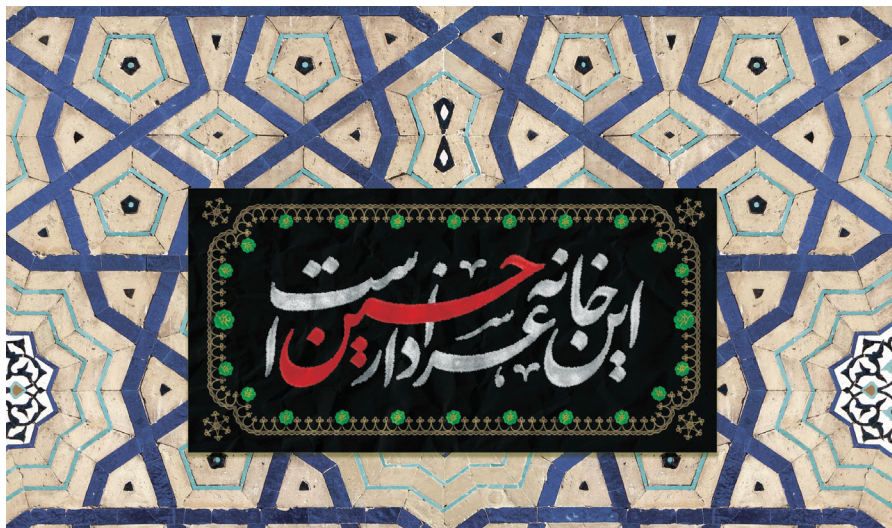
باید امنا و ارکان مسجد شکل

هم می‌گرفت، بجه‌اش هم بود، همسرش هم بود؛ اینگونه همه‌شان در مراسم شرکت می‌کردند. کمترین نکته‌ی این نوع ارتباط هم این است که این خانواده‌ها می‌دانند مسجد یک چنین برنامه‌هایی دارد، سخنران کیست، روضه‌خوان مسجد کیست و یا با امام‌جماعت آشنا می‌شوند. اگر مثلاً ماه‌های بعد هم یک کاری داشته باشند رویشان می‌شود بیایند یک ارتباطی با مسجد و روحانی مسجد برقرار کنند. قبلاً در مساجد محله اگر صوت اذان پخش می‌شد بعضی‌ها معترض می‌شدند، ولی وقتی به خاطر کرونا مراسم خارج از مسجد و در فضای باز برگزار شد، همین خانواده‌های معترض هم از مسجد حمایت می‌کردند و یا بعضی جاهایی که لازم باشد می‌گویند مسجد ما برنامه دارد و اهمیت می‌دهند.

فرصت دیگری که بیماری کرونا در اختیار مساجد گذاشت، استفاده‌ی بهینه از فضای مجازی بود؛ فضای

برایمان تبدیل به یک فرصت شد. در این مدت به خاطر شرایط شیوع بیماری، بعضی از مساجد در اوج کرونا نماز-جماعت را در حیاط مسجد و حتی در پارک کنار مسجد برگزار کردند. برگزاری مراسم در فضاهای باز مثل پارک و خیابان و کوچه باعث شد مسجد و نماز خواندن در بین مردم حضور فیزیکی پیدا کنند، اینگونه شد که برخی از افراد محله مانند کسانی که مذهبی هستند، ولی ارتباطشان با مسجد کم است و یا عده‌ای هم که شاید ظاهرشان مذهبی نباشد، ولی به هر حال عاشق امام حسین هستند، ولی مثلاً به دلیل نوع حجاب‌شان وارد مسجد نمی‌شدند، الان با بیرون آمدن مراسم مسجد این قشر هم خود به خود در آن برنامه‌ها شرکت کنند.

در محرم سال قبل در هنگام سخنرانی می‌دیدم؛ حتی خانمی که حجابش هم مثل مسجدی‌ها نیست می‌آمد و روی صدلی می‌نشست و غذای نذری‌اش را



محرم به مسائل شرعی کرونا اشاره می‌کردم که اگر شخصی کرونا داشته باشد و به عمد یا غیر عمد در جمع و مسجد حاضر شود چه حکم شرعی‌ای دارد. مداحمان مستقیم به رعایت دستورالعمل‌ها اشاره می‌کرد، گاهی یکی از امنای یا حالا آن کسی که اعلام برنامه می‌کرد نیز به نکاتی اشاره می‌کرد که این خودش می‌شود یک زمینه‌سازی برای اینکه همه‌ی مردم رعایت کنند.

تجربه‌ای که برای رعایت مسائل بهداشتی در سال قبل داشتیم این بود: آشپزخانه‌ی مسجد با توجه به شرایط کرونا امکان پخت و پز غذای شش‌صد هفت‌صد نفر را نداشت. در نتیجه رفتیم در یک آشپزخانه خارج از مسجد که یک مقدار امکان فاصله‌گذاری و رعایت

با چنین افرادی از لحاظ سنی، جنسیتی، شأن و جایگاه متفاوت است. مثلاً نوع برخورد و تذکر به نوجوان با پیرمرد خیلی متفاوت است. قاعده‌ی کلی این است که در این جور موارد امام جماعت از افراد ریش سفید و بزرگترها کمک بگیرد و خود امام جماعت در سخنرانی‌هایش به صورت غیرمستقیم بستر را آماده کند، و نکاتی بگوید در خصوص رعایت دستورالعمل‌ها، حتی از مداح نیز می‌تواند کمک بگیرد. ورود مستقیم امام جماعت و تذکر دادن او به نظرم شاید در عمده‌ی موارد درست نباشد. مگر در موارد خاصی که واقعاً از امام جماعت تبعیت دارند و طرف می‌گوید هرچه حاج آقا بگوید قبول دارم.

این را تجربه کردم که بنده در منبر

بگیرد و برنامه ریزی دقیقی شود تا امنای و ارکان مسجد در تذکر دادن و در نظارت کردن بر رعایت دستورالعمل‌ها به عنوان بازوهای اجرایی و کمک کننده به امام جماعت نقش پررنگی ایفا کنند.

سوم

باید جلسه‌ی شورای فرهنگی مسجد شکل بگیرد و ارکان اجرایی مسجد مثل بسیج، کانون فرهنگی، بسیج خواهران و اعضای که در شورای فرهنگی هستند، دقیق توجیه بشوند و در جلسات شورای فرهنگی و امنا تقسیم کار بشود.

چهارم

در مورد شخصی که در مسجد کرونا دارد یا مشکوک به کروناست و دستورالعمل‌ها را رعایت نمی‌کند یکی از موارد مهم مدیریت در لحظه است. به تعبیری برخورد

مسائل بهداشتی جهت طبخ غذا در ایام کرونا را داشت، غذا پختیم. نوع توزیع مان هم اینگونه بود که بلافاصله بعد از مراسم ماشین می آمد و مرتب غذا توزیع می شد، بدون شلوغی و ازدحام و با رعایت فاصله گذاری.

برای رعایت بهداشت، تنها ضد عفونی کردن ملاک نیست، جمع دستورات عملها و شرایط بهداشتی باید رعایت بشوند. مثلاً تهیه ماسک برای افرادی که ماسک ندارند، یا احتیاج به تعویض ماسک دارند. تهیه مای محلول ضد عفونی دست یا اسپری کردن برای مردم. قبلاً توی مراسم ختم گلاب کف دست تک تک شرکت کنندگان می ریختند، حالا می شود برای هر کسی محلول ضد عفونی کننده ریخت و دستها را ضد عفونی کرد.

رعایت فاصله گذاری مهم است، ضد عفونی کردن محل برگزاری مراسم با مواد و محلول هایی متناسب با فضای باز و فضای بسته. باید جمیع اینها قبل و بعد از مراسم چک بشود، رصد و بررسی بشود. اگر مثلاً صندلی استفاده می شود، بعد از مراسم حداقل دسته های این صندلی ها ضد عفونی بشوند که برای شب بعد آماده باشند. میکرو فونی که دست سخنران و مداح است با رعایت مسائل فنی ضد عفونی شود.

■ پیشنهادهایی برای امام جماعت مسجد محله محور

ایده هایی که می شود در محله اجرا کرد، برای این که مردم و خانواده ها را توجه بدهیم به عزاداری در ایام کرونا:

راه اندازی ماشین هایی برای پخش روضه:

مسجدی که محور محله است، در اطرافش کوچه ها و خانه هایی وجود دارد. حرکت یک ماشین معمولی در کوچه ها و محله ها با پرچم عزا و یک باند ساده و پخش یک عزاداری ملایم زنده یا ضبط شده در زمان مناسب مثلاً قبل از اذان مغرب که مزاحمتی هم برای مردم نداشته باشد خیلی می تواند اثر گذار باشد.

نصب بنرها و پیامک های تسلیت و حتی اطلاع رسانی برنامه های مسجد در محرم و سیاه پوش کردن محله به وسیله پرچم هایی که زده می شود، می تواند اثر گذار باشد.

اجرای مراسم مسجد در فضای باز عامل متوجه کردن محله به برپایی عزاداریست. نکته ی مهم این است که قاعدتاً یکسری از فروشگاه ها و آپارتمان ها و خانه های اطراف هم درگیر مراسم می شوند و ممکن است مشکلاتی مثل تردد ایجاد شود که در این صورت با توجه مردم محله و محدود کردن زمان

جلسه می توان مراسم را مدیریت کرد. این شیوه را نیز تجربه کردیم.

امام جماعت و هیئت امنای می توانند در روزهای اول هدیه ای محرمی در قالب یک پیام تسلیت یا کتیبه هایی قابل نصب تهیه کرده و جهت نصب در سردر خانه ی همسایه ها و مغازه های اطراف مسجد تقدیم آنها کنند. یکی از عباراتی که می توان روی کتیبه ها نوشت، عبارت «این خانه عزادار حسین است.» است. این همدلی می تواند اثر گذار باشد.

پیشنهاد بعدی ارسال پیامک تسلیت برای همسایگان مسجد است. این کار ساده، اما مؤثر است.

پیشنهاد آخر فعال کردن شبکه ها یا کانال های مجازی مسجد چه داخلی مانند ایستا، سروش و بله و چه خارجی مانند اینستاگرام است. کاربرد استفاده از این شبکه های اطلاع رسانی، پخش مراسم به صورت زنده در صفحه-

ی اینستاگرام، تهیه کلیپ های کوتاه، گزارش های کوتاه، تهیه نظر سنجی از مردم و اعضای کانال و صفحه برای کیفیت بخشی به مراسم یا حتی مثلاً خدا قوت گفتن و تشکر از همسایه ها است. هر شب بعد از مراسم این روش می تواند محله را در ایام کرونا متوجه عزاداری کند

تعطیل پذیر نبودن عزاداری امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین احمد بصیری
امام جماعت مسجد امام حسین (ع)، قلعهک زرگنده

می کنید، چرا این قدر به عاشورا اهمیت می دهید؟» گفت: «ما یک بار تجربه ی تلخی داشتیم؛ اینکه غدیر را فراموش کردیم، آن را خوب بر گزار نکردیم و خوب به میدان نیامدیم. حال از آن تجربه استفاده می کنیم و نمی گذاریم بلای غدیر سر محرم بیاید.»

البته اگر خواسته باشیم یک مقدار بدبینانه هم قضاوت کنیم، می گویند اصلاً این کرونا به وجود آمد، تا مناسبت هایی را که جلوه ای از جلوات اسلام بوده است، به گونه ای تعطیل کند و تحت تأثیر قرار دهد. هم مراسم محرم و هم اربعین و مناسبت هایی به این شکل که برگزاری شان بالاخره جبهه ی استکبار را متزلزل می کند. تعطیلی مراسم عزاداری باعث می شود که آن صلابت و آن جذابیت و آن انگیزه هایی که برای شیعیان داشت کم کم کمرنگ شود.

مراسم برگزار شود، چون تعطیلی مراسم امام حسین در ماه محرم و صفر، عواقب غیر قابل جبرانی برای ما به همراه خواهد داشت. به یکی از علما گفتند: «شما چرا محرم را این قدر باشکوه بر گزار

مراسم عزاداری امام حسین در زندگی ما، جزو مواردی به حساب می آید که تعطیل پذیر نیست، یعنی ما هیچ زمان نباید به تعطیلی آن فکر کنیم و تحت هر شرایطی، با هر سختی و با هر مشکلی باید این



مثلاً زمان رضاخان آن همه سختی برای مراسم عزاداری امام حسین در نظر گرفته شده بود، حتی از طرف حکومت می‌ریختند و مراسم را جمع می‌کردند، ولی مؤمنین با تمام سختی‌های آن دوره نگذاشتند که مراسم امام حسین تعطیل شود. الان هم در شرایط کرونا باید مبنای ما بر این باشد و آن شعار اصلی مان این باشد که محرم و صفر تعطیل نیست و باید با همین شعار کار را پیش ببریم. اینکه ما بخواهیم صورت مسئله را پاک کنیم و بگوییم حال که این وضعیت پیش آمده مراسمی نداشته باشیم، این قطعاً به مصلحت هیچکس نیست.

■ چگونگی برگزاری درست مراسم

حال اینکه مراسم را چگونه باید برگزار کنیم؟ کیفیت آن چگونه باید باشد؟ پاسخ به این پرسش‌ها را باید تدبیر کرد.

سال گذشته هم ما در همین وضعیت بودیم، اگر چه محرم سال گذشته شاهد موج اول و دوم نبودیم، محرم در فاصله‌ی بین موج‌های بیماری بود، اما دیدیم سال گذشته با تدبیری که مؤمنین داشتند مراسم عزاداری امام حسین برگزار شد. جلوه‌های خاصی از مراسم سال گذشته دیدیم و فضاهای جدیدی ایجاد شد. مثلاً مراسم عزاداری امام حسین غالباً

محدود در فضاهای سرپوشیده بود و آن جلوه‌های ظاهری خود را شاید کمتر نشان می‌داد، اما سال گذشته این فضاهای باز جلوه‌ای از خودش نشان داد و همین باعث شد بالاخره بیشتر مراسم عزاداری امام حسین در منظر و دید مردم قرار گیرد، در همان سال گذشته بعضی از روضه‌خوانی‌های خانگی رونق پیدا کرد، البته گذشتگان ما این مراسم روضه‌خوانی خانگی را داشتند، ولی کم‌کم روضه‌خوانی خانگی تعطیل شده بود، اما سال گذشته در محرم و صفر این سنت قدیمی در بین مردم جلوه‌ای دوباره پیدا کرد.

عزاداران باید تدبیر کنند و ما این را هم می‌دانیم که مؤمنین در محافل از همه بیشتر رعایت می‌کنند. خود مسئولین اعلام کردند که تا ۹۴ درصد در این تجمعات مذهبی پروتکل‌های بهداشتی رعایت می‌شوند.

اگر شخصی مشکوک به کرونا بود، برای حفظ شأن او و رعایت پروتکل‌های بهداشتی باید پیشگیری کنیم، یعنی با برخی از اعلانات و نوشته‌ها و با استفاده از ابزار سنجش تب و میزان اکسیژن با احترام از ورود افراد مشکوک به مراسم جلوگیری کنیم.

■ تفاوت برگزاری مراسم‌ها

قبل و بعد از کرونا

بعد از همه‌گیری ویروس کرونا فضای مجالس از مکان‌های سرپوشیده در قالب مساجد به مکان‌های باز تغییر کرده است. ما قبل از شیوع کرونا از مکان‌هایی مثل پارک‌ها و یا حیاط مدارس اطراف مسجد غافل بودیم، اما این بیماری باعث شد از این فضاها استفاده‌ی بهینه‌ای شود.

نکنه‌ی بعد اینکه، سال‌های قبل به فضاسازی‌هایی که لازمه‌ی محرم بود، کمتر توجه می‌کردیم، لذا می‌آمدیم فضای شبستان مسجد یا حسینیه یا آن مکانی را که هیئت در آن برگزار می‌شد سیاه‌پوش می‌کردیم، اما سال گذشته مقداری این جلوه‌ها به فضاهای پیرامونی مسجد و حسینیه منتقل شد و معابر بیشتر سیاه‌پوش شدند، پرچم‌های امام‌حسین نصب شدند و آن جلوه‌های بصری عزاداری امام حسین در سال گذشته بیشتر خودش را در چشم مردم نشان دادند. انتقال عزاداری امام حسین از مکان‌هایی خاص به جاهای مختلف و پراکنده شدن این مراسم، مثل همین روضه‌خوانی خانگی که اشاره شد، سال‌های گذشته رونق بیشتری پیدا کرد. ویژگی دیگر مراسم در زمان کرونا، منتقل شدن اطعام و غذاهای نذری حسینیه از هیئت‌ها و مساجد و حسینیه‌ها

به خانواده‌ها، به ویژه خانواده‌های محروم که از نظر معیشتی دچار مشکل بودند، است. و نکته بعدی هم انتقال مراسم عزاداری امام حسین و روضه خوانی و این‌ها، به جاهایی که کمتر در آن جاها مراسم برگزار می‌شد. مثل ابتکاری که بعضی از مداح‌ها به خرج دادند و در سال گذشته عزاداری‌شان را سیار برگزار کردند.

■ فرصتی که استفاده نشد

بنده شنیده‌ام در کشورهای غیرمسلمان، مثل کشورهای اروپایی و بعضی از کشورهای که دارای ادیان الهی هستند؛ مخصوصاً در این ایام کرونا، مردم برای رفع مشکل‌شان و برای دعا کردن به کلیساها و کنیسه‌ها و مراکز مذهبی خودشان بیشتر مراجعه می‌کنند، به نظر من فرصتی که باید کرونا برای جامعه ایجاد می‌کرد و ما از آن خوب استفاده نکردیم این بود که باید طوری مدیریت می‌کردیم که مردم اقبال‌شان نسبت به مراکز مذهبی مثل مساجد و حسینیه‌ها و امامزاده‌ها بیشتر می‌شد، ولی طوری شد که کرونا را تهدیدی برای مراکز مذهبی خودمان قرار دادیم.

■ فرصت فضای مجازی

فرصت دیگری که کرونا برای ما ایجاد کرد این بود که بالاخره متولیان مساجد متوجه شدند که باید از فضای مجازی بیشتر استفاده کنند. کرونا باعث شد که بدانیم فضای دیگری هم داریم که می‌توانیم بسیاری از مخاطب‌های گوناگون و با نقطه نظرات مختلف را جذب کنیم. کرونا فرصتی شد که عزاداری امام حسین به خانه‌ی کسانی هم برود که آن‌ها شاید کمتر در این مناسبت‌ها، در مراسم شرکت می‌کردند. پراکنده شدن عطر امام حسین در همه‌ی جامعه نکته‌ی مهمی بود.

■ نقش امام جماعت در مدیریت عزاداری‌ها در دوران کرونا

مدیر طبیعی مسجد، امام جماعت است. این تعبیر رهبر معظم است که فرمودند: «مدیر طبیعی مسجد امام جماعت است.» با توجه به اینکه امام جماعت مدیر است، پس مدیر می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد، لذا ائمه‌ی جماعات در هر شرایطی می‌توانند بسیار مؤثر باشند، به ویژه در این شرایط بیماری کرونا، با مدیریت و برنامه‌ریزی‌هایی که باید داشته باشند و با جلساتی که با دست‌اندرکاران عزاداری امام

حسین پیش از ماه محرم می‌توانند داشته باشند، راه‌های مختلف را به نوعی پیش‌بینی کنند، سناریوهای گوناگون را در نظر بگیرند، بهترین آن را انتخاب کنند، همه‌ی این‌ها با مدیریت امام جماعت می‌تواند پیش برود تا بهترین مراسم را برای ماه محرم و صفر شاهد باشیم.

■ ایده‌های مؤثر در دعوت مردم محله برای عزاداری

فضای مجازی در دعوت مردم به عزاداری‌ها می‌تواند بسیار مؤثر باشد. فضا سازی‌ها، سیاه‌پوش کردن و مسائلی از این قبیل خیلی می‌تواند مؤثر باشد. انتقال عزاداری به مکان‌های سرباز مثل پارک‌ها و مساجد و بعضاً در خیابان‌هایی که مناسب برگزاری مراسم است. توزیع غذای نذری برای منازل نیز بسیار مؤثر است. البته رسانه‌ی ملی هم بسیار می‌تواند مؤثر باشد و الحاقاً الانصاف در ماه محرم سال گذشته، ماه رمضان و مناسبت‌های دیگر هم به وظیفه‌ی خود عمل کرد و مردم در خانه‌هایشان به واسطه‌ی صدا و سیما در فضای عزاداری قرار گرفتند.

اول توجیه مردم، سپس برنامه ریزی

حجت الاسلام والمسلمین محمد شریفانی
امام جماعت مسجد جامع الزهراء، شهرک آتیه سازان



۵۵

نشریه محراب
شماره ۲

■ چرا عزاداری تعطیل نمی‌شود

یکی از مصادیق تقوا بزرگ داشت شعائر دینی است: «وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» و عزاداری هم قطعاً یکی از شعائر کلیدی مذهب شیعه است، و وقتی که از نگاه قرآن دو تکه سنگ یا یک شتر در سرزمین منا «وَالْبَدَنَ

جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» یا «إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرُوهَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» از شعار دین باشند. خون مظلومانه‌ی حسین بن علی علیه السلام و عزاداری بر اهل بیت به عنوان شاخص‌ترین و برجسته‌ترین مظهر شعار دینی است.

در زمان امام حسین علیه السلام در مکه سیل آمد و مقام ابراهیم از جا کنده شد و گم شد. به امام حسین علیه السلام گفتند که مقام ابراهیم گم شده

است، حضرت فرمود: «مقام از شعائر دین است و شعائر دین گم‌شدنی نیست، همیشه زنده است.»

امام صادق علیه السلام به فضیل فرمودند که «تجلسون و تحدثون»؛ جلسه برای مامی گیرید، حدیث ما را مطرح می‌کنید و خدا رحمت کند آن کسی را که احیای امر ما کند:

«رحم الله إمرءاً أحيا امرنا».

سوره ی آل عمران چهار تا توصیه را به عنوان عامل فلاح و رستگاری مطرح می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» بحث مرابطه و تثبیت قلوب و اجتماع قبول مردم و بالاخره دل دادن مردم به همدیگر و آثار و برکاتی که دارد، اینهم یکی از مصادیق ربط قلبی است که قرآن روی آن تکیه می کند. باز اینهم مظهر دین است.



بعد معرفتی این مجالس مهم است. مردم با مواظب و بعد الگویی اهل بیت: و جایگاه امام و منزلت امام آشنا می شوند که جا انداختن این موضوع وظیفه‌ی امام جماعت است.

بعد ثواب‌ها و پاداش‌های آخرتی مجالس متعلق به امام حسین (علیه السلام) است. در واقع این مجالس شعبه‌ای از زیارت‌گاه و حرم امام حسین (علیه السلام) است.

■ چگونگی مدیریت عزاداری مسجد در ایام کرونا

مرحله‌ی اول، توجیه فکری مردم:

در درجه‌ی اول توجیه این مسئله است که در هر زمانی و مکانی چه وظیفه‌ای داریم. اصل نماز یک وظیفه‌ی ثابت است، ولی اینکه نماز را در جنگ، در حالت عادی،

در مکان مناسب و نامناسب، در مسجد، در هنگام مریضی، در سفر و ... چگونه بخوانم، به حسب شرایط زمان و مکان و حالات متفاوت است.

در درجه‌ی دوم توجیه این مسئله است که انسان، به ویژه در ایام کرونا نسبت به اطراف و اطرفیان خودش مسئول است. در روایت داریم: در روز قیامت توی کوچه که داری راه می‌روی، اگر نوک انگشت تو بخورد به دیوار مردم یک خطی بکشد، از همین خط هم سؤال می‌کنند.

مسجد می‌رویم حواسمان به سلامتی خودمان، به سلامتی مردم، به سلامتی محیط باشد. حتی یک چایی که می‌خواهیم برداریم، یک بیسکویت که می‌خواهیم بخوریم، حواسمان باشد که کمترین آسیبی به خودمان و دیگران نزنیم: «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ».

هرجا سوژه‌ای به وجود بیاید که در اهمیت مسائل بهداشتی است و موجب آسیب زدن به دیگران یا احتمال خطر داده شود، مردم را توجیه می‌کنیم. مثلاً قرارمان این است که اگر کسی کرونا دارد یا مشکوک به کروناست خیلی محترمانه نامه‌ای به او داده بشود، با این محتوا که: لطفاً با توجه به این شبهه‌ای که در مورد شما وجود دارد به خاطر سلامتی خودتان، رعایت کنید، کار سنجیده و قابل تقدیری است. بیشتر هم اهمیت

مسئله را می‌بریم به طرف خود خودش.

مرحله‌ی دوم، برنامه ریزی:

بعد از توجیه فکری نوبت به برنامه ریزی میرسد. برنامه‌ریزی باید جوری باشد که در آن برای افراد گوناگون مسئولیت تعیین شود. در مسجد خودمان از دم در مسجد آدم گذاشتیم که دو ماسک زده، قاب روی سرش را هم گذاشته، فرم لباسش را خاص طراحی کردیم که برای مردم درس و پیام دارد و بدانند موضوع چقدر بااهمیت است و درس عملی به مردم داده بشود. یک نفر مسئول اسفند است و در چند جای مسجد پشت سرهم اسفند دود می‌کنیم، یک نفر مسئول پخش گلاب است، مرتب گلاب پخش می‌کنند، اول مجلس، وسط مجلس. هم با فضای عزاداری می‌خواند هم کاملاً یک کار بهداشتی ست. انواع ماسک دم در گذاشته شده است، دستمال کاغذی مرتب در جاهای گوناگون مسجد با مواد ضدعفونی کننده گذاشته شده است، اول مسجد، وسط مسجد و آخر مسجد. حتی منبربری وقتی می‌خواهم بروم منبر میکروفن را وقتی می‌خواهم بدهم به مداح ضدعفونی می‌کنم. اگر مثلاً غذایی اطعام داده بشود کاملاً بسته‌بندی است و بعد بهداشتی آن رعایت می‌شود. خرما را می‌گذاریم در

پلاستیک و منگه می‌کنیم. ممکن است پذیرایی از نظر پیمانانه ای کم باشد، ولی بُعد بهداشتی آن را بالا می‌بریم.

■ از دحام جمعیت در ایام کرونا

مسجد ما صحن بزرگی دارد و تمام مراسم در صحن برگزار می‌شود. در حیاط صندلی گذاشته شده و بعد از اینکه نماز جماعت تمام می‌شود، مردم می‌نشینند روی صندلی و تقریباً فاصله‌ی یک متر و نیم رعایت می‌شود. در مسجد ما شائبه‌ی عدم رعایت فاصله به وجود نمی‌آید. بُعد دیگر این است که مراسم ما سه مرحله دارد؛ مرحله‌ی اول نماز جماعت است که در پایان نماز پس از یک صلوات به امام حسین علیه السلام، عده‌ای می‌روند. مرحله‌ی دوم سخنرانی است که خیلی مختصر است، حداکثر مثلاً بیست و پنج دقیقه تا نیم ساعت. پس از سخنرانی یک عده‌ای بلافاصله می‌روند، مرحله‌ی سوم هم مرحله‌ی عزاداری است و مداحی و مرثیه‌سرای، که آنهم نیم ساعت کمتر است، عده‌ای که علاقه‌مند هستند تا پایان مراسم می‌مانند.

شب‌هایی که غذا سرو می‌شود، از دو سه جای مسجد غذا داده می‌شود، دم درهای مختلف و با فاصله مردم می‌آیند و می‌روند. این است که

مراسم آسیب‌انچنانی‌ای ندارد. چند بار هم که مراسم شلوغی داشتیم، چون مسجد درهای مختلفی دارد از دحام کنترل می‌شود، و مراقب هستند که مردم از چند در خارج بشوند.

■ چند نکته‌ی کلیدی برای امام جماعت

۱- امام جماعت بنا نیست همه‌ی امور مسجد را در اختیار بگیرد، بلکه باید به وظیفه‌ی ذاتی خودش عمل کند. اصل، سپردن مسئولیت‌ها به اشخاص است و وظیفه‌ی امام جماعت یک نظارت کلی است. به فرض هم یک جایی اختلاف به وجود بیاید؛ بهتر است تا آنجایی که به مصالح اصلی مسجد ضرر نزند، امام جماعت دخالت نکند و امور را به خود هیئت امانت تفویض کند.

اختلاف بیشتر جایی به وجود می‌آید که امام جماعت می‌خواهد همه‌کاره‌ی مسجد باشد و همه‌ی امور را صفر تا صد در اختیار خودش بگیرد، که خودبه‌خود تعارض به وجود می‌آید. وقتی در حوزه‌ای که به ما ربط ندارد دخالت کنیم یا برخوردمان از بالا به پایین باشد، آن وقت است که از مردم فاصله می‌گیریم.

۲- بها دادن به مسئولین و مردم مسجد بسیار مهم است. مردم را با بها دادن و شخصیت دادن و با اغماض می‌توان مدیریت کرد.

شخصی دلش می‌خواهد مدیریت آشپزخانه دستش باشد، نهایتاً حالا برنج یا شور می‌شود یا بی‌نمک که معمولاً در این مورد جای نگرانی نیست، چرا که آن‌ها باز در آن کارها تخصص‌شان از ما بیشتر است.

۳- کار اصلی امام جماعت تبیین معارف، مباحث اخلاقی، رفتار و منش اخلاقمدار، ارتباطات اجتماعی و مردمی ست؛ مانند اینکه با سلام وارد بشود، بعد از نماز قدری روبه روی مردم بنشیند، حال مردم را بپرسد، به مردم بها دهد، تواضع نسبت مردم داشته باشد، به آن‌ها تلفن بزند، به مناسبت‌های مختلف به آن‌ها تبریک بگوید، در کانال مسجد هر چند وقت یک بار به مناسبت‌های مختلف پیام برای مردم بگذارد، حتی پیام عاطفی که موجب دلگرمی می‌شود بفرستد و ... همین جزئیات که یک مجموعه است، به نظر امام جماعت را می‌تواند موفق کند.

۴- شیرین‌ترین و مؤثرترین و جذاب‌ترین کار دینی، فرهنگی، اجتماعی برای یک طلبه، وظیفه‌ی امام جماعتی است. یکی از بهترین کارها که اول خود آدم را می‌سازد، بعد می‌تواند نقش تأثیرگذار توی مردم داشته باشد و توفیق بزرگی است و ما باید خدا را شکر کنیم از این فرصت که خدا در اختیار ما قرار داده است و حداکثر استفاده را داشته باشیم.

تشکل باید متعلق به مسجد باشد، نه پیوند یافته با مسجد

در گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین حمید رضا مهدوی ارفع

مسجد یک جایگاه اصیل برای تشکل سازی در جامعه‌ی اسلامی است، که امروز دچار یکسری اختلالات در این کار کرد خود شده است. برای خروج از این مرحله توجه به کدام بایسته‌ها ضروری است، برای کند و کاو در این کار کرد و دریافت نکات تحول بخش با حجت الاسلام و المسلمین مهدوی ارفع، فعال فرهنگی و پژوهشگر حوزه‌ی مسجد، گفت و گویی کرده‌ایم که در ادامه خواهید خواند:

۵۸

نشریه محراب
شماره ۳

می‌شود برای بندگی خدا استفاده کرد.

در انقلاب هم همین طور است، اول حرکت امام خمینی و بعد اندیشه‌ی اسلامی آغاز می‌شود، این طور نیست که تمام حرکت‌ها از مساجد باشند، بلکه دانشگاه، بازار، مدرسه و هم سهم عمده‌ای در خیزش مردم و جامعه‌ی اسلامی داشته‌اند، ولی باید توجه داشت که نقطه‌ی عطف مرکزی مورد اتفاق همه‌ی آن‌ها نهایتاً مسجد بوده است.

■ **حال واقعاً مسجد نقطه‌ی آغاز یک حرکت بوده است و یا**

و جریان نیاز به پایگاه‌سازی داشته است.

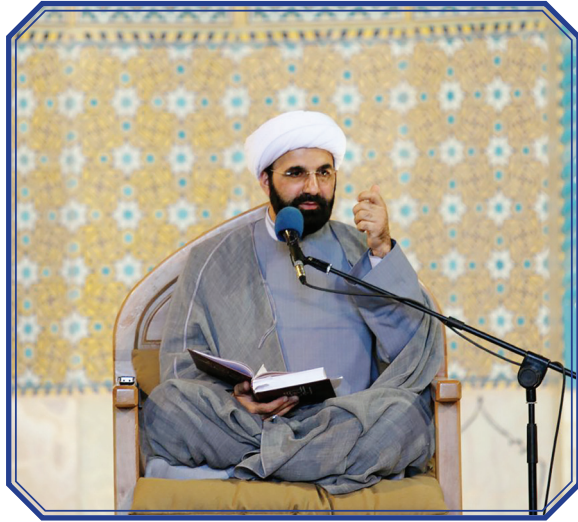
لذا اول پیغمبر مبعوث می‌شود و بعد مسجد بنا می‌شود؛ نه اینکه پیغمبر از مسجد بیرون بیاید. مگر آنکه بگوییم کار کرد مسجد در همه جا وجود داشته است، مثلاً غار حرا برای پیغمبر مسجد بوده است و اصلاً کل زمین به تعبیر پیغمبر مسجد است: «جَعَلْتُ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا؛ تمام زمین برای من مسجد (محل سجود) و پاک قرار داده شده است.»

یعنی از هر قسمتی از زمین

■ **به نظر جناب عالی به عنوان یک فعال فرهنگی آشنا با فضای تشکل‌های اسلامی، مسجد نقطه‌ی آغاز یک تحول است یا نقطه‌ی استقرار یک تحول؟**

با نگاهی به صدر اسلام دوره‌ی پیامبر اسلام و دوران انقلاب اسلامی، به نظر می‌رسد اگر چه مسجد کانون همه‌ی تحولات بوده است، اما یک نکته پیش‌نیاز هم داشته است و آن اینکه؛ همیشه و در هر دوره‌های اساس تحولات جامعه از جایی شروع می‌شده است و بعد آن تفکر



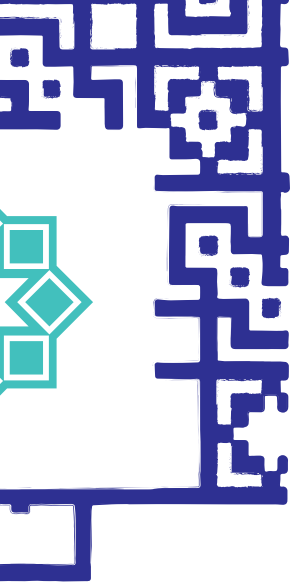


می‌شود. ما زمان جنگ هم حتماً این اختلافات را داشته‌ایم؛ لکن هیچ‌گاه توجهی به آن‌ها نمی‌کردیم. چون در مقابل آن فضا و آرمان مورد نظر خیلی کوچک بوده است، حتماً همیشه چند بزرگ‌تر و ریش‌سفید بوده‌اند که به جوان‌ها و کارهای آن‌ها در مساجد اعتراض کنند و مانع آن‌ها شوند، ولی هیچ‌کس یادش نمی‌آید که گفته شود در مساجد نمی‌شود کار کرد. پس برای احیای مساجد هم ما باید بدانیم در جامعه دنبال چه هستیم.

کم‌کم ضعیف شده و مساجد دیگر نتوانسته‌اند به عنوان قرارگاه گفتمان جدیدی مطرح شوند. پس اگر قرار باشد، چه تشکل‌ها و چه آحاد مردم به مسجد برگردند، باید دید فضای عمومی جامعه و گفتمان آن به چه آفتی گرفتار شده است که تجمعات مردم ضرورتی برای حضور در مساجد پیدا نمی‌کنند؟ وقتی یک مکان یا یک فضا از کار کرد آرمانی‌اش خالی بشود، خودبه‌خود محل تاخت و تاز امپال و هواهای نفسانی و آرزوهای کوچک و بزرگ

نقطه‌ی قرار یک حرکت؟

به نظر می‌رسد مسجد نقطه‌ی قرار بوده است، بی‌شک اگر همین پذیرفته شود و یا قابل اعتنا تلقی شود، می‌شود بررسی کرد که چرا الان مساجد خیلی فعال نیستند؟ در حال حاضر جامعه‌ی ما از یک گفتمان عمومی قابل قبول و مورد اعتماد همه که بتواند حرکت ایجاد کند، محروم شده است و یا نتوانسته‌ایم آن گفتمان را حفظ کنیم. چون فضای بعد از دوران انقلاب، جنگ و بعد از جنگ،



تعریف ما از مسجد این است: مکانی که در آن حدود مرز نوع و گستره فعالیت، فقط حدود مرز شرعی است؛ یعنی جایی است که همه می توانند جمع شوند و کار نیک انجام دهند؛ یعنی کاری که پارا از مرز شرع فراتر نگذاریم

است که مسجد در جوامع اسلامی آزادترین مکان است برای فعالیت؛ یعنی کسی تازمینی را وقف کرد از دست او خارج است و مال خداست، روایت داریم که اگر کسی ادعای مالکیت مسجد را بکند جایش در جهنم است، چون وقف است.

تا دیروز مال خودت بوده است، ولو سر نش خیابان آفریقا هم بوده و کلی هم می آرزد، هزار متر، نه ده هزار متر! اما تا گفتم من این را برای خدا وقف کردم، دیگر برای تو نیست. سهم تو با سهم دیگری هیچ فرقی نمی کند؛ یعنی تو می روی در محیطی که نه متعلق به دولت است نه ملت، آزادتر از این می شود؟

از طرف دیگر موانع یا محدودیت هایی هم هست؛ این مکان، تقدسش باعث می شود که محدوده فعالیت آن تعریف شده باشد؛ یعنی ما نمی توانیم در مسجد کنسرت موسیقی و کلاس یوگا و ... بگذاریم، نمی خواهیم بگویم این

تهران تأسیس کردند، با شهردار تهران بحث کردیم که چرا این راه انداختید؟ گفتند: «همه جوان ها که به مسجد نمی روند، مساجد برای خیلی از جوان ها دیگر جذابیت ندارند، ما می خواهیم جوان ها را جذب کنیم!» گفتیم: «چرا مسئله را حل نمی کنید؟ فکر نمی کنید این تفکر غیر اسلامی است؟ چون می گویند شما که دوست دارید گیتار بزنید بروید اینجا، می خواهید قرآن بخوانید بروید واحد قرآن، می خواهید موسیقی کار کنید آنجا و هر کسی بنا به کارش باید تفکیک بشود! در حالی که مسجد می گوید همگی یک نگاه، یک وظیفه، یک حرکت، یک اثر.»

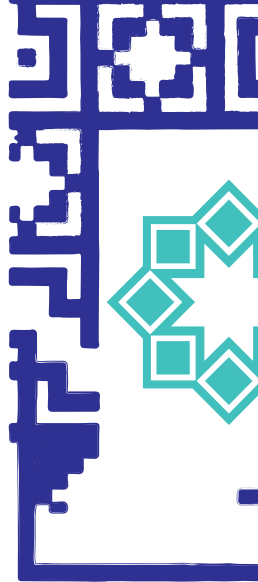
لذا اینکه چرا شکل ها به مسجد نمی روند این ها فقط تقصیر مسجد نیست.

ولی چرا روی مسجد اصرار داریم و چرا باید بچه ها را به مسجد برگردانیم؟ یکی به خاطر این

■ به نظر شما نهادهای موازی یا رقیب مسجد برای این نهاد دینی چه محدودیت ها و فرصت هایی ایجاد کرده اند؟

عده ای از نخبگان فکری یا مدیران گفتند برای تربیت نسل جوان و هدایت فکری آن ها NGO (سازمان های مردم نهاد) تشکیل دهیم؛ بدون اینکه بررسی کنند که لازمه این امر چیست! این اتفاق افتاد و ساختارهای موازی با مسجد زیاد شدند و نتیجه این شد که احساس ضرورت حضور در مسجد کم رنگ شد.

فرض کنید بیست میلیون جوان را به مسجد آوردیم، هیچ پیر مرد و ریش سفیدی هم نبود که به آن ها گیر دهد! آیا تنها باید نماز بخوانند؟ اینکه همان کار کرد حداقلی مسجد است، چه انگیزه های و چه آرمانی باید احیا شود؟ وقتی که اولین فرهنگسرا را در



اگر مسجد نمازش فعال شود به نظر من یک بخشی از مشکل آنطرف حل می‌شود، نماز که فعال شد کم‌کم مردم خواهند آمد و می‌توانند کمک کنند، پیشنهاد دهند، برنامه برگزار کنند

مرکز رسیدگی به امور مساجد یا سازمان تبلیغات، این‌ها باید ابتدا خودشان یک تغییرات نگرشی درباره مسجد ایجاد کنند. البته الان تفاوت‌هایی با دهه شصت ایجاد شده است. ساختار مدیریت مسجد عوض شده، روحانی مسجد، محور کار است، همه چیز باید با ایشان هماهنگ شود. اما به نظر من آنچه که می‌تواند عامل آشتی جوان‌ها با مسجد باشد، قبل از اینکه بخواهیم یک تغییرات ریز ساختاری بدهیم، تغییر ذهنیت جوان‌هاست که بخش عمده‌اش واقعاً ذهنیت‌های نابجای جوان‌هاست، که هنوز مسجد نرفته‌اند، می‌گویند در مسجد که نمی‌گذارند فعالیت کنیم. ما اول باید کار کرد صریح درجه-یک مسجد را که نماز است فعال کنیم، خود مسجد باید فعال شود، به معنای اینکه همین کارکرد اصلی ارزشمند نماز جماعتش باید جدی

اجتماعی، علمی و... همه را شامل می‌شود، چون تعریف ما از مسجد این است: مکانی که در آن حدودمرز نوع و گستره فعالیت، فقط حدودمرز شرعی است؛ یعنی جایی است که همه می‌توانند جمع شوند و کار نیک انجام دهند؛ یعنی کاری که پا را از مرز شرع فراتر نگذاریم و البته به آن حال و هوای مسجد هم لطمه نزنند. لذا اگر قرار باشد در مسجد به عنوان مهم‌ترین ساختار تجمع و تشکل جوان‌ها سرمایه‌گذاری شود، باید ظرفیت‌ها مد نظر قرار گیرد.

■ در بخش تعامل میان تشکل - ها و مسجد باید چه اتفاقی رخ دهد، که ما به یک تعامل سازنده و هم‌افزادست پیدا کنیم؟

بخشی از ساختارهای حکومتی (دولتی) که توانستند مساجد را به هر ترتیب زیر نظر بگیرند، مثل

فعالیت‌ها غلط است یا نه، بحث این است که مسجد به خاطر روح و فضای حاکم بر آن برای برخی حوزه‌ها محدودیت‌هایی دارد.

■ بیایید درباره‌ی این موضوع به صورت شفاف صحبت بکنیم، که اصولاً قلمرو فعالیت - های مسجد تا کجاست؟

اعتماد به مسجد در کنار هر ساختار دیگری، حتی هیئت‌ها از نظر نسل جوان و متولیان امر تربیت غیرقابل مقایسه است. اگر بگوییم بچه به کلاس مسجد برود یا همان درس را با همان استاد در جای دیگری بخواند، هم خود او و هم خانواده‌اش به مسجد بیشتر اعتماد می‌کنند. چرا؟ چون مکان برای خودش اعتبار هم می‌آورد. کارکردهای مسجد از ابتدا تا انتهای زندگی انسان را پوشش می‌دهد؛ از تولد، ازدواج، کار اقتصادی،

بسیج ساختار دارد، قانون دارد، حرفش پیش می‌رود، ضمن اینکه بالاخره نطفه‌ی بسیج هم در مساجد شکل گرفته است. ولی تشکل‌های دیگر این‌طور نیستند، حتی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد واقعیتشان این است که مال مسجد نیستند

و لازم است، اما باید فکری کرد که آیا تشکل‌های دیگر می‌توانند در مساجد جا پیدا کنند یا نه؟ بسیج ساختار دارد، قانون دارد، حرفش پیش می‌رود، ضمن اینکه بالاخره نطفه‌ی بسیج هم در مساجد شکل گرفته است. ولی تشکل‌های دیگر این‌طور نیستند، حتی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد واقعیتشان این است که مال مسجد نیستند، یک ساختمانی می‌گیرند و بعد می‌گویند آن طرف خیابان کانون فرهنگی هنری فلان مسجد است! اما بسیج را باید در خود پایگاه مسجد جا داد. پس مشکلی که باید اینجا حل شود این است که ساختاری چید که حداقل آن‌هایی را که از مسجد گریزانند و یا سمت مسجد نمی‌آیند کم کم جذب کرد. چون الان برای یک تشکل صد در صد دینی هم هیچ پشتیبانی‌ای نداریم که بگوید یک اتاق بدهند یا سالن مساجد را بیایند هفته‌ای دو جلسه استفاده کنند.

آمد و می‌توانند کمک کنند، پیشنهاد دهند، برنامه برگزار کنند.

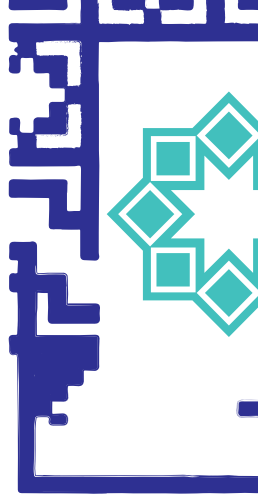
■ آیا نیازی به پیوند، یعنی رابطه‌ای فراتر از تعامل میان مسجد و تشکل‌های بیرونی هست؟

تشکل‌ها را کجا باید جا بدهیم؟ بسیج همه جا هست، مساجد تعطیل هم بسیج دارند. در ذهن جوان‌ها و حتی بزرگ‌ترها وقتی می‌گویند مسجد یعنی بسیج و وقتی گفتیم برویم مسجد فعالیت کنیم، یعنی بسیجی شویم و لذا آن‌هایی که به هر دلیلی ولو غلط با بسیج میانه‌ی خوبی ندارند، خودبه‌خود دور مسجد را خط می‌کشند. حداقل اگر بتوانند تفکیک هم بکنند می‌گویند برویم نماز بخوانیم و برویم دنبال کارمان. لذا هر فعالیتی که در مسجد رخ می‌دهد منحصر به بسیج است. بسیج هم خیلی عالی و مقدس

گرفته شود.

من اخیراً در اصفهان یک مسجد رفتم، گفتند امام جماعت آن در شصت سالگی طلبه شده است، مسجد به آن بزرگی جان بود و داخل آن جمعیت جوان و اقشار مختلف موج می‌زد، چرا؟ چون یک روحانی خودش را وقف مسجد کرده بود. از اول هم با مردم قرار گذاشته بود، یکی از جملاتی که از هر کس پرسیدم تأییدش می‌کرد، این بود که می‌گفتند ایشان از همان روز اولی که آمد صحبت کرد گفت: «هر وقت دیدید من به مسجد نیامدم تابوت را بیاورید در خانه‌ام، مطمئن باشید من نه به بهانه‌ی میهمانی و نه سفر مسجد را ترک نمی‌کنم، اگر نیامدم تابوت را بیاورید.»

پس اول باید مساجد اصلاح و فعال شوند و نماز را برگزار کنند. یک گام از این طرف اگر مسجد نمازش فعال شود به نظر من یک بخشی از مشکل آن طرف حل می‌شود، نماز که فعال شد کم کم مردم خواهند



یک راه این است که مساجد ما به این سطح برسند که استعدادها را پرورش داده و شکوفا نماید؛ یکی نویسنده است، یکی استاد دانشگاه، یکی انرژی بازی دارد و... وقتی اینها فعال شوند، خودبه خود مسجد پایگاهشان می شود

■ اگر امکانش هست این تشکل های برآمده از مسجد را بیشتر توضیح دهید که مراد کدام تشکل هاست؟

باید مسجدها به این سطح برسند که استعدادهای محله را بشناسند، پرورش دهند و در جهت شکوفایی آنها تسهیل گری کنند. و در ادامه نسبت به متشکل سازی هدفمند استعدادها گام بردارند. شاید بتوان تشکل ها را از دل مسجد تشکیل داد؛ یعنی به جای اینکه تشکل از بیرون به مسجد بیاید، تولید از مسجد باشد که به بیرون خدمت کند. مگر اردوهای جهادی نمی خواهیم؟ بیایند در مسجد فعالیت کنند بگویند هر کس می خواهد به فقرا خدمت کند، ثبت نام کند و تشکل شان را برقرار کنند. بچه که بودیم به مسجد جامع می رفتیم؛ آنجا همه امکاناتی از قبیل باشگاه ورزشی و... وجود داشت. من الان هر چه دارم می گویم از کار امام جماعت بود؛ ایشان از داخل مسجد تشکل تولید

می کرد. از داخل مسجد نزدیک پنجاه تشکل ساخته بود. مثلاً چند تا از بچه ها را که دانشجو بودند دور هم جمع می کرد و یک جلسه ی توجیه می گذاشت و بعد هم دائماً انرژی می داد که کانون دانشجویان راه انداختند.

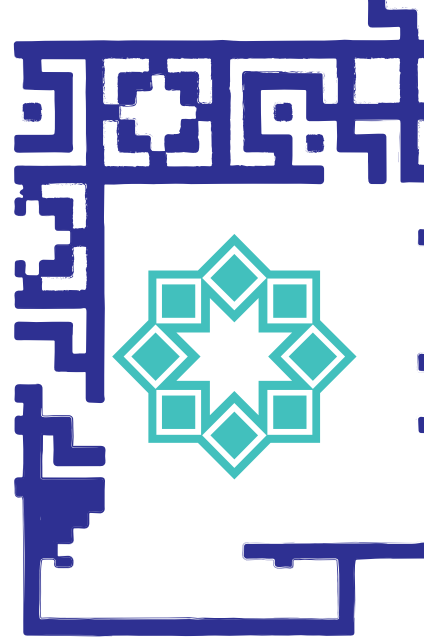
کارشان در کشاورزی و خیلی کارهای دیگر توسعه پیدا کرد، حتی به سه اختراع رسیدند. خودش هم در جهاد سازندگی کار می کرد، اینها را پر و بال داد و رفتند در مازندران کارشان را تست کردند که موفق شد، خط تولید و... امثال اینها. دید یک عده طلبه اند کانون طلاب راه انداخت، کانون طلاب اینقدر توسعه پیدا کرد که یک حوزه ی علمیه زدند کنار مسجد. کانون ورزش کاران، کانون هنرمندان و... .

ایشان کارشان این بود که ظرفیت های داخل مسجد را به تشکل های مسجدی وصل کند. یک شب بین نماز مغرب و عشا بلند شدند و گفتند: «داشتم می رفتم

قم، دیدم از اینجا تا آنجا بیابان است، گفتم چه خوب می شود در اینجا درخت بکاریم! با مسئولین جهاد هم صحبت کردم گفتند ما نمی توانیم، نیروی انسانی می خواهد که کار کنند، گفتم شما فقط تانکر آبش را به من بدهید.» زن و مرد و همه را جمع کردند و گفتند که در بیابان می خواهیم درخت بکاریم، اینطور شد که ما درخت می کاشتیم. همین حرکت یک تشکل جهادی تشکیل داد که می رفتند روستاها و خدمت رسانی می کردند.

بنابراین، یک راه این است که مساجد ما به این سطح برسند که استعدادها را پرورش داده و شکوفا نماید؛ یکی نویسنده است، یکی استاد دانشگاه، یکی انرژی بازی دارد .

وقتی اینها فعال شوند، خودبه خود مسجد پایگاهشان می شود، حالا وقتی پنج تا از دانشجویان خوب ما شدند کانون دانشجویان مسجد، خودشان دوستانشان را هم



مساجد باید «مادر» تشکل‌ها شوند. همه‌ی فعالیت‌ها باید از درون مسجد باشد. چون همه در بیرون مسجد احتمالاً عضو یک جمعی هستند و چرا این جمع را در مسجد شکل نمی‌دهند، چون فکر نمی‌کنند که مسجد به این کار هم اختصاص داشته باشد.

دهیم، باید به مسجد می‌رفتیم. بنابراین، مساجد باید «مادر» تشکل‌ها شوند. همه‌ی فعالیت‌ها باید از درون مسجد باشد. چون همه در بیرون مسجد احتمالاً عضو یک جمعی هستند و چرا این جمع را در مسجد شکل نمی‌دهند، چون فکر نمی‌کنند که مسجد به این کار هم اختصاص داشته باشد. البته آبادانی مسجد و نقطه‌ی شروعش به روحانی‌اش است. یک روحانی اگر باور کند که در مسجد چقدر ظرفیت است، همه‌ی هم‌وغمش مسجد می‌شود، تاریخ ما هم نشان می‌دهد که علمای بزرگ همیشه روی مسجد تمرکز داشته‌اند و یک مسجد را پایگاه خودشان قرار می‌داده‌اند.

هدایت معنوی می‌کرد، تشویق می‌کرد، تا آنجا هم که توان داشت پیگیری می‌کرد و بعد خودش می‌رفت کنار. این آدم بسیار پرکار و خوشفکر بود. یک دفعه وسط دو نماز می‌گفت دو تا دختر خانم هستند، اینطوری‌اند، این خصوصیات را دارند، هر کس پسر خوبی دارد بگوید تا من معرفی کنم به آن‌ها. حتی مردم می‌آمدند مثل زمان پیغمبر می‌گفتند ما دختر داریم و اگر آدم مسجدی است بیاید برای خواستگاری. به مردم کتاب معرفی می‌کرد. گاهی ما را می‌برد که هر یک به پیرزن‌ها و پیرمردها رسیدگی کنیم. ایشان در حد مسجد خودش لااقل گفتمان خدمت‌رسانی‌اش را راه‌انداخته بود. لذا اگر می‌خواستیم مؤثر باشیم و کار مثبتی انجام

می‌آورند در کانون مسجد. من خودم جذب شده‌ی ورزشم، یعنی عشقم ورزش رزمی بود، باشگاه‌ها هم که سالم نبودند، شنیدم مسجد کونگ‌فو دارد، استادش هم یک بسیجی قدرتمندی است که خیلی هم درجه‌اش بالاست. ثبت‌نام کردم. شب داشتیم بالای مسجد که باشگاه بود می‌دویدیم که من متوجه شدم یک آقای باریش بلند، کچل و با پیراهن و شلوار سفید دارد می‌دود، یک ذره دویدیم، گفت بچه‌ها بنشینید من برایتان گلایی گرفته‌ام بخورید، تا ما بخوریم دو تا حدیث برای ما گفت و ما را جذب کرد. هفته‌ای یک بار برای ورزش می‌آمد. پنجاه تشکل را ایشان راه‌اندازی کرد، فقط هم استارتش را می‌زد،

همسر، یک شخص بسیار مهم در زندگی خانوادگی و شغلی یک امام جماعت است. او به عنوان یک نیروی یاریگر مسجد و نیز شخصی که دائماً در زندگی فردی و اجتماعی امام جماعت حضور دارد، تأثیر بسیاری در زندگی خانوادگی و اجتماعی او دارد.

در واقع کیفیت ارتباط همسر امام جماعت با همسر و مراجعان محلی و مسجدی و اداری امام جماعت می تواند گره گشای بسیاری از مسائل برای طرفین ماجرا باشد.

در سرویس همسرانه به مسئله‌ی بهبود کیفیت ارتباطات همسر امام جماعت پرداخته ایم. و در انتها مهارت پختن شله زرد ندری برای تعداد نفرات بالادر یادداشتی ارائه شده است که می تواند راهگشا و کاربردی برای این بخش باشد.

همسرانه



مدیر روابط عمومی دفتر
حاج آقا هستم



گفت و گوی سازنده
متوازن و احترام آمیز



ازارتباط تا
ارتباط مؤثر

از ارتباط تا ارتباط مؤثر

درباره‌ی شناخت ارتباط مؤثر، مهارت‌ها و موانع آن

دکتر نازنین حقیقت بیان / روان‌شناس

تا یک دهه‌ی پیش، داشتن ارتباط و مهارت برقراری ارتباط برای هر فرد تنها یک مزیت محسوب می‌شد، اما امروزه تقریباً تمامی آدم‌ها به برقراری ارتباط مؤثر احتیاج دارند.

ارتباط مؤثر چیست؟ حتماً شما یک تعریفی مثل این در ذهن دارید: یک ارتباط که بتوان در آن تأثیر گذار بود.

اما باید گفت که خوشبختانه یا متأسفانه نه تعریف ارتباط مؤثر کار راحتی است و نه ارتباط برقرار کردن و داشتن مهارت ارتباطی؛ گرچه که در نگاه نخست به نظر می‌رسد کار ساده‌ای است.

در ارتباط مؤثر ما به دنبال مهارتی هستیم که با استفاده از آن بخشی از ساختاری را که در مغزمان شکل گرفته است، به مغز فرد دیگری در نقطه‌ای دیگر منتقل کنیم و ساختار مغز او را تغییر دهیم.

ابزار ما برای این کار چیست؟ ابزارهای ما یا کلامی است و یا غیر کلامی، که درباره‌ی آنها باید صحبت کنیم. اما پیش از آن باید ارتباط مؤثر را تعریف کرد.

۶۶

نشریه محراب
شماره ۳

■ تعریف ارتباط مؤثر:

ارتباط مؤثر، رابطه‌ایست که در آن، طرف مقابل پیام شما را با حداکثر دقت ممکن دریافت و درک کند. یعنی همان چیزی را که شما می‌خواهید او دریافت کند و در این مسیر بخش اصلی (و گاه تمام) مسئولیت ارتباط مؤثر را بر

عهده‌ی ارسال‌کننده‌ی پیام یعنی شماست.

مسئولیت دشواری است و لابد به این فکر می‌کنید که دریافت‌کننده باید چنین و چنان باید و فلان و بیسار نباشد، بلکه درست می‌گوئید اما مهارت برقراری ارتباط مؤثر به تأکید دارد که فرستنده‌ی

پیام‌ها، مسئولیت دارد از تمام توان خود برای افزایش اثربخشی ارتباط استفاده کند و به سادگی بی‌توجهی یا بی‌دقتی مخاطب را به بهانه‌ای برای کاهش اثربخشی ارتباط تبدیل نکند. خوب حالا ما اینجا داریم اینجا درباره‌ی پرورش مهارتی صحبت



احساس کنند. ارتباط مؤثر، زن و مرد فروتنی را می‌طلبد که بتوانند در یک خط ارتباطی به توصیف و تشریح زندگی، روحیات و مشکلات خود بپردازند.

■ اهمیت ارتباط مؤثر در روابط اجتماعی

یادگیری مهارت ارتباط مؤثر می‌تواند روابط اجتماعی فرد را هم تعمیق بخشد. این ارتباط همچنین اعتماد و احترام بیشتری ایجاد می‌کند. همچنین انجام کارهای گروهی، حل مشکلات و سلامت کلی اجتماعی و عاطفی فرد را بهبود بخشد.

و مرد به بلوغ شخصیتی و بینشی و معرفتی دست یابند و در این پیچیده‌ترین شکل روابط انسانی بدون ارتباط اثربخش نمی‌تواند شکوفا شود.

اگر مهارت‌های ارتباطی وجود نداشته باشد، عشق میان همسران، دوستان، والدین و فرزندان به مقدار زیادی کاهش می‌یابد، چرا؟ چون طرفین ارتباط قادر به رساندن تمام و کمال پیام خود نیستند.

روش‌هایی که به ما کمک می‌کنند تا شکاف‌های بین فردی ما و دیگران از بین بروند، برای برقراری روابط رضایت‌بخش در خانواده مفید می‌باشند. ارتباط مؤثر بین زوجین سبب می‌شود دو طرف، با وجود تفاوت‌های بسیار خود را برابر

می‌کنیم که به این هدف بیانجامد که گیرنده پیام شما در یک ارتباط، همان چیزی را دریافت کند که شما می‌خواهید

فکر می‌کنید سخنران خوبی هستید؟ می‌توانید به خوبی منظور خود را ارائه دهید؟ گوش خوبی برای شنیدن دارید؟ خوب است این‌ها هدف ما نیستند بلکه ابزارهایی هستند که قرار است به اثربخشی ارتباط کمک کنند.

■ اهمیت ارتباط مؤثر در خانواده

راه دوری قرار نیست برویم، اولین نقطه برای داشتن یک ارتباط مؤثر خانواده است. جایی که قرار است در یک ارتباط متوازن و صمیمی، زن

ارتباط موثر، رابطه‌ای است
که در آن، طرف مقابل پیام
شمارا با حداکثر دقت ممکن
دریافت و درک کند.

■ چهار مهارت ارتباط مؤثر

□□□

یک گوش مشتاق باشید.

بسیاری اوقات که حتی حرفی گوش می‌کنید، منتظرید تا صحبت فرد تمام شود تا شما حرفتان را بزنید و خلاصه نه شما که بسیاری از افراد در ارتباطات خود، غالباً بر آنچه باید بگویند متمرکز می‌شوند. اما ارتباط مؤثر مهارتی را از شما طلب می‌کند که در آن کمتر به صحبت و بیشتر به گوش دادن بستگی دارد، باید امیدوار باشم که از خود بپرسید من باید در یک ارتباط به چه چیزی خوب گوش بدهم؟ اگر این سؤال را هنوز از خود نپرسیده‌اید نشان می‌دهد که هنوز درگیر یک ارتباط مؤثر نیستید، در ارتباط مؤثر خوب گوش دادن نه تنها به معنای درک کلمات یا اطلاعات منتقل شده است، بلکه درک احساساتی است که گوینده سعی در انتقال آن دارد. تفاوت زیادی بین شنیدن مشتاقانه و به

بدن، شامل حالات صورت، حرکات بدن، تماس چشمی، لحن، تن صدا و حتی فشار عضلانی و حتی تنفس می‌شود
این به شما کمک می‌کند که منظور خود را بیان کنید، در موقعیتهای چالش برانگیز موقعیت خود را مشخص کنید و روابط بهتری در خانه با اهل خانه و با دیگران داشته باشید.

□□□

شما به استرس نه بگوئید

حتماً یا شاید هم احتمالاً چند باری در طی اختلاف با همسر، بچه-ها، دوستان و همکاران خود دچار احساس استرس شده‌اید و سپس چیزی را گفته‌اید یا انجام داده‌اید که بعد از آن پشیمان شده‌اید. این همان چیزی است که ارتباط مؤثر آن را نمی‌خواهد اگر شما بتوانید استرس خود را به سرعت از بین ببرید و به حالت آرام برگردید، نه تنها از چنین پشیمانی‌هایی جلوگیری می‌شود، بلکه در بسیاری از موارد به آرامش طرف مقابل نیز

سادگی شنیدن وجود دارد. وقتی واقعاً گوش می‌کنید یا وقتی آنچه گفته می‌شود را می‌فهمید، صدای واضحی را می‌شنوید که به شما می‌گوید حس آن شخص چیست و سعی در انتقال چه احساساتی دارد. وقتی شنونده مشتاقی باشید، نه تنها شخص مقابل را بهتر درک می‌کنید، بلکه به او احساس شنیده شدن و درک شدن خواهید داد. این امر می‌تواند به ایجاد یک ارتباط قوی و عمیق بین شما کمک کند.

□□□

فقط حرف نه

در بخش قبل درباره ابزار ارتباط کلامی و غیر کلامی صحبت کردیم، منور از ابزار شغیر کلامی شما در ارتباطات، نوع نگاه کردن، گوش دادن، حرکت کردن و عکس العمل شما نسبت به شخص دیگر است که در بسیاری از مواقع بیشتر از کلمات در مورد احساس شما به او اطلاعات می‌دهد. با این حال هنوز اگر به دنبال تعریفی از ارتباط غیر کلامی هستید، عبارت است از زبان

وقتی شنونده مشتاقی
باشید، نه تنها شخص مقابل
را بهتر درک می‌کنید، بلکه
به او احساس شنیده شدن و
درک شدن خواهید داد.

کمک می‌کنید. فقط در صورتی که در شرایط آرامش به سر می‌برید، می‌توانید بفهمید که آیا وضعیت به پاسخ نیاز دارد یا سیگنال‌های طرف مقابل نشان می‌دهد بهتر است سکوت کنید. از تاکتیک‌های جلوگیری کننده از حرکت استفاده کنید تا به خودتان فرصت فکر کردن بدهید. قبل از پاسخ دادن درخواست کنید سؤال را تکرار کنند یا در مورد آن بیشتر توضیح دهند.

□□□

خودتان را ارائه کنید

در لفافه و کنایه و طعنه و ... حرف زدن جدای از اینکه خیلی مؤدبانه نیست و حالا عصر چنین خودحقیرپنداری‌هایی گذشته، یک ارتباط مؤثر از میان می‌رود. بیان کردن مستقیم و قاطعانه ارتباط واضحی ایجاد می‌کند و می‌تواند به افزایش عزت نفس و مهارت - های تصمیم‌گیری کمک کند. ابراز وجود به معنای بیان افکار، احساسات و نیازهای خود به روشی

باز و صادقانه است. در حالی که در مورد خواسته‌های خود صحبت می‌کنید و به دیگران احترام می‌گذارید. این کار به معنای خصمانه بودن، پرخاشگری یا سختگیری نیست. ارتباط مؤثر همیشه در مورد درک طرف مقابل است، نه پیروزی در یک بحث یا تحمیل کردن نظرات خود به دیگران.

برای تأثیرگذاری بیش‌تر لازم است نکات زیر را رعایت کنید:

۱- شما باید برای خود و گزینه‌های خود ارزش قائل شوید. آنها به اندازه خواسته‌های دیگران مهم هستند. ۲- شما باید نیازها و خواسته‌های خود را بشناسید. همچنین بیاموزید که آنها را بدون نقض حقوق دیگران بیان کنید. ۳- شما باید افکار منفی را به روشی مثبت بیان کنید. عصبانی بودن اشکالی ندارد، اما باید احترام خود را حفظ کنید. ۴- شما باید بازخورد مثبت دریافت کنید. تعریف و تمجیدها را با کمال

با این حال بد نیست قبل از ادامه‌ی بحث، عناوین چند مورد از موانع برقراری ارتباط مؤثر را با هم مرور کنیم:

- ۱- موانع فیزیکی در محیط
- ۲- موانع ناشی از انتخاب نادرست بستر ارتباطی
- ۳- موانع کلامی
- ۴- موانع فرهنگی
- ۵- موانع روانشناختی
- ۶- موانع ناشی از ادراک متفاوت در مورد موضوع

منظور از موانع فیزیکی، انتخاب زمان نامناسب، مکان نامناسب، فضای نامناسب، حتی آب و هوای

ارتباط

موانع هم، سطح ادراک است. همه‌ی ما از سطح درک یکسانی برخوردار نیستیم. بخشی از این تفاوت‌ها به تجربه‌ها و آموزش‌های متفاوت و بخشی دیگر به تفاوت در توانایی‌های شناختی مغز ما بازمی‌گردد.

این تفاوت هم، می‌تواند به مانعی برای ارتباط اثربخش و نیز منبعی برای ایجاد سوء برداشت‌ها تبدیل شود.

■ برای یک پایان موقتی

هر یک از این موانع و نحوه‌ی مواجهه با آنها، به تدریج در شماره‌های بعد مورد بررسی قرار می‌گیرند اما آنچه اینجا و در این یادداشت اهمیت دارد شناخت شما و گرایش شما به سمت ارتباط مؤثر است. ارتباطی که زندگی و آوازش شما را روی ریل صحیح می‌اندازد و همین دو نشان می‌دهند که چقدر اهمیت دارد.

متنوع و متفاوتی ظاهر شود: تفاوت‌های فرهنگی تفاوت فرهنگ نسل‌های مختلف تفاوت فرهنگ اقوام تفاوت فرهنگ زنان و مردان تفاوت فرهنگ شهرهای مختلف تفاوت فرهنگ شغل‌های مختلف تفاوت فرهنگ گروه‌های اجتماعی متفاوت کافی است به یک واژه مانند مستضعف توجه کنید.

این واژه نزد افراد مرفه، سیاستمداران، افراد فقیر، افراد خیر، نامزدهای انتخاباتی، معلمان و مردم کوچه و خیابان، به‌خاطر پشتوانه‌های فرهنگی متفاوت، می‌تواند معانی بسیار متفاوتی را منتقل کند.

صفات و ویژگی‌های شخصیتی نیز نقش مهمی در افزایش یا کاهش اثربخشی ایفای می‌کنند. ویژگی‌های شخصیتی گوینده بر روی معنای کلماتی که می‌گوید سایه می‌اندازند. همچنین ویژگی‌های شخصیتی مخاطب هم می‌تواند به تفسیرهای بسیار متفاوت و متنوعی از پیام‌ها منجر شود.

آخرین و البته یکی از مهم‌ترین

نامناسب، سر و صدای محیط و هر آن چیزی است که می‌تواند مانعی مهم برای دریافت و درک پیام شود. بستری از تباطی هم اگر به شکل درست و مناسب و هوشمندانه انتخاب نشود، می‌تواند اثر بخشی ارتباط را کاهش دهد. برخی پیام‌ها، بهتر است به صورت حضوری منتقل شوند. برخی دیگر مناسب‌تر است که به شکل تلفنی منتقل شوند. برای برخی پیام‌ها، هیچ شیوه‌ای اثربخش‌تر از انتقال مکتوب وجود ندارد.

گاهی اوقات، ما کلمات و جملات درستی را برای ارسال پیام انتخاب نمی‌کنیم. این کلمات و جملات، یا معنای نادرستی دارند و یا برای طرف مقابل، به شکل دیگری تعریف شده‌اند. مجموعه‌ی خطاهایی را که در اثر انتخاب و استفاده‌ی نادرست از کلمات در ارتباط به وجود می‌آیند، به عنوان موانع کلامی در ارتباط اثربخش می‌شناسند.

تفاوت‌های فرهنگی هم، مانع مهم دیگری است که می‌تواند اثربخشی ارتباط را کاهش دهد. البته این تفاوت می‌تواند در شکل‌های بسیار

گفت وگویی سازنده متوازن و احترام آمیز

ارتباط مؤثر با همسری که امام جماعت است

مر ضیه میر غیائی
دانشجوی دکتری مشاوره و همسر امام جماعت

۷۱

نشریه محراب
شماره ۲

۳-ارتباط با مراجعان مرتبط با همسری که امام جماعت است

۴-ارتباط با دوستان

۵-ارتباطات اجتماعی

همسر امام جماعت باید با تزریق مهارت ارتباط مؤثر به هر یک از این خط‌های ارتباطی در پی بهبود عملکرد، ایجاد آرامش فردی و حفاظت از کیان آبرویی و روحی و روانی خانواده باشد.

نکته‌ی قابل توجه این است، همان‌طور که می‌بینید در این تقسیم‌بندی، ارتباطات اجتماعی به صورت مستقل آمده است، که این نمایانگر اهمیت مسئولیت اجتماعی همسر امام جماعت است. یعنی جایی که او به نام همسر

چنین برداشتی منافسی با نقش فردی همسر امام جماعت در جامعه نیست؛ بسیاری از این زنان خود در مقام اساتید قرآن و کارشناسان مذهبی و تعلیم و تربیت در جامعه دارای جایگاه مشخص و تعریف شده‌ای هستند و در واقع مهارت ارتباط مؤثر برای نقش مستقل این زنان هم یک توانایی لازم و بالقوه به شمار می‌رود.

برای شروع این مبحث، ارتباطات فردی و اجتماعی همسر امام جماعت را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱-ارتباط با همسر

۲-ارتباط با فرزندان

هنر ارتباط مؤثر برای زنانی که در موقعیت خاص خانوادگی و اجتماعی هستند، امری لازم و ضروری است. چرا که کوچک‌ترین کج فهمی و اشتباه در ارتباطات چنین خانه و خانواده‌ای به چالش‌های گوناگونی می‌انجامد که کیان آرامش خانواده را بر هم می‌زند و موجبات برهم خوردن تعادل و توازن ارتباطات زوجین در خانواده می‌شود.

همسر امام جماعت بودن، از این بابت قرار گرفتن در یک وضعیت فوق‌العاده است، که باید با مهارت ارتباط مؤثر از پس ارتباطات بعضاً بیشمار و سنگین خانه‌ی یک امام جماعت بر بیاید.

امام جماعت دارای جایگاه است و ارتباطاتی با جامعه خواهد داشت و احیاناً بر همین اساس قضاوت خواهد شد. بنابراین باید سهمی هم برای این ارتباطات کور قائل شد.

■ ارتباط با همسر

درست است که همسر یک امام جماعت با مردی زندگی می‌کند که به اصل دینی «ما مِنْ عَمَلٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ وَالِی رَسُولِهِ مِنْ الْإِيْمَانِ بِاللَّهِ وَالرَّفْقِ بِالْعِيَالِ» پایبند است و بر خلاف تصور بسیاری در جامعه، جایگاه زن برای او یک جایگاه متعالی است، اما با این حال در این رابطه هم هنر ارتباط مؤثر امری حیاتی به شمار می‌رود.

موانع ارتباط مؤثر همسر موارد زیر را شامل شود:

■ سکوتی مذموم

با یک پایش ساده می‌توان دریافت که مشکل اصلی بسیاری از زوجین نداشتن ارتباط و گفت و گو میان همسران است. در خانواده‌ی امام جماعت که مشغله‌ی مربوط به شغل وی در بیرون از خانه و حتی در خانه بسیار زیاد است، احتمال قطع گفت و گو میان زوجین زیاد است، و طبیعتاً وقتی ارتباط اصولی برقرار نمی‌شود جریان زندگی متوقف و در پی آن، زوجین احساس تنهایی

خواهند کرد، که این آسیب با توجه به مشغله‌ی بیرونی آقایان در میان بانوان بیشتر مشهود است. در این حالت زوجین شاید هنوز با هم زندگی می‌کنند، اما به صورت دو انسان تنها، نه یک زوج واحد.

■ خودداری از حرف زدن

به طور معمول یکی از مشکلات زوج‌ها که بعد از ازدواج متوجه آن می‌شوند، این است که یکی از آنها از حرف زدن خودداری می‌کند و اغلب هم این مردان هستند که ساکت و خاموشند. هر فردی نقطه ضعفی دارد و ممکن است بنا به دلایلی از کودکی گوشه‌گیر و درون‌گرا شده باشد، اما

این به آن معنا نیست که نمی‌توان یاد گرفت که درباره‌ی مسائل و تجارب زندگی با همسر صحبت کرد و لذت یکی بودن را تجربه کرد.

■ ادبیات غیر سازنده

در یک ارتباط غیر مؤثر ادبیات رایج میان زوجین یک ادبیات غیر سازنده، ایراد گیرنده و بهانه‌جو است. همسر امام جماعتی که در پی ارتباط سازنده با همسر خود است، از همسر خود ایراد نمی‌گیرد، بلکه با جمله‌های مثبت نظرش را به او می‌گوید. او از همسرش می‌خواهد تا مشکلاتشان را حل کنند. به‌طور کلی مردان و به خصوص مردی با شغل امام جماعت که عادت به گفت



وگو دارد از این کار لذت می‌برد، پس نباید با یک ادبیات غیرسازنده توانمندی و قدرت همسر را زیر سؤال برد.

یکی از ابزارهای ارتباط، ادبیات مبتنی بر درک و پذیرش طرف دیگر ارتباط است. در ارتباط مؤثر شما باید اصول ارتباط با همسران را بلد باشید؛ اینکه چگونه رفتار کنید، به چه صورت سخن بگویید و کاملاً با زیر و بم اخلاقی او آشنا باشید و بفهمید که او در چه زمان‌هایی در لایه‌های منفی شخصیت خود فرو رفته است و چه زمانی نیاز به حمایت و کمک شما دارد. به این شکل که کاملاً بدانید

زمان‌هایی که او ناراحت است، چه رفتاری او را خوشحال می‌کند، موقعی که او انگیزه‌اش را از دست داده است با چه کلماتی می‌توانید او را به زندگی برگردانید و یا وقتی حاضر نیست که با شما صحبت کند، چگونه با او رفتار کنید. همه‌ی این موارد نیازمند آن است که از قبل همسر خود را کاملاً شناخته باشید و مهارت گفت و گو و ارتباط مؤثر را یاد گرفته باشید. یکی از مشکلاتی که در زندگی مشترک خانواده‌های روحانیون و از آن جمله؛ ائمه‌ی جماعات وجود دارد، متکلم و حده بودن مرد خانه است، یعنی به خاطر نوع شغلشان در ارتباط با همسر آنچنان قدرت

شنوایی‌ای را که باید داشته باشند ندارند.

این بزرگواران باید در ارتباط با زندگی زناشویی بدانند که در مرحله‌ی اول باید همسر خود را با القاب زیبا و پسندیده مورد خطاب قرار دهند، احساسات همسرشان را درک کنند، یعنی به شادی، ناراحتی و حال خوب و بد همسرشان توجه کنند و با او همدلی کنند. و یادشان باشند که همسرانشان و به طور کلی زنان با صحبت کردن تخلیه می‌شوند، پس برای ارتباط مؤثر شما لاجرم باید شنونده‌ی خوبی باشید و اگر چه به نظر شما او در صحبت کردن افراط می‌کند که در بسیاری از مواقع هم این گونه نیست و این بر حسب خیلی هم به طیف گسترده‌ای از زنان نمی‌چسبد، اما هرگز همسران را از حرف زدن باز ندارید. هنگام صحبت او باعجله چاره جویی نکنید. به عنوان مثال: او می‌گوید سرم درد می‌کند، نگویند برو دکتر، بگذارید به صحبت‌هایش ادامه دهد و با او همدلی کنید.

مشغله و شأنیت یک امام جماعت بیرون از خانه قطعاً موجب اعتبار است، اما در خانه او یک همسر است و باید در یک رابطه‌ی متوازن از همسر خود پشتیبانی معنوی و عاطفی کند.

اعتماد به نفسی که مرده یا نبوده





است

از مهم‌ترین موانع مهم در برقراری ارتباط مؤثر پس از ازدواج «نداشتن اعتماد به نفس یکی از زوجین» است. در برابر همسری با شغل امام جماعت که دارای بیان محکم و قدرت استدلال مناسبی است، احتمال سقوط اعتماد به نفس در همسر زیاد است. سعی کنید که این اتفاق برای شما رخ ندهد و با تلاش و استحکام شخصیت و حتی کمک گرفتن از همسر از چنین سقوطی جلوگیری کنید تا در یک ارتباط مؤثر با وی به پیش بروید. به خاطر علمی نبودن یا متقن نبودن یا حتی لکنت داشتن کلام یا ترس از پذیرفته نشدن عقایدتان را فرو نبرید و مطرح کنید، که ارتباط مؤثر به دو طرف ارتباطی احتیاج دارد که متوازن و قدرتمندند.

■ خودخواهی

«خودخواهی یکی از زوج‌ها»، دیگر مانع برقراری ارتباط مؤثر و یکی از موانع ارتباط و وحدت همسران است. انسان به صورت ذاتی تمایل

دارد به جهت مخالف برود. در خانواده‌ی امام جماعت به صورت کلی بخش زیادی از وقت و فکر مرد خانه متعلق به مراجعان و مأمومان و مردم است. آن بخش باقیمانده‌ی زمان و دغدغه و احساس وی هم طبعاً باید میان خود و همسرش تقسیم گردد. در غیر این صورت به رغم داشتن ارتباطات اجتماعی فوق‌العاده‌ی شخص امام جماعت وی در ارتباط با همسر دچار مشکل خواهد شد. بنابراین برای داشتن ارتباط مؤثر، طرفین باید از دیوار خودخواهی بگذرند.

■ عصبی شدن

«عصبانی بودن یکی از طرفین»، مانع دیگری برای برقراری ارتباط مؤثر است. مسلماً خشم و عصبانیت مانعی بر سر راه ارتباط است. وقتی کسی عصبانی است، برقراری ارتباط با او اگر غیرممکن نباشد بسیار دشوار است. اگر در رابطه با همسرتان یک‌دفعه دچار خشم شدید یا احساس کردید که او از کوره در رفته است، وقتی آرام

شدید عذرخواهی کنید و دوباره درباره‌ی مشکل مورد بحث با همسرتان صحبت کنید.

خشم همیشه آدم‌ها را از هم جدا می‌کند، اما مهار خشم می‌تواند شما را به هم نزدیک کند.

در شماره‌ی بعد درباره‌ی مهارت ارتباط مؤثر در ارتباط با فرزندان صحبت خواهیم کرد، اما عجلتاً در این بخش باید اضافه کرد که:

همسر یک امام جماعت برای داشتن یک ارتباط متوازن با وی می‌بایست توانمندی‌های ذیرا داشته باشد:

۱- اعتماد به نفس مناسب برای ایجاد فرصت گفت‌وگوی دوفره
۲- قدرت بیان مکفی برای ارائه‌ی خواسته‌ها و انتظارات

۳- شخصیتی محکم و مهرورز برای دریافت زمان گفت‌وگوی دوفره
۴- آرامش برای پذیرش محدودیت‌های همسری که امام جماعت است.

کسب این مهارت‌ها نیازمند تلاش گسترده، صبوری و آرامش است. و همه‌ی سختی‌هایش حتماً به داشتن ارتباط مؤثر می‌ارزد.



من مدیر روابط عمومی دفتر حاج آقا هستم

تقریباً تمام محل ایشان را می‌شناسند، آن‌هم با صفت خبّری و کارراه اندازی. فرقی نمی‌کند که چه ساعتی و برای چه کاری و از چه طریقی به ایشان مراجعه می‌شود، ایشان با هماهنگی با همسر خود که امام جماعت مسجد است، امورات مردم یک محل را تا جایی که امکان دارد روی غلتک می‌اندازند.

با پرسوجو خدمت ایشان رسیدم و در همان ورودی خانه از ایشان درخواست مصاحبه کردم. ایشان بر حسب فروتنی، عذر خواستند و حتی با اصرار هم راضی به انجام این مصاحبه نشدند. در نهایت حاج آقا وساطت کردند. ایشان تصادفاً از این موضوع مطلع شدند، پرسوجو کردند، و من برای ایشان موضوع را توضیح دادم. در نهایت حاج آقا به همسرش پیشنهاد انجام یک مصاحبه‌ی بدون ذکر نام‌شان را دادند که به قول خودشان کار هر دوی ما راه بیفتد. و خانم هم روی پیشنهاد حاج آقا صحبتی نکردند و قرار مصاحبه برای روز شنبه، ساعت چهار عصر گذاشته شد. آنچه در ادامه خواهید خواند مصاحبه با همسر یکی از ائمه‌ی جماعات استان تهران است که به مدیریت همزمان منزل و محله‌شان معروف هستند. با ایشان دربارهی مدیریت ارتباطات یک امام جماعت با مردم و مشکلات محله صحبت کردیم.

۷۵

نشریه محراب
شماره ۲

جماعت مسجد بودند؟

بله، ایشان تقریباً در تمام طول سال‌های زندگی‌مان امام جماعت بودند، در کنار کارهای اداری‌ای که داشتند و تقریباً بیشتر اوقات ما با ایشان در مسجد گذشته‌است.

هستم، بنده سال ۱۳۶۰ با حاج آقا ازدواج کردم و حالا چهل سال است که با هم زندگی می‌کنیم. بنده در هنگام ازدواج ۱۸ سال داشتم.

**خب، از ویژگی‌های زندگی
با یک امام جماعت بگویید؟
آیا حاج آقا از همان ابتدا امام**

شما خودتان استاد دانشگاه

**خانم شامخ، برای ما بگویید که
شما چه سالی با حاج آقا ازدواج
کردید و در هنگام ازدواج
چندساله بودید؟**

بسم الله الرحمن الرحيم، سلام و خیر مقدم عرض می‌کنم خدمت شما و خوشحالم که در خدمت مخاطبان شما، یعنی همسران ائمه‌ی جماعات استان تهران



هستید و دارای شخصیت اجتماعی مستقلید، آیا این استقلال منجر به تداخل برنامه‌های شما با حاج آقائی می‌شد؟

بنده این استقلال شخصیتی را از خود حاج آقا دارم، ایشان در ابتدای ازدواج مان همواره تأکید داشت که برای خدمت بزرگ کردن باید تحصیلات و مهارت‌های مورد نیاز را داشت و بنده را برای تحصیل در دانشگاه ترغیب کردند. حتی در دوران تحصیلم، برخی وظائف بنده را در منزل بر عهده گرفتند، البته بنده هم که چنین رویکرد سازنده‌ای را از ایشان می‌دیدم با تلاش بسیار، فعالیت‌های حاج آقا را تسهیل می‌کردم. به عنوان مثال بخشی از کار ایشان را به عهده می‌گرفتم و به قول معروف به دنبال هم‌افزایی بودم. مسیری که مادر این سال‌ها طی کرده ایم عموماً به صورت حرکت یکی و پوشش از دیگری بوده است، یعنی اگر من در منزل نبودم، حاج آقا هم مادر

و هم پدر بودند و در نبود ایشان من علاوه بر پدری و مادری حتی به امورات محله هم رسیدگی می‌کردم. برای مثال در سال‌های جنگ، که حاج آقا جبهه بودند، من مدیریت بسته‌های ارزاق عمومی را در محله بر عهده داشتیم و این بسته‌ها را به دست نیازمندان می‌رساندم. حتی اگر فردی نیازمند سفارش حاج آقا برای انجام کاری بود با اجازه‌ی ایشان قدم‌هایی برمی‌داشتم که جالب‌ترین آن‌ها حضور در خواستگاری‌ها بود، یا درخواست مهلت برای پرداخت بدهی از طلبکاران و غیره. البته گفتم همه‌ی اینها با هماهنگی حاج آقا بود.

این هماهنگی‌ها چطور ایجاد می‌شد؟

صادقانه بخواهم بگویم به نگاه حاج آقا به زن باز می‌گشت، ایشان بنده را صاحب تدبیر و کفایت

لازم و کافی می‌دانستند و به بنده اعتماد به نفس کافی می‌دادند. من همیشه با این نگاه حاج آقا احساس می‌کردم قادر به انجام بزرگترین و دشوارترین امور هستم.

عامل دیگر، اهتمام ایشان به صحبت کردن بود. من در تمام این سال‌ها هیچ‌وقت برای صحبت کردن با ایشان معطل نشدم و همیشه اولویت اولم ایشان بودند. حتی ایشان با من شوخی می‌کردند که فلانی شما چنان به موقع سراغ بنده می‌آیی که من چاره‌ای جز بله

گفتن به شما ندارم. و عامل بعدی لطف خداوند بود، تمامی سنگ‌ها را از مسیر انجام امور خیر برمی‌دارد. خداوند به دعای دیگران در بسیاری از اوقات آنچه در دل ما برای حل مشکلات می‌انداخت، یکی بود، یعنی تصمیماتی بود که هر دو متفق‌القول آنها را اتخاذ می‌کردیم، مادر واقع با عنایت خداوند و اهل بیت: یک روح در دو جسم بودیم.

ایشان می‌رسید که به شدت خشمگین‌شان می‌کرد، اما همان راه ارتباط صمیمانه و صادقانه‌ی ایشان با فرزندان اجازه‌ی فتنه‌اندوزی در خانه‌مان را نمی‌داد. در مجموع اجازه‌ی گفت و گو بسیاری از مسائل هر خانه‌ای را حل می‌کند و ما هم از این مسئله مستثنی نبودیم و نیستیم.

■ سخن پایانی‌ای اگر دارید بفرمایید.

همسر امام جماعت به خصوص در فضای فعلی و وظیفه‌ی بسیار دشواری دارد، چرا که مسائل اجتماعی با سال‌های قبل متفاوت شده‌اند، فشارها زیاد شده‌است و اتمه‌ی جماعات در فشار روحی و روانی بسیاری هستند. همسر چنین فردی باید از خانه‌ی خود در برابر این فشارها با دو ابزار محافظت کند:

یک، درک همسری که شغلش به جهاد نزدیک است و دو، ایجاد فرصت گفت و گو در زمان مقتضی. مرد با گفت و گوی به‌موقع با همسرش آرام می‌شود و زن هم فرصت دریافت انرژی از همسر را می‌یابد. از آن سو همسر خود را هم بهتر درک می‌کند، بدون این درک خانه و خانواده همواره در معرض خطر است.

بود که افراد اصلاً اجازه‌ی مراجعه برای امورات بیهوده و الکی را به خود نمی‌دادند. ایشان معمولاً یک ساعت بعد از نماز در مسجد می‌ماند و در بازگشت ایشان به خانه و مواقعی که در منزل بودیم، ما در امنیت روانی بودیم. یا مثلاً سال‌هاست تلفن دفتری و تلفن همراه عمومی ایشان سیستم پاسخ‌گوی خودکار دارد و حاج آقا در ساعاتی که در مسجد هستند به پیغام‌ها گوش می‌دهند.

■ درباره‌ی ارتباط حاج آقا با فرزندان بفرمایید که نقش شما چه بوده است؟ آیا از این بخش ارتباط حاج آقا شما راضی هستید؟

بنده در ارتباط حاج آقا با دختر و پسر و داماد و عروس‌ها هیچ‌وقت دخالت نکرده‌ام. فرزندان ما پدر برایشان حاج آقا‌ی مسجد نبود و بابای در دسترس و مهربان و صمیمی خانه بوده‌است. به‌طور کلی فشار از جانب جامعه بر روی فرزندان روحانیون زیاد است، و در بسیاری از اوقات این فشار اخلاقی هم نیست، اما صمیمیت حاج آقا و اعتمادشان به فرزندان‌شان اجازه نمی‌داد آن فشارها خانه‌ی ما را دچار تنش کند. در بعضی مواقع از فرزندان حاج آقا مسائلی به گوش

■ آیا مدیریت ارتباطات حاج آقا با خودشان است؟

نه، امروز من مدیر روابط عمومی دفتر حاج آقا هستم (با خنده). در ابتدای زندگی مشترک بله، ایشان مهمان می‌پذیرفتند و حتی سفر می‌رفتند و مدیریت ارتباطاتشان با خودشان بود، اما به مرور با بنده هم این ارتباطات را هماهنگ می‌کردند تا زندگی شخصی ما و البته روحیه‌ی سه‌فرزندمان آسیب نبیند.

■ از فرایند این مدیریت برای ما بگویید، چرا که به نظر کار دشواری می‌رسد و امنیت و آرامش‌خانه در معرض خطر است.

اگر امام جماعت با همسرش هماهنگ باشد این ارتباطات و مراجعات عمومی خیر است، اما اگر این تعامل میان زن و شوهر نباشد مسئله پیچیده می‌شود. اگر امام جماعت از مخاطراتی که مراجعه‌ی بیگانه مردم برای خانواده‌اش ممکن است ایجاد کند، باخبر باشد، اصلاً اجازه‌ی اینکه برای مثال نیمه‌شب زنگ خانه‌اش بخورد را نمی‌دهد. نوع نگاه حاج آقا به خانه به نحوی

شله زرد، برای پانزده نفر

پخت شله زرد از آن مهارت هایی است که هر خانم ایرانی و هر همسر امام جماعت طبیعتاً دوست دارد آن را یاد بگیرد و یا حتی اگر شیوهی پخت آن را هم بلد است، باز هم دوست دارد صحیح ترین شیوهی پخت آن را بداند. به خصوص در این روزهای محرم که پختن شله زرد فراتر از یک آشپزی ساده است، در واقع قسمتی از فرهنگ عاشورایی ما است، که خاطرات بسیاری هم با پختن آن از گذشتگان و مادر بزرگها و مادران مان برای مان زنده می شوند.

شله زرد نذری یکی از دسرهای شیرین و خوشمزه ی سفره های ایرانی ست، که غیر از اینکه به عنوان دسر در وعده های غذایی روزانه مان استفاده می شود، در ماه محرم به عنوان نذری و هم چنین در ماه رمضان برای صرف افطار هم کاربرد دارد.

جالب است بدانید شله زرد که برای ما عجیب شده است با ماه محرم و ماه رمضان، در واقع یک غذای چینی است.

از مهم ترین مواد تشکیل دهنده ی شله زرد نذری می توان به برنج، شکر، زعفران، هل و گلاب اشاره کرد، و در تزیین آن نیز می توان از دارچین، مغز پسته و بادام استفاده کرد. جالب است بدانید که استفاده از شله زرد تنها به مناسبت های ذکر شده ختم نمی شود، بلکه این دسر خوشمزه را می توان در هر زمان درست کرد. بنابراین در این بخش از نشریه ی محراب قصد داریم به شیوه ی پخت شله زرد و مهم ترین شیوه های لذیذ کردن آن بپردازیم.

پیشاپیش نذر تان قبول حق.

۷۸

نشریه محراب
شماره ۳

■ طرز تهیه ی شله زرد نذری

خُب! مراحل پخت شله زرد را باید از روز قبل آغاز کنید. در ابتدا برنجی را که در نظر گرفته اید ۲ الی ۳ بار با آب سرد بشویید و آن را به مدت ۲۴ ساعت در آب خیس کنید. در صورتی که زمان مناسب برای این

کار را نداشتید، برنج را از ۶ ساعت قبل در آب بخیسانید. اگر برنج شما نیم دانه است، ۳ تا ۴ ساعت برای خیساندن برنج کافیست. هل ها را در لیوانی از گلاب قرار دهید و کناری بگذارید. برنج خیسانده شده را در دیگ یا قابلمه ی بدون در روی حرارت زیاد قرار دهید، تا زمانی که آب برنج به جوش بیاید. توجه کنید که قبل از اضافه کردن سایر مواد اولیه، برنج به آرامی باید بپزد تا زمانی که کاملاً چسبناک شود. به طور کلی برنج باید بافتی لطیف

بنماری در آب حل کرده، سپس به دسر اضافه کنید. در صورت تمایل، خلال‌های بادام را در گلاب خیسانده، سپس حدود ۲۰ دقیقه قبل از تمام شدن مراحل پخت به شله زرد اضافه کنید.

حالا به مرحله‌ی مخلوط کردن رسیده‌ایم که خیلی هم مهم است. باید ترکیب به دست آمده را مخلوط کنید تا مواد به خوبی به خورد هم برسند. این ترکیب را به مدت ۱ ساعت با قرار دادن دمکنی روی قابلمه یا دیگ، روی حرارت ملایم قرار دهید. حالت قالبی این دسر به دلیل وجود پودر ژلاتین است که اگر علاقه‌ای به آن ندارید، کافیت آن را از لیست مواد اولیه‌ی خود حذف کنید.

از آنجایی که شله زرد حالت پذیر است، می‌توانید آن را در قالب‌های کوچک ریخته و حدود ۶ تا ۷ ساعت در یخچال نگه دارید تا کاملاً فرم بگیرد، سپس با خلال پسته، بادام یا دارچین تزیین کنید.

■ نکات کلیدی و مهم در تهیه‌ی شله زرد نذری:

در این بخش قصد داریم به فوت و فن‌هایی که در پخت شله زرد نذری مهم است، بپردازیم، پس با ما همراه باشید.



شکر اضافه می‌شود و موجب آب انداختن برنج می‌شود. حالا نوبت شکر است، یادتان باشد که شکر دومین ماده‌ای است که به این نذری اضافه می‌شود. بعد از چند قل جوشیدن، هل یا عرق هل همراه با گلاب را در چند مرحله اضافه می‌کنیم. در مرحله‌ی بعدی پودر ژلاتین را اضافه کنید و به خوبی در مواد مخلوط کنید. برای اطمینان از حل شدن آن در مواد، می‌توانید پودر ژلاتین را به روش

و صاف، بدون اثری از وجود برنج زنده داشته باشد. حتماً می‌دانید که در این مرحله از هم زدن برنج باید خودداری کنید، اگر نمی‌دانید حتماً این کار را نکنید. آب برنج کاملاً خشک شده است؟ خب بعد از خشک شدن آب برنج، زعفران را در سه مرحله به ظرف اضافه کنید و هم بزنید. توجه داشته باشید که در این مرحله از ترس ته گرفتن شله زرد، آب به آن اضافه نکنید. چرا که در مرحله‌ی بعدی،

مواد اولیه	برای ۲۰ نفر	برای ۱۵۰ نفر
برنج نیمدانه	۲.۵ پیمانه	۳.۵ کیلوگرم
شکر	۵ پیمانه	۷ کیلوگرم
آب	۱۵ پیمانه	۷۵ پیمانه
کره	۱۰۰ گرم	۳۵۰ گرم
گلاب	۱.۵ پیمانه	۲.۵ پیمانه
هل	به میزان لازم	به میزان لازم
پودر ژلاتین	۲.۵ قاشق غذاخوری	۱۳ قاشق غذاخوری
زعفران	به میزان لازم	۲ مثقال
خلال بادام	۲۵۰ گرم	۱ کیلوگرم

– بعضی از افراد شله زرد را گرم میل می کنند و بعضی ها دوست دارند وقتی که سرد می شود سرو کنند.

■ تزیین شله زرد نذری:

پس از اینکه با طرز تهیه و فوت و فن های پخت شله زرد نذری آشنا شدیم، در این بخش می خواهیم به بخش آخر، یعنی تزیین شله زرد، بپردازیم:

دارچین، پر کاربردترین ماده ی تزیینی شله زرد نذری است. معمولاً از شابلون های آماده با طرح نام ائمه ی اطهار که قابل تهیه از لوازم قنادی است برای این منظور استفاده می شود.

خلال پسته، بادام و گل سرخ در رده ی دوم مواد تزیینی شله زرد قرار می گیرند. تصاویر زیر خود گویای روش های مختلفی است که می توان با استفاده از این مواد شله زرد را تزیین کرد.

ظرف شله زرد، خود یکی دیگر از راه های مفید برای تزیین شله زرد نذری است. در حال حاضر ظرف های یک بار مصرف موجود در بازار تنوع بسیار بالایی دارند، بر همین اساس می توانید شله زرد خود را در ظرف هایی با طرح های مختلف بریزید.

– اضافه کردن کره به برنج مانع از ترک خوردن شله زرد بعد از پخت می شود.

– سعی کنید برای تهیه ی شله زرد از برنج معطر استفاده کنید.

– هرچه میزان زعفران بیشتر باشد، طعم و عطر شله زرد بهتر می شود.

– اگر زمان مناسب برای تهیه ی زعفران رقیق شده ندارید، چند تکه یخ را در ظرف زعفران قرار دهید تا به رنگ و عطر مطلوب تری برسید.

– پس از سرو شله زرد، از تکان دادن ظرف ها خودداری کنید، چون این کار موجب آب انداختن شله زرد شما می شود.

– هنگام برگرداندن شله زرد قالبی، ابتدا با لبه ی تیز چاقو شله زرد را از لبه ی ظرف جدا کنید.

– برای جلوگیری از ته گرفتن شله زرد، هم زدن در همه ی مراحل پخت را فراموش نکنید.

– در صورت تمایل برای جلوگیری از تغییر رنگ شله زرد از عرق هل به جای دانه ی هل استفاده کنید.

– به طور کلی هنگام تهیه ی شله زرد، برنج نیم دانه را به هر اندازه ای که انتخاب می کنید، به اندازه ی دو برابر آن شکر و ۱۲ برابر آن آب تهیه کنید.

– زمان پخت و آماده شدن شله زرد نذری در حدود ۳ ساعت است.

– برای تزیین این دسر از خلال بادام، خلال پسته و پودر دارچین استفاده کنید.

– به یاد داشته باشید، هیچ گاه شله زرد را بیش از دو روز در یخچال نگهداری نکنید. بیش از اندازه ماندن این دسر لذیذ در یخچال موجب جذب تمام بوهای موجود در فضای داخلی یخچال می شود.